

باجنبش‌های اجتماعی جهان آشناسویم

سیماهای دیگر انقلاب

خودگردانی در لرستان

۷ انتشارات ایران

فرهنگ فاسمه

تقدیم به نوجوانان سیزده، چهارده، پانزده... ساله، به آنان که
از انقلاب و از جنگ هیچ نمی رانند، اما معمومانه، در جبهه جنگ
و در میدانهای نبرد همچنان می جنگند...

فهرست مدرجات

صفحه

بخش چهارم - انقلاب آرام

۴۷	۱ - انقلاب آرام
۴۹	۲ - برنامه سیاسی برای اداره جامعه
۵۱	۳ - خودگردانی واقعی کارکری
۵۳	۴ - طرح خودگردانی دولتی و طرح سندیکای همبستگی
۵۷	الف : قانون خودگردانی کارکنان کارخانه های دولتی
	ب : قطعنامه مربوط به خودگردانی مصوبه کنکره همبستگی
۶۲	۵ - متن برنامه سندیکای همبستگی (سندیکای همبستگی چه میخواست)
۶۴	الف - سندیکا در برابر بحران و اصلاحات اقتصادی
۶۵	ب - یک جامعه همبسته و یک سیاست اشتراکی
۶۶	پ - جمهوری خودگردان لهستان
۶۸	ت - سندیکای خودگردان
۷۲	ث - قرارداد اجتماعی نوین
۷۲	ج - توافق صد بحران
۷۲	ح - توافق برای اصلاحات اقتصادی
۷۳	خ - توافق برای جمهوری خودگردان
	بخش پنجم - دموکراسی سندیکائی
۷۵	۱ - مبانی دموکراسی سندیکائی
۷۵	الف - چرا دموکراسی ؟
۷۷	ب - دموکراسی چیست ؟

صفحه

مقدمه

بخش اول - خودگردانی

- ۱ - خودگردانی چیست ؟
- ۲ - خودگردانی در یوکسلاوی

بخش دوم - حرکتی‌ای انقلابی کارگران و روشنگران لهستان

- ۱ - حرکتی‌ای انقلابی کارگران و روشنگران
 - الف : ربع قرن مبارزه
 - ب : شوراهای دروغین و لفاظی کمونیستی‌ای راست برای فربکارگران چ-
 - پ : شرح و تایع اعتصاب ۱۹۲۰
 - ت : هنوز مردم به ایدئولوژی رسمی اعتقاد نداشتند .

۲ - اعتصاب و تظاهرات ۱۹۲۶

- الف : کیته دفاع از کارگران
- ب : انتشار نشریه کارگر (روپوینک)
- ۳ - مطالبات کارگران گدانسک در تابستان ۱۹۸۰

بخش سوم - تغییر رهبری - دولت - حزب

- ۱ - امواج های تاکتیکی
- ۲ - محافظه کاری و فشار
- ۳ - تحریض می‌لیاقتها

وزخم ابروی توام هیچ گشایش نمی‌سود
و به که درین خسال کج عمر عزیز شد تلف
"حافظ"

مقدمه

در نظامهای تام‌گرا، هر لحظه، هرگونه از زندگی هر فرد زیر نظرت
نژره بینی و دائم دولت قرار دارد. ساختار دولت، مرکزگرا و مبتنی بر سلسه
مراتب است. این نوع دولتها، انزوی، گنجینه اطلاعات و روابط با
بازارهای جهانی را که سه عامل اساسی قدرتنهای حکومتگر می‌باشد تماماً به
کابین خود در می‌آورند. بدینوسیله قدر قدرتی صندل خود را که صفاتی
از نظریه پردازی و خشونانه آن را احاطه کرده بر جامعه اعمال می‌کند. حزب
واحد یکی از وزیرگاهای چنین جوامعی است. حزب واحد از طریق بیان
واظهار ایده‌ئولوژی واحد، روح قدرت طلبی تام روابی خود را گسترش
می‌هد. در یک چنین نظامی هرگونه پویایی فردی و اجتماعی، خارج از
چارچوب و محدوده تعقل دولت - حزب، کفر و ارتداء است و دارنده آن
باید از جامعه طرد شود. پس نامطلق گرانی، دموکراسی، تطوير و تکامل
گرایی از جامعه رخت بر می‌بندد و حاکمیت دیوان‌سالاران همانند سلطنت
یا حکومت خلغا و مذہبیون جنبه روحانند بخود می‌گیرد.
لهستان یکی از نمونه‌های آشکار و پرمعنی این نظامها می‌باشد. مسردم
لهستان علیه شرائطی اینگونه، قیام کردند. قیامی که از سال ۱۹۵۶ مجبور
بود قدرت حاکمه را تحمل کند. قیامی همکانی، فراتر از مفهومی که آنرا

- پ - شیوه‌های اعمال دموکراسی.
- ۲ - دموکراسی سندیکاشی.
- ۳ - سازمان سندیکا همبستگی.
- ۴ - اساسنامه و ساختار سندیکاهای همبستگی.
- بخش ششم - کنگره
- ۱ - کنگره سندیکا همبستگی.
- الف - از هر محل نهاینده‌ای.
- ب - یک برنامه دموکراتیک و انقلابی.
- پ - ترکیب کنگره همبستگی.
- ۲ - کوتای نظامی
- الف - چرا و چگونه زمینه کوتای فراهم شد؟
- ۱ - نگاهی کوتاه به کارنامه سندیکا همبستگی.
- ۲ - آهستگی‌های جنبش خودگردانی.
- ب - یک معامله دیگر.
- پ - ویراز و اشنکن.
- ۳ - چپ، روشنفکر و سازمانهای سیاسی ایران.
- ۴ - موضع ارتجاعی حزب توده و کمونیستهای دست راست ایران.
- ۵ - لفاظی‌های "سخنرانان".

مفاهیم انقلاب را نفی کرد ، زیرا در این صورت باید تاریخ مبارزات بشری بسر خد رجعی گرفت و سکون و در نتیجه تاریخ را نفی کرد . اما امروز انقلاب از پسی جهات مشابه جنک است و در جوامع ای رقیقاً خود جنک ، بدین گونه باید گفت ، انقلاب کاری نامتعارض با عقل و اندیشه میباشد که در هر حال خود را بعنوان کوششی برای تحصیل یک ایده مولوزی برایه تولوزی دیگر ، هر کدام خود برترین ، معرفی کرده است . انقلاب پرداخته قدرتمند صاحب ایده تولوزی و جهانگشا (امپریالیست) میباشد که بزرگترین خاصیت و هنرمند محوفه هند ملی و هنر انسانی و گند اندیدن قدرت تفکر و اندیشه احاد و افراد یک جامعه متحرک و پرچوش و خروش است ، نشانهای از قدرت و حاکیت نیروهای کریزان از عقل و خرد و نمونهای از نفی مبارزات بی کسر اجتماعی است لااقل تاکنون چنین بوده .

رهبران انقلاب که دیگر رهبران جامعه نیستند ، قادرند با توصل به نیروی توده نامتعقل ، تحریک شده و خروشند ، ابتداء مردم را از اسارات رها سازند ، پس آنکاه آنان را با بند دیگری بنام انقلاب که اغلب خشن تر و آزار دهنده تر از سابق است به اسارت درآورند . آنان از یکسو از انقلاب بعنوان وسیله‌ای علیه مخالفین خود (ضد انقلاب) در نتیجه علیه دموکراسی ، آزادی ، تعدد اندیشه و تفکر ایده تولوزی استفاده میکند و از دگر سو آنرا به عامل سرکوب جنبشی مردمی که تا به پنهان انقلابیون خبره و حرفة‌ای نیفتداره به ذات خود سازنده و خلاق است بدل می‌سازند . بدین ترتیب بنام انقلاب و انقلابی گری نیروهای بالقوه اجتماعی را پیکی پس از دیگری خفته میکنند (به تاریخ انقلابات نگاه نکنید ، عظیم ترین و محبوب ترین اش انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و آنکاه انقلاب مردم ایران علیه استبداد و فساد و استثمار) رهبران انقلابات ، اکثر آنها هستند که کمتر از هر کس دیگر به مفهوم وجودی و علیتی انقلاب توجه و وقتدارند . آنان هرگز نظریات خرد پذیر انقلاب را عرضه و تبلیغ نمی‌کنند بلکه افکار و عقاید خود را اشاعه میدهند . مشکل میتوان نظریه این فیلسوف روسی را رد کرد که در باره انقلاب میگوید : انقلاب ، همانند تولد کودک و رنج زایمان مادر ، سترون ، زشت ، در نسک

تحت انقلاب می‌شناشیم . این قیام متهورانه که بواسیله طبقه کارکرانجام کرفت ، نشان داد ، منافع طبقه کارگر ، ارزش انسان بعنوان نیروی تولید گشته ، کار آدمیان که نیروی دولت قوی و قدرت اقتصادی آنرا باعث میشود به عنوان تنها والاترین ارزشی ای جامعه تلقی نمیشوند ، بلکه آزادی و اختیار ، رعایت حقوق فردی و اجتماعی احاد و افراد جامعه معرفت و جوهر انسانی است . جنبش عظیم اجتماعی لهستان قصد بدست گرفتن قدرت را نداشت ، بلکه خواستار استقلال جامعه به یک مرحله مهمتر از انقلاب بود . این جنبش میخواست ، هم بنا بر نظریات مارکس و انگلیس ، سرانجام با جهش از جهان جبر و ضرورت به جهان آزادی و اختیار وارد شود ، در تبعیت علت اقتصادی باقی نماند ، بلکه خود به علتی برای اقتصاد بدل گردد . جنبش کارگری لهستان ، خیزشی اجتماعی - سیاسی و دیالکتیک خود جوش توده‌های انسانی ، احتجاج اندیشه ، تفکر ، منطق ، اراده ، تابع عقلانیت و مبارزه آگاهانه بود ، که از سوی دیوانسالاران نظامی مورد الحاد و ارتداء و تکفیر قرار گرفت . ارزش واقعی و تبارنامه پویایی این جنبش بر حق مردمی ، بر تاریخ مبارزات کارگری از هم اکنون سایه‌افکنده ، اما عمق بالندگی آن ، بر همکان ، در سالهای آینده نمایان خواهد شد . جنبش مردمی لهستان تفسیر و مفهوم تازه‌ای را از انقلاب ارائه داد . تفسیر و تعبیری ، بیشتر فلسفی و متفاوت با برداشتی که تاکنون از انقلاب میشند .

با نقده و بررسی منابع اصلی انقلابات و علل تاریخی درجه اول آنان ، باید یک بار دیگر مفهوم انقلاب را بخصوص پس از آنچه که در این چند سال اخیر در چند کشور دنیا از جمله در ایران و در لهستان روی داد مورد سوال قرار داد . در این فرایند باید کوشید تا در تله عقیقات ها یا ذهنیت ها ، هر کدام به تنها و در دام تعصبات برعلیت نیفتار که اینها باعث میشود تا از فاصله معینی با این مفهوم بخورد نماییم .

بی تردید ، اکثر در جامعه‌ای نیروهای سازنده ، خلاق و حیات بخش از بین بروند ، انقلاب ضرورت می‌باید . بدین سبب است که ناگزیر نمی‌شون

و قهرآمیز است.

این مفاهیم را از انقلاب، بهتر و بیشتر، جوامعی درک می کنند که در طول تاریخ خود بیش از دیگر جوامع انقلاب کردند و در شرایط سخت تری این کار را انجام دادند و خاطره آنرا در حافظه تاریخی خود حفظ نمودند. لهستان از آن جمله است که در حافظه آگاه و ناگاه خود این معرفت اجتماعی تاریخی را صیانت و حفاظت من نماید.

سابقه مبارزات مسلحه و قهرآمیز در لهستان به چند قرن پیش از این میرسد. اما چرا بعد از کودتای نظامی یاروزلیسکی، مردم به قیام مسلحه دست نزدند؟ چرا رهبری سندیکای سولیدارنوشچ علی رغم اختناق و فشار وحدت و دیتھای شدید، جوانان را از این نوع مبارزه منصرف ساخت؟ چرا بعد از قریب ه ماه سکوت و مبارزه منفی، در روز اول ماه مارس (۱۹۸۲) سندیکای همبستگی، به هنگام تظاهرات دولتی، مبارارت به خد تظاهرات آرام می کند؟ و چوا در این تظاهرات بیش از پنجاه هزار نفر پیرو جوان فریاد می زندند آزادی، سولیدارنوشچ، والزا (عنوان مظہر مقاومت و تسليم ناپذیری)؟

واقعیت ایست، تا زمانیکه دیگر ملتھای شرق چون روسها، چکها، یوگسلاوهای، اکرائینیها، لیتوانیها و ... همچنان در زنجیر امپراتوری شوروی قرار دارند، لهستان هم نتواند توانست در مبارزات آزاد پیشوایانه خود پیروز شود. وانگهی، مردم لهستان، میدانند "بدون تفوق بر تانکهای شوروی تفوق بر بحران ناممکن است" (واک گرون یکی از بنیان گذاران کیته اجتماعی دفاع از خود، لوموند اول مارس ۱۹۷۷) اما هم آنان و هم رهبران آنان، در عمل مبارزاتی خود نشان دارند، برایشان طرح است که آیا با جنگ، با قهر و با انقلاب میتوان بر تانکهای شوروی فائیق آمد؟ اگر انقلابیون تانکها و ارتش شوروی را مغلوب ساختند، آیا، آنگاه حاکیت مردم بر قرار خواهد شد؟
به عبارت دیگر، در جامعه لهستان و در سطح رهبری سندیکاهای

همبستگی مفهوم انقلاب یا انقلاب آرام، قهر انقلابی یا اصلاحات انقلابی بعنوان یک پدیده معرفتی و پویای اجتماعی مطرح است.

فرهنگ قاسی
۱۹۸۲ می
پاریس

خودگردانی چیست؟

منیرت ادرارک و هوشیاری دهد عقلها را عظیماً باری بهد
 امر شایر هم برای آن بسورد کر شایر سه و یکمتر شود
 عقل را با عقل دیگر بار کن امر شایر بیشتر را کار کن
 "مولانا جلال الدین بلخی"

قبل از هر چیز باید با مفهوم واژه خودگردانی آشنا شویم و این ترکیب را تعزیه کنیم تا بتوانیم طرز عمل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنرا بهتر درک نمائیم.

واژه خودگردانی برگردان فرانسه "Autogestion" میباشد که خودبرگردان واژه یوگسلاوه "Samoupravljé" است و از دروچه تشكیل شده "Samo" یوگسلاوه که برابر کلمه "Auto" لاتین و کلمه "Gestion" در زبان فرانسه میباشد. (۱) واژه "Auto" لاتین را در زبان فارسی به "خود" واژه "Gestion" فرانسه را به "اداره کردن" برگردانیده‌اند. به عبارت دیگر آنرا میتوان با "اداره کردن بر خود" یا "گردش امور خود را خود بر عهده داشتن" وبالاخره در ترکیب ساده‌تر میتوان این اصطلاح را با "خودگردانی" برابر نهاد.

بخش اول

خودگردانی

1 - Alain Cuillerm et Yvon Bourdet
 GLEFS POUR L'AUTOGESTION
 Edition Seglers Paris 1977 P.7

تاکنون دو وظیفه را داشته است. دخالت در سازماندهی فنی کار و دخالت در سیاست عمومی کارخانه. شیوهای است که خیلی زود بوسیله کارفرمایان پذیرفته شد زیرا در اثر آن کارگران بکار خود علاقمند شده و نسبت به وظایف خود انگیزش پیدا میکنند درنتیجه زمینه برای ادغام کارگران در نشان موجود داشت. اما در این مبحث تحلیل کوتاهی از هر کدام از شیوه های پاره شده ارائه خواهیم داد. لازم به یاد آوری است که خود گردانی حالت تکامل یافته و ادغام شده همه این شیوهها میباشد که در اثر تجربه بوجود آمده است.

آنرا باید تشییت هوشیارانه سیستم نار و کاربری در شرائط تولیدی موجود بوسیله کارفرمایان بشمار آورد زیرا در این روش قدرت دیلاتوری نظام کن جامعه مورد سوال قرار نمی نیزد.

د - "تعاونی" (۱) بحث اجمالی درباره این مقوله آسان نمیباشد بنا به نظر مارکس و گذشتن از او هدف اصلی تعاونی سپردن امور کارخانه به دست کارگران و حذف سرمایه داری خصوصی است. متساخانه، جنبش تعاونی به شکلی که مارکس پیش بینی کرده بود رشد پیدا نکرد تا "سرمایه دار تبدیل به مالک تولید شود" (۲) از سوی دیگر مارکس در اثر مطالعات زمان خود به این نتیجه رسیده بود که با از بین بردن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بلا فاصله کارگران آزاد خواهند شد. او مدیران جدید غیر مالک را به "رهبران ارکستر" تشییه میکند که دیگر مستریج نوازنده کان خود را تصاحب نخواهند کرد و در تعاونی تولید ویژگی تضاد بین کارکر و کارفرمایان از بین میروند زیرا مدیران به جای قرار گرفتن در مقابل کارگران از آنها اجرت دریافت خواهند نمود. (۳)

1 - Cooperative

- ۱ - کاپیتان جلد اول صفحه ۸۷۰ نتاه نکید به Alain Cuillern et Yvon Bourdet CLEFS pour l'autogestion P.27, 28
- ۲ - برای مطالعه بیشتر درباره این چهار شیوه علاقمندان میتوانند به شاب CLEFS POUR L'AUTOGESTION صفحات ۳۲ - ۱۲ مراجعه کنند

وقتی درباره خود گردانی بحث میشود شیوه های مختلف اداره محیط کار طرح میگردد که نمی توان با آنها برخورد نکرد. ما در مناسبت دیگری درباره یک این شیوه های اداره و تولید بطور مفصل مطالعی خواهیم داشت. اما در این مبحث تحلیل کوتاهی از هر کدام از شیوه های پاره شده ارائه خواهیم داد. لازم به یاد آوری است که خود گردانی حالت تکامل یافته و ادغام شده همه این شیوهها میباشد که در اثر تجربه بوجود آمده است.

الف - "مشارکت" (۱) یعنی مشارکت کارگران در امور کارخانه که عبارت از پذیرفتن مشارکت کارگران در قسمتهای از فعالیتهای موجود در کارخانه میباشد فعالیتهایی که هدف و ساختار آنها از قبل بوسیله کارفرمایان (دولتی یا خصوصی) تعیین شده و کارگران در حقیقت حق تغییر آنها را ندارند و به غیر از دخالت در امور جزئی اختیاری به آنها داده نشده است.

ب - "ناظارت کارگری" (۲) این شیوه فقط شامل ناظرات کارگران در امور کارخانه میباشد یعنی کارگران حق مشارکت در مدیریت و تولید را ندارند بلکه میتوانند بعنوان یک ناظر ساده نسبت به مسائل نظر رهی تعایند و همچ تضمینی برای تامین نظرات آنان وجود ندارد. تحت این روش کارگران توانسته اند قدرت کارفرمایان را مورد سوال قرار دهند.

ج - "همگردانی" (۳) این روش از در و روش فوق متفرق تر است. و

- 1 - Participation
- 2 - Contrôle Ouvrier

-۳ - Cogestion، معنی جزء به جزء آن میشود با هم اداره کردن که ما واره "همگردانی" را برای آن برابر نهادیم.

امروز می بینیم که جنبش تعاونی رشد پیدا نمی کند، مالکیت اشتراکی یا اجتماعی یعنی مالکیت کارکران متحقق نمی شود بلکه در جوامعی که خود را (به غلط) وارت تئوری مارکسیسم معرفی میکنند سرمایه داری دولتی کارکران را نه تنها آزار نساخته بلکه به بند نیز میگشد رهبران کارخانه (ارکستر) کماکان دسترنج زحمتکشان را چپاول می کنند. می بینیم بویژه در سده دهه اخیون در جوامع با صلح سوسیالیستی تضاد بین نارکر و لارفما در سطح استرد های افزایش میابد.

بدین ترتیب است که باید گفت نه "مشارکت" نه "نشارت کارگری" نه "همکردانی" و نه "تعاونی" تاکنون نتوانسته اند در برنامه ریزی های تولیدی و مسائل اقتصادی، و شئون مختلف کار و کارشنی مهم واقع شوند حال آنکه "خودکردانی یک نژادگون سازی ریشه ای نه تنها اقتصادی بلکه سیاسی به مفهومی است که برای ارائه یک مفهوم دیگر از سیاست و از هم پاشیدن این تصور عام سیاسی که میگوید مدیریت برای یک قشر سیاستکار در نظر گرفته شده (۱) به مبارزه با همه کارفرمایان و سرمایه داران غاصب بر می خیزد.

خودکردانی میحواده بدون واسطه، در همه سطوح، در همه امور و با استفاده از همه مردم به باز سازی جوامع انسانی که تحت سلطه تجاوز کارانه صنعت و سرمایه داری جهانی و مبارلات غیر منصفانه قرار نرفته و انسان را تبدیل به ابزار مکانیکی تولید کرده و حقوق او را مورد دستبرد قرار دارد بپردازد. بنابراین باید گفت خود کردانی قبل از اینکه یک نژادگری (Doctrine) باشد یک جنبش اجتماعی است. برای بیان بهتر خودکردانی در هر جامعه باید به عمل پرداخت تا دید با توجه به تفسیرات دیگر در یک جامعه از قبیل سطح آکاهی مردم، آزادی، دموکراسی، استقلال، وضع اقتصادی، تاریخ مبارزات اجتماعی و ... چه از آب در

خواهد آمد. البته خود کردانی در جوامع مختلف مشخصات کوناکو زی خواهد داشت و ویژگی جامعه خود را بنابراین میتوان گفت خود کردانی عبارت از یک رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که هویت خود را هم از سوسیال دموکراسی غربو هم از سوسیالیسم بوروکراتیک دولتی شرق، اخذ کرده است و در عین حال هر دو آنها را رد میکند و تنها جنبشی است که میتوان تحت لوای آن به یک "سوسیالیسم" همراه بسا "آزادی" رسید. جریانی که نه کاپیتالیسم را می تواند قبول داشته باشد و نه نظامهای دموکراتیک خلقی را. تنها ظرف‌تفروی است که شاید بتواند به فریادهای استهداد طلبانه زحمتکشان که از دو قرن پیش به این سواد است اریابان خصوصی دولتی بآسمان بلند میباشد پاسخ کوی. فریادهایی که تا بحال بوسیله هیچگدام از نظریه هنزا با همه ادعاهای خوشبینی های فلسفه و حاممه شناسان و انسان دوستان هنوز به جای نرسیده حال آنکه بشریت هر روز مسائل تاریخی را در برابر خود می یابد.

امروز دیگر دوره ستاره های ثابت در آسمان علم و تحقیق اجتماعی به پایان رسیده همانکونه که زمانی کپلر و یاسکال کارخدا را فاش ساختند و اعلام کردند، "دوره خدا به پایان رسید" "امروز" بحران کی (Crisis Total) ثوابت ایدئولوژیکی را آشکار می کنند بقول "هایدکسر" دروان، دروان تحول سیستم است و یا بلفته "بویر" حقیقت را ری مفهومی است که رائعاً در حال تغییر میباشد. مفاهیم تکامل، روز روایط عمیق همه تفکرات جدید را به فراموشی می سپارد. تحولات جامعه بشری بیانکر اینست که صورت معقول (Notion) سیستم کامل و جامع دیگر را استانی بیش نیست. جامعه را باید بدست و اراده احاد آن سپرد تا در کنکشن های دموکراتیک بتواند برای خود راه یابی کند. طرفداران "خودکردانی" اعتقاد را زند که دموکراسی به معنای وسیع آن میتواند مقادار زیادی از این مشدلترا چاره کند. در قرن هیجدهم امید ها و آرزو های انقلابی مردم خود را در مفهوم

خودگردانی فقط به موسسات محدود نمی شود. وظیفه آن به تنها این است که در ساری ارتباط بین ساختارهای قدرت اقتصادی و ساختارهای قدرت سیاسی نیست بلکه در این دو مفهوم دیگری میباشد و آن مورد سوال قرار دارد مفهوم دموکراسی بورژوازی و دموکراسی خلقی مختلف جوامع دلتاری در آن واحد است. بدین معنا که خودگردانی نه اتساع ساده دموکراسی بورژوازی در همه پنهانهای جامعه و نه اصلاح ساده اصول تصریک کننده دموکراسی خلقی، هیچیک نیست. بلکه آن عبارت از دو فکر سیاسی نوین است مانند آنچه که از سوسیالیسم و از دموکراسی در زمانهای خود مستفاد میشود. خودگردانی در عین حال که سنتهاي مورد قبول سوسیال دموکراسی را دوباره تصاحب مینماید شیوه های جدید مفهوم دموکراسی را که حاصل تعمق و عمل میباشد و بر اساس توقعات تکنولوژیک، فرهنگی و سیاسی روز بروز آمده "رقیقاً" بنگار می کند.

۲. خودگردانی در بیوگسلای

علی رغم تجربه لهستان و سندیکاهای خود گردان آن که در این نوشته به آن خواهیم پرداخت وقتی صحبت از خودگردانی میشود بلا فاصله شهروندان بیوگسلای و مارشال تیتو رهبر ملی آنان که برای به ثمر رسانیدن این فکر مردمی فعالیت زیادی کرد در ازهان مجسم میگردند. بیوگسلوها بودند که خودگردانی و پندران شورا تراوی کارکری را از حرف و تئوری بعمل در آوردند. اما با مشکلات عظیمی نیز روبرو شدند و در تحقق چنین اندیشهای تخلخالی ها کشیدند و امروز نمی توان گفت این مردم در عطی ساختن آن فکر به تمام و کمال موفق اند، کما اینکه هیچ تئوری نمی تواند در عمل بطور کامل موفق باشد. برای اینکه خود گردانی را بیشتر بشناسیم و برای اینکه از مطالعه سندیکاهای خود گردان مردم لهستان بهره بیشتری بدست آوریم بالاجمال درباره خود گردانی بیوگسلوها بحثی را باز می کنیم. تا بلکه فردا بتوانیم از این تجربیات برای استقرار آزادی و دموکراسی و سوسیالیسم انسان و سلطانه

دموکراسی بیان میکرد، حال آنکه در قرن نوزدهم در مفهوم سوسیالیسم تبیین می یابد. امروز جنبش‌های چپ، مترقبی و انقلابی جهان متفق القولند که دموکراسی واقعی از طریق خود گردانی میتواند خود را اعمال کند و خود گردانی میتواند ضامن یک دموکراسی وسیع در جوامع باشد. به عبارت دیگر خود گردانی میتواند نقشی را ایفا کند که دموکراسی و سوسیالیسم در در قرن گذشته مدعی آن بودند.

در قرن هیجدهم موضوع دموکراسی بعنوان وسیله‌ای برای برآورده ساختن قسم‌هایی از تقاضاهای بورژوازی در برابر نجبا مورد استفاده قرار میگرفت بورژوازی بعد از برآورده ساختن این تقاضاهای اقتصادی موفق به کسب قدرت سیاسی جامعه گردید و بدنبال آن با برقراری سیستم رای کمی (عمومی) دموکراسی قبل از هر چیز در اختیار مالکین قرار گرفت و بعد از آن پندران سوسیالیسم همانند خواست و سعی دادن به این دموکراسی با اتنکا به رای کمی عمومی خود را تحمل کرد و همواره روند جدائی مابین شهروندان معمولی و تولید کنندگان را "عملاء" با تکیه بر اقتصاد و نه سیاست انجام نمود. در پیک چنین جنبشی، کشورش دموکراسی عنوان خود گردانی بخود گرفت.

قبل از این تحول در اوائل قرن "مارکسانگینه" اظهار داشته بود تا زمانیکه در موسسات منوارش برقرار است نمی توان در جامعه رژیم جمهوری بر قرار کرد. بهر حال تحت یک چنین تجربه اقتصادی - سیاسی بود که در کشورهای انگلیسی زبان اصطلاح "دموکراسی صنعتی" بر سر زبانه افتاد و به بیانی کشورش شیوه های مختلف دموکراسی سیاسی که در داخل جامعه "وجود داشت" تا داخل موسسات رفت. چندی خود گردانی مفهوم خود را فقط در داخل موسسات مییافت اما کی نکشد که معلم و مدل که خود گردانی فقط به "دموکراسی صنعتی" ختم نمی کردد! اینباراین

برد و نظمی را که برنامه های اجتماعی تکمیل میکرد بر سر کار آورد، یعنی زیر ساخت جهت گیری ها به قدرتهای ملی (فدرالها) واگذار شد. (۱) امروز در اثر آن ، موسسات هر منطقه خود برنامه های اقتصادی خود را بر اساس نیازهای واقعی جامعه و منطقه تنظیم می کند یعنی تقاضا و تولید با هم یک رابطه منطقی پیدا می نمایند . این اقدامات از ابتداء به مذاق شورویها خوش نی آمد . رهبران اصلاحات انقلابی یوگسلاوی در سال ۱۹۵۲ خود گردانی را در داخل موسسات اجتماعی از قبیل مدارس ، بیمارستانها ، اماكن عمومي و ... نیز به اجراء در می آورند .

در روند چنین تحول سیاسی ، اجتماعی است که در سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۵۳ جدائی قابل توجهی بین یوگسلاوی و دیگر ممالک اقمار شرق در همه شئون زندگی بوجود می آید . نهادهای جدید در جامعه یوگسلاوی یک نظام مبنی بر عدم تعریز قدرت دولتی را صحة دارد .
کنترل و خود گردانی کارکری در مناطق به مخالفت شدید با سانترالیسم بوروکراتیک یا به عبارت دیگر با رهبران اداری که تا آنروز قدرتهای خود را بر کارخان اعمال میکردند برخاست .

با اینکار یوگسلاوی راهی را که کمیته های مردمی آزاد بیخش در روزهای جنگ می پیمودند دنبال کرد . کمون های یوگسلاوی شیوه های عمل خود را از کمون پاریس و با توجه به مارکسیست بکار گرفتند و مخالفت خود را با ارتیاعی که می خواست قدرت اجرایی هرجه متعارک تر را در دست داشته باشد ابراز داشتند .

بالاخره قانون اساسی ۱۳ (اونیه ۱۹۵۳) تلاش های مربوط به عدم تعریز را جامه عمل پوشانید و نهادهای جدید را بر سه اساس زیرین بنیاد نهاد .

- ۱ - مالکیت اجتماعی (با دولتی اشتباہ نشود) بر وسائل تولید .
- ۲ - خود گردانی تولید کنندگان در اقتصاد .

کم بگوییم و با آگاهی بیشتر به کار و کوشش و باز سازی جامعه خود بپرسید .

در سال ۱۹۴۵ بعد از آزادی یوگسلاوی ، رهبران آن یک نظام کاپیتالیسم دولتی را به تبعیت از اتحاد جماهیر شوروی بوجود آوردند . ابتداء معدن ملی شدند و سال بعد ، موسسات صنعتی ، بیمه ها ، بانکها ، تجارت . در سال ۱۹۴۸ حتی تجارت های کوچک نیز دولتی شدند و همان سال زمینهای بالاتر از ۲۵ هکتار طی اعلام گردیدند فقط در روپرداشت محصول کشاورزان حق نداشتند بیش از ۴ یا ۵ مزد بگیرد را شتله باشند . (۱)

مدیران موسسات با انتصاب مستقیم دولت بکار می پرداختند و اغلب فعالیت سیاسی آنها مهمتر بود تا صلاحیت فنی و اداری .

در واقع حزب مدیریت کارخانه ها را بعهده داشت . مدیریت اقتصادی و مدیریت سیاسی جامعه از خراب کاریهای او به تنگ آمده بودند .

در سال ۱۹۴۸ نارضایتی عمومی افزایش پیدا کرد ، خبط های سازمان های دیوانسalar در امور اقتصادی ، عدم کمک اتحاد جماهیر شوروی قطعه ارتباطات با مسکو عوامل تعیین کننده ای برای دست زدن به یک سلسله تغییرات افراطی (اما در جهت منافع مردم) بودند که اختیارات را از حزب گفت و به نهادهای خود گردان کارکری سپرد (۱۹۴۸ - ۱۹۵۰) (۲)

در سال ۱۹۵۱ یک قانون برنامه ریزی متمرکز را در امر اقتصادی از بین

1 - Albert Meister, où va l'autogestion Yougoslave. éditions Anthropos Paris 1970 P.35

۳— خود مختاری یا خود گردانی (Self gouvernement) (به همراه دو واژه به زبان فارسی برگردانیده شده) کارکنان در کمون ها ، در شهرها ، در منطقه ها و رزیر ساخت سازمان اجتماعی و سیاسی کشور . (۱)

ما در اینجا در نظر نداریم آنچه را که بیوگسلاوی بعنوان خود گردانی تجربه کرده است به نظر خوانندگان عزیز برسایم ولی شناخت کلیاتی در زمینه کشوری که برای اولین بار در گذار از کمونیسم این تجربه با ارزش را کسب کرده مهم بود . (۲)

بخش دوم

۱- حرکت‌های انقلابی کارگران و روشنفکران لهستان

۱- همان مأخذ

۲- علاقمندان میتوانند خود با توجه به منابع موجود ، با جزئیات خود گردانی در جهان آشنائی پیدا کنند . که یکی از مهمترین آنها همین نوشته آبرت ماتیز جامعه شناس مارکسیست فرانسوی است که عمر خود را وقف تحقیق درباره خود گردانی نموده است .

مطالعه سری مجلات خود گردانی (Autogestion) که تجربیات مالک جهان را در این زمینه مورد بررسی قرار میدهد میتوانند از منابع دیگر بشمار آید .

مقالات و نوشته های جامعه شناس مشهور مارکسیست پیر روزان والون و درباره خود گردانی ، کتب و تحقیقات و تحریرات آلن تونن و دهها نوشته و تحقیق به زبانهای زنده دنیا ما را با این جنبش فکری اجتماعی ارزشمند آشنا می کند . جنبشی که اهمیت آنرا در صفحات بعدی همین نوشته شرح خواهیم داد .

۱- حرکتهای انقلابی کارگران و روشنفکران

در تاریخ جدال میان کارگران و دیوانسالاران حزبی که تاکنون همینست آغاز شده بخون و جنگ و جدال بوده است در ۳۱ اوت ۱۹۸۰ فصل نازهای گشوده شد، برای اولین بار بود که نه فقط در لهستان بلکه در مجموعه "افمار شوروی" انتصاراتی صراحتاً سیاسی بجای آنکه بضرب اسلحه سرکوب شود پس از عقد موافقنامه کامل رسمی بیان رسید. طرفین امضا کننده موافقت نامه عبارت بودند از نماینده‌گان انتسابگران از یک سو و نماینده‌گان "مالک اشتراکی" (Proprietaire collectif) صنایع لهستان که در وجود دفتر سیاسی حزب کارگری متحده لهستان تجسم می‌یابد از سوی دیگر حزبی که دولت تنها مرجع اجرائی آن برای اداره امور روز مه کشور و حفظ نظم بشرمار می‌ورد.

از آنجا که تشریفات امضا این موافقنامه‌های مهم در گذانسک و شچین (Gdansk - Sgezecin) از تلویزیون پخش شد صردم سراسر لهستان و بسیاری دیگر از مردم جهان توانستند این واقعه تاریخی باور نکردند را که در تاریخ لهستان و جنبش بین المللی کارگران ثبت گردید به چشم خود ببینند. با اینکه متن توافقنامه بدنبال پخش از رادیو و مطبوعات در خاطره‌ها باقی است ما برای یادآوری خوانندگان نکاتی چند از آن را در زیر ذکر می‌کیم.

- برسمیت شناختن حق تشکیل سندیکاهای مستقل و خودکاران و حق افتصاب (که هر دو باید در آینده نزدیکی همراه با ماده قانونی که در آن حدود و تغییر سانسور تعیین خواهد شد در قانون اساسی ثبت گردد).
- برسمیت شناختن حقوق مذاهب در استفاده از رسانه‌های کروهی که از سال ۱۹۸۱ مردم بکلی از آن محروم شده‌اند.

- استبداد افرادیکه به دلیل شرکت در اعتراضات ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ بیکار شده‌اند.

- آزادی زندانیان سیاسی.

- اجازه ادامه تحصیل و ثبت نام داشجوبیانیکه بدلیل دارا بودن عقاید سیاسی از دانشگاه اخراج شده بودند.

- از سوی دیگر کیته‌های اعتضاب که به کمیته‌های بنیانگذار سندیکاهای جدید تبدیل شده‌ند تعبیر کردند اتحاد بین المللی جمهوری خلق لهستان و قانون اساسی را ضمن ارائه یک تفسیر محدود کننده از یکی از موارد کلیدی آن محترم شمارند. ماده مزبور (ماده ۳ از بند ۱) است که حزب کارگری متحده لهستان را بعنوان "نیروی سیاسی رهبری گشته جامعه به سوی ساخته‌ان سوسیالیسم" معرفی می‌کند.

حال آنکه ماده ۲ توافقنامه "گذانسک" برای حزب فقط یک "نقش رهبری گشته در دولت" قائل می‌شود. معنای این دیگرگونی بخوبی از طرف بنیانگذاران سندیکای مستقل "مزاوی (MAZOVIE)" تفسیر شده است. آنها می‌کویند "ما سندیکای مستقل هستیم زیرا ما بخطابه شهر و ندان جمهوری تولد های لهستان، طبق موافقنامه گذانسک نقش رهبری گشته حزب را در دولت به رسمیت شناخته‌ایم و نه در سندیکا".

توافقنامه گذانسک از نظر کارگران یک هستم و تفسیر اجباری بر قانون اساسی بود که برایش کمی حقانیت کسب کرد، حقانیتی که بشدت بدان محتاج بود. اما همین توافقنامه‌ها غیر از دامن زدن به تضاد موجود مابین ماده‌ای که نقش رهبری حزب را تائید می‌کرد و ماده‌ای که آزادی‌پنهانی سیاسی از قبل آزادی بیان، اجتماعات و تظاهرات و... را برای شهر و ندان تعین می‌نمود به دست نیاورد. علاوه‌ نقش رهبری گشته حزب اتحاد کارگری لهستان برای پکبار به دولت محدود شد و قانوناً یک زندگی تعاونی و سندیکائی مستقل امکان پذیر نگردید.

هنوز برای ترجمان این امکان در نهادهای کشور، برای صیانت از استقلالش، برای اعمالش به دستگاه حزب متحده کارگری لهستان و محترم

شمردن قول را داده شده مبارزات زیادی لازم است . جنبش سند یکائی باید قادر باشد حیله ها و راهها را که بر سر راهش تعییه می کنند خنثی سازد ، در برابر تحریکات از خود رفاقت نماید ، هر انتیازی را با مبارزه مال خود سازد و موسسات را یکی پس از پیگری تسخیر کند .

از ماه قبل از موافقنامه گذانیک به خوبی نمایان بود که قدرتمندان دولتی از هر وسیله تاخته بودند از و تهدید آزمیزی استفاده خواهند کرد و در رشای ارتقاء یا تصاحب به عنف سعی خواهند نمود و خواهند گفت : ضایعات اخیر مولود اوضاع و احوال جدید است (بوجود آمدن سند یکاهای آزاد و مستقل) و با اعمال روزنامه نگاران غربی خوش خدمت یا مهربان و خوش باور بوجود آمده است . مقامات دولتی روی عوامل خسته شدن ، ناچار گردیدند و عدم آکاهی مردم حساب نمیکنند . بنابراین در حقیقت هیچ چیزی بطور همیشگی نمی تواند دستاورد باشد و هرگز اینچنین نخواهد بود . در آنجا آخرین مبارزه وجود ندارد . چنانکه هرگز در طول تاریخ مبارزه بین کارگر و کارفرما به آخر نرسیده است و امروز هم علاقمندان به جنبشی کارگری نمونه دیگری از آن را به رای العین می بینند .

الف - ربع قرن مبارزه

لهستان از پیک سوی در اثر تحمل ضربات سنگین حاصل از جنگ جهانی واستقرار قدرت جدید تحت قیوموت شوروها و رژیم استالینستی و عواقب حاصل از فعالیت اعضاً غیر کمونیست مقاومت علیه آلمان نازی (۱۹۴۴) وار سوی دیگر بعلت خسارات اجتماعی واردہ از امواجی که در سال ۱۹۴۹ سعی در اشتراکی کردن همه وسائل تولید تحت نظر نظام باسط للاح " دیسیلین سوسیالیستی کار " راست و علاوه بر این هم ، مقاومتهای تعصب گرایانه مذهبی که مولود وضعیت خاص کلیسا کاتولیک بود باعث شد که مردم در جنبشی اجتماعی موقوفیت های چندانی به کف نباورند زیرا در آن روزها کوچکترین حرکتی سرکوب میشد بطوریکه جانفناهی های جسته و گریخته

کارگران و روشنگران در هیچ جا انعکاس نمی یافت .
بالاخره از سال ۱۹۵۵ لهستان آغاز به خروج از آن شرایط سخت را نمود و امروز هر کارگر لهستانی به سادگی میداند ۲۵ سال در شرایطی که خوشید حقیقت مبارزات کارگری زیر ابرهای نیمه دیکتاتوری پنهان بوده بسیار آزادی و سوسیالیسم واقعی مبارزه میکند .

شورش کارگران پوزنان (POZNAN) در سال ۱۹۵۶ همه کشور را تکان داد ، بطوریکه چهار ماه بعد باعث تغییر رهبری حزب کارگری لهستان و دولت گردید . این واقعه چیزی به غیر از تظاهرات باشکوه مردم علیه نارضایتی عمومی ، نقصان فراورده های مصرفی ، کمی استمزد ، مقررات زجر آور اجتماعی و محیط کار نامساعد ، روابط نابرابر اجتماعی در داخل موسسات تولیدی ، البته تغییر پذیر و لی اکثر اوقات تحت شرایط بسیار بد ، نبود که این خود مولود وضعیت سیاسی جامعه بود .

در عرض ۵ سال قدرت تولید ۴/۶٪ افزایش یافته بود حال آنکه متوسط استمزد نسبت به سال ۱۹۵۴ ۱۹۵/۳٪ کاهش پیدا کرده بود . در این شورش ۱۰۰ کارگر کشته شد .

به همین علت در پائیز ۱۹۵۶ او در اوائل سال ۱۹۵۷ در منطقه ای که تعداد کارخانه های زیاد است کارگران ضمن دست زدن به اعتراض به پیروی از یک سنت قدیمی مدیران و استاد کاران خود را سوار بر چرخ دستی از کارخانه ها بیرون کردند . (۱)

ب - شوراهای دروغین و لفاظی کمونیستهای راست برای فریب کارگران چه

در عین حال عده ای از رهبران حزب بخصوص کومولکا در سالهای

۱- کریستف پومینا آلت ناتیو شماره ۷ انتشارات ماسپرو صفحه ۳

و مغازه‌های فروش کاستند ، ساعات کار را اضافه کردند بعلت عدم وجود وسائل ایمنی بر تعداد حوادث در محیط کار افزوده شد ، دستمزد کارگران در حداقن ممکن باقی ماند ، برای رادن ترفیعات از پست ترین شیوه‌ها استفاده شد . با نفوذی که دولت در شوراهای داشت نه اعتراضات تک تک روشنگران و نه شورش همگانی دانشجویان در مارس ۱۹۷۸ همچکام کوچک ترین تغییری در سویگری سیاست اقتصادی و اجتماعی جامعه که تحت کنترل شدید ، آمرانه و بدون احساس قدرت تولید قرار داشت در جهت منافع کارگران بعمل نیامد . کارگران بحرور و طی مبارزات خود دریافتند که پندار شورا گرایی که از سوی ایده‌تولوزی رسمی ارائه شده با خواست تشکیل سند یکاهای آزاد و مستقل و حق انتساب تباين دارد زیرا مانع عظیم دولتی بخوبی موفق شده است شوراهای کارگری را از محتوى تهی سازد . (۱) لذا جنبش خون آلود کارگران "کانسک" و "کدی نیا" و یک سلسله اعتضابات سرتاسری که از دسامبر ۱۹۷۰ تا مارس ۱۹۷۱ بطول انجامید باعث شد اولاً "ادوارد گیک" و "وستانش جایکزین گومولکا" و همکارانش گردند و زمام امور را بدست گیرند .

ثانیاً با بکارگیری سیاست لغو تصمیمات پیشنهاد و اینکه آنان باعث اصلی حوادث بودند انفجاری را که تهدید شان میکرد خنثی ساخته و بالاخره در خطوط اصلی منی اقتصادی - اجتماعی تغییراتی قائل شوند .

پ - شرح و قاییح انتساب ۱۹۷۰

در دسامبر ۱۹۷۰ نارضایتی در راهات شمال بالتیک بالا گرفت دولت که

۱- نگاه کنید به مقاله ز. مینک - چی پوتل اسناد فرانسه ، مسائل سیاسی و اجتماعی شماره ۱۷۰، ص ۳ و مقاله اندره وریلان همان مأخذ صفحه ۲۰

- ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۹ در داخل کشور از قدرت زیادی متعنت شدند . چیزیکه به سارگی امکان نداشت زیرا که ایده‌تولوزی رسمی یا به تعبیری لفاظی کوئیستی هنوز از یک نیروی اقتدار کننده‌ای برخورد ار بود .

در آن سالها تزشوراهای کارگری بعنوان یک تر مسکن و آرام کننده اعتبار خاصی داشت و میتوانست از تکرار آشوهای اجتماعی و اعتضابات کارگری آنطور که در نیمه اول سالهای پنجاه بوقوع پیوسته بود جلوگیری بعمل آورد . زیرا گفته میشد ، در داخل یک رژیم "سویالیستی" یعنی رژیمی که کارگران مالکین واقعی وسائل تولید اند ! به راه اند اختن انتساب و سازمان رادن به سند یکای آزاد معنی و مفهومی ندارد و شوراهای که مشکل از نمایندگان کارگران هستند - خود آنچه را در رابطه با منافع جامعه لازم بدانند بی‌چون و چرا و کم و کاست انجام میدهند . حال آنکه در واقع شوراهای مشکل از نمایندگان واقعی کارگران نبودند بلکه نمایندگان دولت و عوامل دست راستی حزب شوراهای را اشغال کرده بودند و تصمیمات گرفته شده توسط شوراهای چیزی غیر از حاصل تصمیمات اتخاذ شده در داخل حزب نبود باید گفت شوراهای در واقع عمله حزب محسوب میشدند . (۱) در آن زمان این اعتقاد ساده اندیشه‌انه و تبلیغ شده بوسیله ایده‌تولوزی رسمی باند از مای قوت یافته بود که از تشکیل سند یکاهای آزاد و مستقل در لهستان جلوگیری بعمل آورد و حق انتساب در هالهای از ابهام فرو رفت و نسبت به کسب حقوق فوق پاشاری نشد . زمانیکه دستگاه حزب متحد کارگری لهستان و رهبران دستی راستی آن موفق شد نس دشوارهای کارگری را قبل از تغییر دادن نامش و قبل از تبدیل آن به اتساف ضبط تصمیمات دیکتاتوری بد لخواه خود از محتوى تهی سازند هیچ صدائی از کسی بلند نشد .

در ظرف سالهای شصت کارگران آرام بودند و دستگاه دولتی رعبری بسلا منازع کارخانجات را بدست گرفته بود و از هر نوع اعمال قدرتی ابا نمی کرد تا حدیکه از وسعت رختکن و ناهارخوری کارگران برای افزایش سالنهای تولید و

۱- نگاه کنید به خود گردانی و سویالیسم شماره مخصوص لهستان

در نظر داشت سیاست واقع بینانه قیمتها را مستقر سازد ، شب قبل از یکسی از اعیاد رسمی لهستان قیمت فرآورده های غذایی را بالا برد . در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۱ رادیو و تلویزیون این خبر را اعلام کردند . درنتیجه در روز ۴

دسامبر جنبشیانی در کارخانجات سهیلیسکی (CECIELISKI) و زیپو (ZISPO) ورشو برای اعتراض صوت گرفت . در گذانسک کارگران یک میتینگ ترتیب دادند ، مطالبات خود را تنظیم نمودند و توسط نطاپنگ کان خود به کمیته منطقه ای حزب در مرکز گذانسک ارسال داشتند .

دولت بجای اینکه با هیات نمایندگی کارگران وارد مذاکره شود دستور توقیف آنها را صادر کرد . بلاfaciale کارگران بسوی مقر حزب بحرکت در آمدند تا نمایندگان زندانی شده خود را آزاد سازند . وقتی با مقاومت روپروردند ، مقر کمیته منطقه ای حزب را باشش کشیدند . پلیس مسلح وارد عمل شد . تظاهرکنندگان با مقاومت خود پلیس را مجبر به فرار ساختند و اسلحه و کامیونهای بلند گو را آنان را متصرف شدند و تمام بعد از ظهر از وسائل آنان برای بخش فراخوانهای خود استفاده کردند . شب هنگام ، پیغمبر اول کمیته منطقه ای طی یک نطق تسلی بخش قول داد که مطالبات آنان را درون مطالبه قرار دهد و از کارگران خواست تا بر سر کار خود باز گردند .

غروب روز ۵ دسامبر گروشی از کارگران گذانسک از قول شب قبل مقابله خوبی را باور گردید بیووند به سرچشمه بارگشته بازگشته و چند ساعت بعد صدها کشته و زخمی مطالع در پروردید و گناه نویه ها برپوی زمین افتاده بودند . و پس از شهروزی همانگاهی شروع شد و بیووند و شوشه هایی که ازمان ، گذینا و سینی ... میخواستند (SOPOT) (شهرکیانی - یاسپلی باتچیک) پس از آنها کارگران قصبه ای تخلیه حکومت صیکرد ، تانکها در همه جا به چشم می پیشیدند . در همین ادامه کارگران کارخانه کشتی سازی " خیین " طی یک میتینگ دعویتی خود را پیشنهاد نمودند که در آن اخواصی دستوری ، احتساب پلاکشم مطالباتی خود را اینجا در آن " گیوهنکا " و ... گذینه ... میخواهند . هیات نمایندگی بروان ، کارخانه مطالبه ... گذینه ... میخواهند ... خواهند ... خود آنها باشند .

او روپرورد . بلاfaciale کارگران در حالیکه سرود همبستگی جهانی را را می خوانند بسوی شهر " شچین " به راه افتادند مردم در طی راه به آنان پیوستند . تظاهرکنندگان پس از اینکه پلیس را خشن نمودند ساختمان حزب را متصرف شدند و آنرا به آتش گشیدند و یک گروه مراقب برای آن گاشتنده اعتراض نمودند ۲۱ دسامبر ۱۹۷۰ فردا روزیکه " گولکا " استعفا کرد بطول کشید . (۱) باید اضافه نمود که شبیه همین اعتراض در شهرهای کوزالین (KOSZALIN) و اسلوپسک (SLUPSK) کراکووی (KRAKOVIE) و ورشو (VARSOWIE) نیز انجام گرفت . در همه شهرها کارگران جزء اولین مطالبات خود ، خواستار تضمین استقلال سند پکاها نسبت به حزب و جدائی حزب و امور اداری از دولت بودند و اظهار میداشتند که مستمرهای بالا برای کارمندان عالیترین حزب و دولت باعث میکردند که مستمره کارگران ثابت بماند .

روز ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ دفتر خبرگزاری رسمی لهستان (PAP) اعلام داشت :

حادث آفرینان ولگردان که هیچ وجه اشتراکی با طبقه کارگرندارند از فسای آرام حاکم بر امور کارگران کارخانه کشتی سازی گذانسک بهره برداری کرده اند . اما از سوی دیگر روز ۷ زانویه ۱۹۷۱ ادوارد گیورک که معرف حضور میباشد گفت :

" روش است که این " عوامل اجتماعی " نمودند که باعث شورش های سواحل بالتبک شدند بلکه نارضایتی کارگران و تصمیمات غلط مقامات دولتی علل اساسی حوادث اخیر بشمار میروند . " (۲)

این اعتراضات خوبین اما نسبتاً موفقیت آمیز دو نتیجه بدنبال خود آورد

۱ - مجله آلت ناتیو شماره ۷ ، نوامبر و دسامبر ۱۹۸۰ صفحات ۳ و ۴
۲ - همان مأخذ - نگاه کنید به تابستان لهستان انتشارات . اف . د . ت دسامبر ۱۹۸۰ صفحه ۱۱۶۰

طبقه کارکر که بغير از بهبود شرائط کار و مطالبات مادی خواست دیگری
نداشت برخوردار نداشت و از آن به خود غره کردند. پس آنان برای مدنسی
امتیازاتی را به کارگران اهدای کردند و چند سال بعد، اوضاع دوباره همان
شد که بود. (۱)

۲- اعتضاب و تظاهرات ۱۹۷۶

در آوریل سال ۱۹۷۶، نامه‌ای توسط پروفسور "ای. لی بی نسکسی"
خطاب به گیور نوشته شد که در مجله نوول ابیزواتور پاریس (۱۹۷۶-۵-۱۰) منتشر شد. این نامه که با مشکلات اجتماعی و اقتصادی لهستان برخورد کرده بود اینچنین پایان می‌افت.

"در حال حاضر جامعه لهستان در شرائط مشکلی قرار دارد و مالاز مشکلات اقتصادی عظیمی برخورد ازیم که حاصل یک آتفتکی متاثر از رشد، بحران و الزام در پرداخت بدھی‌های کشورمان به دولت خارجی می‌باشد. از نظر اقتصاد اند می‌توان از یک سیستم کارآبرخوردار نیستیم و سیستم سیاسی جامعه ما از یک استبهان تاریخی نشان می‌گیرد و ..."

دست زدن به تغییرات اساسی ضرورت دارد در غیر اینصورت نمی‌توان از یک ترازی که شکل طغیان خواهد داشت و یا بازگشتن به روش‌های استالینی، ممانعت بعمل آورد. (۲)

وقایع بعدی پیش بینی اورا تائید نمودند. بطوریکه در ۲۵ زوئن همان سال تظاهرات کارگری عظیمی در شهرهای اورسوس (URSUS)، رادم (RADOM) و پلوك (PLOCK) بدنبال افزایش قیمتها که تصمیم

- ۱- نکاه کنید به همان ماخز
- ۲- مجله آلت ناتیو شماره ۷ نوامبر و دسامبر ۱۹۸۰ انتشارات ماسپرو صفحه

اول اینکه شخصیتهای سیاسی جایجا شدند اثر دوم تثبیت قیمتها بود.

ت- هنور مردم به ایدئولوژی رسمی اعتقاد داشتند

اگرچه گیور جوان و فعال، پدر پیر خانواره را که تا آن موقع در لهستان حکمرانی میکرد به بازنیستگی فرستاد و اگرچه گناهیش بسوی جهان خارج را جانشین سیاست انزواگرایانه قبلی ساخت و شعار پولدار بشود (البته با مصرف مرتاضانه و بکار بردن ابتكارات شخصی) را عنوان نمود. اما سیستم سیاسی و تهاری بدون تغییر ماند و قول اصلاحات محافظه کارانهای را که در هنگام بدست گرفتن قدرت دارد بود خیلی زود به بوته فراموشی سپرد. کارگران نیز نه برنامه سیاسی و نه نیروی کافی برای عطی ساختن آن برنامه داشتند. کارگران "شجین" (SZEZECIN) در خلال مذاکره با گیور از او خواستند تا اصلاحاتی در سند پیکاها و در مدیریت اقتصاد و در وسائل ارتباط جمعی انجام دهد اما آنچه که آنروز گفته شد چیزی به غیر از تقاضاهای فرموله (بشکل دستور صوری تدوین شده) یک گفتگو نبود و نمی‌توان آنرا بعنوان مطالبات ارائه شده در چارچوب یک مذاکره (بین کارگر و کارفرما) تلقی نمود. این روش نشان داد علی رغم آنچه که طی سالیان گذشته حادث شده است هنوز کارگران تا اندازه‌ای نسبت به دولت مستقر اطمینان خاطر دارند و اینه مؤلوزی رسمی هنوز معترض بودن خود را از دست ندارد است. همچنین گیور موفق شد با استفاده از تبلیفات روی اصلیت کارگری اش و اتخاذ مواضع علیه آنچه که گومولکا قبله "ابراز داشته بود اوضاع و احوال را به نفع خود برگرداند. مطالبات کارگران شجین هرگز در مطبوعات لهستان چاپ نشد و عدم چاپ آنهم عکس العمل کارگران را بدنبال نیاورد. بنابراین رهبران حزب متحد کارگری لهستان توانستند از اینکه در بین مطالبات فوق نتیجه وحیی ظاهر نشد فرض کنند که اینشیانی

آن بطور ناشیانه‌ای به رای گدارده شده بود انجام گرفت دولت از یکسو مجبور بدان امتیازاتی شد و از سوی دیگر به سرکوب پرداخت یعنی بلافضله مستگیری عده‌ای از کارگران شروع و هزاران کارگر از کار بیکار شدند و اجازه بازگشت به کارخانه را نیافتدند، فشار و اختناق بالا گرفت و مقامات دولتی - نظامی از هرگونه شکجه و آزار کارگران خود داری ننمودند.

الف - کمیته دفاع از کارگران

در تابستان ۱۹۷۷ ۱ بدنبال یک عفو عمومی آخرين افراد اعتصاب کننده که از سال ۱۹۷۶ در زندان بودند وعده‌ئی از اعضا و همکاران کمیته دفاع از کارگران که به گاه رفاغ و ارائه کمکهای مالی و حقوقی به قربانیان اعتصاب و خانواره آنان دستگیر شده بودند آزاد کردیدند. کوشش برای اتحاد در درجات مختلف بعده صد ها روشنفکر و راشجویی که با کارگران ارتباط را شتند گذارده شد. تا جاییکه دیگر "همبستگی" بینترانان شب ارزش و اعتبار پیدا کرد. از پائیز ۱۹۷۷ "کمیته دفاع از کارگران" به "کمیته اجتماعی دفاع از خود - کمیته دفاع از کارگران" بدل شد و دست به انتشار مجله روپوتنیک (کارگر) زد و با استفاده از شبکه‌های دولتی و اعتماد مردم توانست علی‌وجه کوشش پلیس در داخل موسسات و ما بین کارگران بطور کسری‌تر مایی پختن گردد و اثر بگذارد. همچنین کمیته‌های تأسیس سند یک‌ماهی آزاد و مستقل در کاتوویس (KATOWICE) (مارس ۱۹۷۸) و در ساحل بالتیک (BALTIQUE) (آوریل ۱۹۷۸) در اثر ارتباط با "کمیته اجتماعی دفاع از خود - کمیته دفاع از کارگران" بوجود آمدند. بالاخره اعتصاباتی که در اینجا و آنجا برپا شد و افشاگریهای که نسبت به شکجه کارگران مبارز و نزدیک آنان انجام گرفت بوسیله این کمیته سازماندهی گردید. کم کم در کناره "کمیته اجتماعی دفاع از خود - کمیته دفاع از کارگران" سازمان

بلافضله روشنفکران پشتیبانی خود را از قربانیان این مقاومت اعلام نمودند و در آخر ماه روئیه همان سال یک گروه برای اطلاع افکار عمومی جهان ارسال را شتند و در ماه سپتامبر یک گروه که در ابتدای کار بیش از ره نفر نبودند اقدام به تاسیس "کمیته دفاع از کارگران" نمودند که بعد از دهار اعضا کمیته مزبور افزایش یافت و معروفیت خاصی بدست آورد، از سوی دیگر نامه هشدار دهنده پروفسور لی بی نسکی در دوره اعتصابات آنچنان اشی از خود بجای گذاشت که بعد از سال ۱۹۷۸ که قیام راشجویی‌سان لهستان سرکوب شد سابقه نداشت. این نامه بدنبال تصمیم کمیته مرکزی حزب اتحاد کارگران لهستان مبنی بر تقدیم و قدردانی از "نقش رهبران" در اداره جامعه و وابستگی تزلزل ناپذیر به اتحاد جماهیر شوروی تهیه شده بود که بدنبال آن هزاران نامه اعتراض آمیز دیگر برای مقامات دولتی لهستان ارسال گردید. اولین نامه بوسیله ۹۰ نفر از روشنفکران با مضامنه رسیده بود که خواستار اصلاح قانون اساسی بودند. نظرات آنان مدتی بعد در توافقنامه گدانسک بچشم میخورد ما در اینجا قصتی از آن را نقل میکیم.

"این آزادی (آزادی کار) در جاییکه دولت کارفرمای مطلق میباشد و سند یک‌ها تابع حزبی هستند که عملاً قدرت دولت را تحت نظر خود دارند نمی‌توان مفهومی داشته باشد. همانطوریکه تجربیات ۱۹۵۱ و ۱۹۷۰ نشان داد، مجاهدات کارگران برای دفاع از مطالباتشان میتواند منجر به

های مستقل دیگر حضور پهد اکسندن . برخی از آنان خصوصیت سیاسی و برخی دیگر بیشتر فعالیت خود را معطوف به امور فرهنگی و آموزشی نمودند . مقامات حزبی با استفاده از قوای پلیسی سعی در خاموش ساختن این فعالیتها داشتند ولی موفقیتی بدست نیاورند . تا اینکه مردم با اعتراض کشته شده و یک پارچه خود چرخهای عظیم دولتی را از کار انداختند و در روند دوباره فراگیری آزاد به چیدن اولین میوه های آن پرداختند . در تمام طول اعتراضات پرشکوه مردم لهستان علیه اختناق و دیگرانهای روشنفرکان و داشنگاهیان اطلاعات ارزند مای در اختیار کارگران قرار ندارند . مردم لهستان در روزهای سخت اعتراض و مبارزه از یک انضباط خود بخودی و خود گردان که خاص اکثر اعتراضات و انقلابات مردمی است برخورد ایجاد نمودند . (۱)

اعتراض کدانسک که میتوان و باید از آن تحت عنوان یک اعتراض عمومی نامبرد در تاریخها ثبت شد . ابتداء در تاریخ جنبش کارگری و درسی بود برای این جنبش و بعد در تاریخ دیگر سازمانها ، در برابر اندیشه‌مندانی که خدا را باور ندارند (لائیک) و در برابر آنها یکی به زمین و خدا معتقد ند افق تازه‌ای را گشود ، هم به ساخت حزب متحد کارگری لهستان و رژیمی که نگهبان آنست و هم به روابط و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه لهستان شک تازه‌ای دارد ، باید ازان داشت اعتراض کدانسک از خصوصیت بسیار عده و با ارزشی برخورد ایجاد نموده که در روز ۲۱ اوت ۱۹۸۰ اتفاق افتاد فصل تازه‌ای در روابط بین کارگران و دیوان سالاران گشود و گام بزرگی به سوی سوسیالیسم همراه با دموکراسی و نه سوییال دموکراسی بود .

۱ - نگاه کنید به کریستف پومیان ، راه دراز کارگران و روشنفرکان لهستانی مجله آلمانی - شماره ۷ - مخصوص لهستان نوامبر و دسامبر

۱۹۸۰ انتشارات ماسپرو پاریس صفحه ۴

۲- مطالبات کارگران کدانسک در تابستان ۱۹۸۰

اوائل ماه زوئیه ۱۹۸۰ در مقابل افزایش قابل توجه قیمت مواد غذائی پنهانی کوشت ، کارگران مؤسسات مختلف کدانسک و سواحل بالتنیک تصمیم گرفتند چرخهای کارخانه ها را متوقف سازند . بدنبال این تصمیم دولت به یک اعتراض زیاد و با فعالیت زیاد آنرا تبدیل به یک اعتراض عمومی نمودند . برخلاف ادعاهای اتحاد جماهیر شوروی و دولت ضد کارگری لهستان این اعتراض هیچگونه ارتباطی به غرب و امیدیالیسم امریکا نداشت تاکنون نه اتحاد جماهیر شوروی و نه دولت لهستان هیچگدام نتوانستند مدرکی در این مورد ارائه دهند . اما تهمت همچنان ادامه راره ، این اعتراض از پشتیبانی همه طبقات و اقتدار جامعه بطور وسیع برخورد ایجاد نمود .

مردم لهستان با تمام نهادهای اجتماعی و سیاسی خود چون ک سور (K.O.R) راشنگاه متحرک ، مرکز تحقیقات و تجزیه و تحلیل امور سندیکائی (۱) با رهبران گرانشک و مبارز خود مانند "گ سورون"

۱ - "ک سور" (K.O.R) یا کمیته اجتماعی رفاقت از خود یکی دیگر از نهادهای موثر داشنگاه متحرک بود که اداره آنرا "مازوویسکی" مدیر مجله "ویز" (WIEZ) بعده راشت و او بود که در کدانسک یک مرکز تحقیقات و تجزیه و تحلیل امور سندیکائی را تأسیس کرد . اعلامیه ها ، انتشارات و موضع گیری های متهرانه این راشنگاه که بسیاری از افراد فعال آن از جمله "ک سورون" (KURON) (میشنیک) (MICHNIK) "مدزلووسکی" (MODZELAWSKI) را بعنوان انداحت در افزایش شناخت کارگران و ساعدت در انجام اقدامات سنجیده آنان قریباً مفید واقع شد . "ک سور" (K.O.R) در حقیقت نه یک حزب بود و نه یک سازمان اجتماعی حرفه ای بقیه باور قدر صفحه بعد

"میشنیک" (MICHNIK) مدزلووسکی (MODZELEWSKI) آنا (LECH WALESA) والینتینوویز (ANNA WALENTYNOWICZ) لش والزا () (۱) نشان دادند همچون نهنگ پر پل از تلاطم های دریای پر آشوب که شرق و غرب برای منافع خود بوجود می آوردند، نمی هراسند و بدون اینکه کوچکترین تردیدی در اصالحت مبارزات خود راه دهند با دوام و پایا حرکت می کنند تا به مطالبات خود دست یابند و آزاری وعدالت اجتماعی را پسک آرند.

مطلوباتی را که در ۱۸ اوت ۱۹۸۰ کمیته مرکزی اعتصاب گذاشت (مشکل از ۲ ناینده از هر کارخانه و جمعاً ۱۸۰ موسسه) بعنوان "نشور اعتصابیون گداشت" به دولت لهستان دادند در برگیرنده یک سلسله مطالبات اقتصادی بود و یک سلسله مطالبات سیاسی که در زیر نکشیده نگه آن به ترجمه از جزوی ای بنام تابستان لهستانی ها (L'ETE POLONAIS) از انتشارات آف. د. د. ت. (C.F.D.T.) اشعار یه منطقه ای کارگران پاریسی ارائه میگردند.

۱ - به رسمیت شناختن سند پیکاهای آزاد، مستقل از حزب و کارفرما یان بر اساس قرارداد شماره ۷۸ سازمان جهانی کار (I.O.T.O) که مورد تصویب دولت لهستان قرار گرفته است.

۲ - تضیین پذیرش حق اعتصاب برای کارگران و تضیین امنیت اعتصابیون و کسانیکه آنها را باری میکنند.

۳ - رعایت آزادیهای بیان، انتشارات و چاپ، تضیین شده بوسیله قانون اساسی، تعطیلی قلع و قمع علیه انتشارات مستقل و قراردادن وسائل ارتباط جمعی در دسترس نمایندگان همه کیساها.

باور ق از صفحه قبل بلگه یک زمین مساحتی بود که امکان دارد، از آنچه که در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰ اتفاق افتاده بود بعنوان تجربه پدرستی بهره گیری شود.

۱ - از میان افراد فوق "لش والزا" بیش از یک‌گزان شهرت پیدا کرده است.

۱ - الف : استقرار حقوق افراد اخراج شده از داشتگاهها بعد از اعتصاب ۱۹۷۶ و ۱۹۷۰ و داشجوبیان اخراج شده از موسسات آموزش عالی به سبب عقاید سیاسی آنها.

۲ - آزادی همه زندانیان سیاسی بخصوص ۱. زاد روزنیسکی (E.ZADSOZYNSKI) ۲. ام کوزلوسکی (J.M.KOZLOWSKI) و قطع اعمال تلافی جویانه به عنوان علت عقاید سیاسی.

۳ - انتشار اطلاعات مربوط به تشکیل کمیته اعتصاب موسسات از وسائل ارتباط جمعی و انتشار مطالبات آنان.

۴ - ارائه اقدامات واقعی به منظور خروج کشور از وضع بحرانی، بطور مثال: پخش عمومی همه اطلاعات درباره اوضاع اجتماعی - اقتصادی لهستان، و امکان شرکت در بحثها مربوط به برنامه های اصلاحی برای همه محافل و افشار اجتماعی.

۵ - پرداخت حقوق کارگران اعتصابی (در درجه اعتساب) همانند روزهای مرخصی.

۶ - افزایش دستمزد کارگران به میزان ۲۰۰۰ سلوتی در ماه بعنوان جبران افزایش قیمت گشت.

۷ - بکار گرفتن سیستم دستمزد متحرک (بالارونده).

۸ - بکار گرفتن یک سیستم توزیع آن وقه برای بازار داخلی مواد غذائی و محدود ساختن صادرات.

۹ - استفاده از کارت جیوه بندی گشت تا ماد امیکه در بازار گشت ثبات پیدا کند.

۱۰ - حذف قیمت های تجاری و حذف فروش کالا با ارز خارجی در بازار داخلی.

۱۱ - اعتساب مدیران فقط بر اساس لیاقت و کارانی و نه بر اساس وابستگی به حزب - حذف امتیازات پلیس امنیت و دستگاه حزب بر اساس تعدیل در روش کمکهای دولت به خانوارهای کم بضاعت و از میان برداشتن

- رویه فروشگاههای ویژه برای مامورین دولت .
- ۴- برقراری حق بازنشستگی بعد از ۵ سال کار ، در پنجاه (۵۰) سالگی برای زنان و پنجه و پنج (۵۵) سالگی برای مردان .
 - ۵- از بین برنامه اختلافات ما بین دو نظام مستعمری و بازنشستگی بـ استفاده از طبقه بندی مناسب تر .
 - ۶- بهبود شرایط کار در امور خدمات درمانی به منظور تامین خدماتیکه مورد نیاز کارگران میباشد .
 - ۷- ایجاد شیوه خوارگاهها و کودکستانها به تعداد کافی برای فرزانهان مادرانی که کار میکنند .
 - ۸- افزایش دوره مرخصی با حقوق برای مادران باردار به ۳ ماه .
 - ۹- محدود ساخت انتظار برای دریافت آپارتمانها .
 - ۱۰- افزایش هزینه اسباب کمی از ۴۰ به ۱۰۰ سلوتنی و افزایش حسینی اسباب کشی .
 - ۱۱- جبران کار در روزهای تعطیل (مثل روزهای شنبه) در کارخانه هایی که باید تمام مدت سال کار ادامه داشته باشد ، این جبران میتواند از طریق افزایش روزهای مرخصی سالیانه انجام گیرد . (۱)

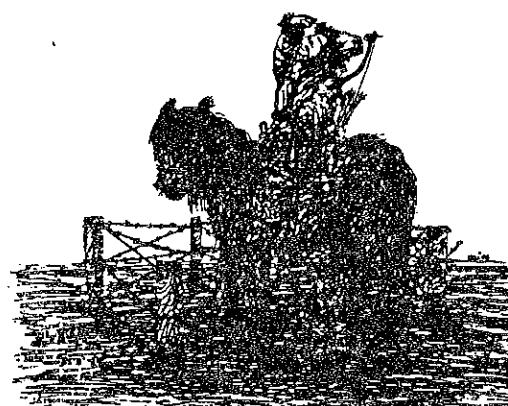
بخش سوم

تغییر رسمی دولت - حزب

۱- اصل این فهرست مطالبات از مجله لهستانی Politika بنیان فرانسه ترجمه شده است که ما ترجمه آنرا عیناً در اینجا آوردهیم .

۱- اعوجاج‌های تاکتیکی

فاصله سندپاکهای رسمی دوباره سازماندهی شوند. بطوریکه سندپاکهای همبستگی در مقابل آنان مبدل به گروه کوچک بین اهمیتی گردیده و حزب نقش رهبری کننده، خود را همچنان حفظ کرد. شورویها امروز اشتباه خود را قبول کردند زیرا می‌بینند سندپاکای همبستگی در مسیر تحول خود پل سازمان توده‌ای عظیمی شده است و در مقابل آن، سندپاکهای رسمی که باید نقش تسلیم انتقال را بعهده داشته و ناچاراً باید تحت کنترل "حزب طبقه کارگر" باشد عمل" به غیر از سندپاکهای مسخره چیزی نیگری نیستند. با این‌جهه در بسیاری از موارد آنقدر هم غیر قابل ترمیم نبود، جبهه‌گیری سندپاکهای مستقل و آزاد تاموقعیکه قدرت متجسم در حزب متحده کارگری لهستان که بازار قدرت را از طریق نهادهای اداری در اختیار دارد و همچنان میل طبیعی خود را در نقش رهبری جامعه از دست نداده کاری از پیش نخواهد برد.



در حقیقت باید گفت شورویها نسبت به جنبش اجتماعی که در لهستان روی داد غافلگیر نشدند و از آنجه که در حال وقوع بود کم و بیش اطلاع داشتند. زیرا وقتیکه هشتادین کنگره حزب کمونیست لهستان در ماه فوریه ۱۹۸۰ تشکیل یافت "سویل" (SOUSILOV) نماینده حزب کمونیست شوروی در این کنگره به مشکلات اقتصادی لهستان اشاره کرد. علاوه بر این، در ملاقاتی که همه ساله بین رهبر لهستان "ادوارد کیمرک" و برزنفر در "کریمه" (CRIMEE) انجام می‌گرفت و اینبار نیز در تابستان ۱۹۸۰ انجام یافت این مشکلات مورد بحث و تبادل نظر واقع شده بود.

عده‌ای از مفسرین اوضاع لهستان معتقدند شورویها در ابتداء با رعایت یک نوع کنترل بر اوضاع، از آنجه که در حال وقوع بود آگاه معتقد بودند، در مقابل این لهستانی‌هاشی که می‌خواهند در ماروا استطاعت و امکانات خود زندگی کنند، خود را تا گذودر قرض بانکهای غربی فروبرده‌اند و از پاب رهبر کاتولیکهای جهان پنجه‌ای گرم بعمل می‌آورند تا توان بی تفاوت بود! اما دیگر دیر شده بود و غده سلطانی آنقدر رشد کرده بود که از دست پزشکان مسکو کاری ساخته نبود. بالاخره دیوانسالاران کرملین در مقابل آن موج عظیم و گسترده اعتراضات و اعتصابات به اصول توافقنامه گانسلک (GDANSK) تن در دارند و نه در محتوى اما بشکل صوری آنرا پنهان نمی‌فرمایند. در اینجا دیگر باید مسکو از سوابی این بیماری مسری و خطروناک جلوگیری بعمل بیآورد و اوضاع آرام بگیرد تا در آینده لحظه مناسب فرا برسد و آنجه که اعطای شده پس گرفته شود. اگرچه وجود سندپاکهای آزار و مستقل از دولت و حزب نه از نظر مارکسیستها بلکه از نقطه نظر گروهی گساه کبیره است اما وجود لهستان در اقمار کشورهای شوروی نیز اهمیت بسیاری دارد، مشروطه بر اینکه این مصالحه مدت زیادی بطول نیانجامد و در این

۲. محافظه کاری و فشار

وقتی سولف (SOUSLOV) در رایان آوریل از مقامات و رشیو ملاقات بحمل آور . گرطین بر اساس گزارش او به این نتیجه رسید که لهستانی‌ها در حال حل مسائل و مشکلات خود هستند تا بر بحران فاتح آیند . البته نصایح ، اخطارها و فشارها تهدید آمیز در عین حال امیدوار کننده نباشد کاهش یافته و پای از بین برود .

در فوریه ۱۹۸۱ شوروها با گاردن یک نظامی در راس دولت در واقع شخوص را در راس امور قرار دادند که دستورات آنان را اجرا و ارتقیان را موظف نماید تا نسبت به برادر بزرگتر خود یعنی ارتش شوروی وفادار بماند . ارتقی که هنوز امتحان خود را نداده است .

شوریها تعهدات میزبانی را برای استقرار مجدد اوضاع عادی ، تعقیب عوامل " ضد انقلاب " و " آنارشیستها " و صیانت از روابط با شوروی و جوامع سوسیالیستی به لهستان را داشتند ، تعهدی که در حال حاضر برخی از بازیهای سیاسی را برای آنان مجاز و میسر میسازد . مذکوک آنان هرگز مستقیماً با انجام اصلاحات و قبول فعالیت سندیکاهای همبستگی مخالفت نکردند که هیچ بلکه این ادعای را دارند که بهترین راه حل برای سروسامان را دارن به بحران موجود مذاکره میانند ، منتها با این قید که مقامات دولتی لهستان همواره جرات و ظرفیت این را دارا میباشند که بر " نیروهای معقول و سالم مردم " تکیه گندند .

همینکه زنگهای خطریکی پس از دیگری طین میاندازد و حشت مسکو افزایش پیدا میکند : حادثه " بید گوش " (BYDGOSZCZ) تهدید به اعتراض عمومی ، به حرکت در آمدن رهقانان ، جمهوری گوری در داخل " حزب متحد گارگری لهستان و ... اینها از نقطه نظر شوروها یک خطر جدی

است که لهستان را به لبه پوتگاه کشانیده و علت اصلی این اوضاع سیاست انعطاف پذیری مسکو میباشد که عاقبت امر لهستان را به جایی منتهی میکند که برادر بزرگ مجبور شود برای استقرار وضع آرام دست بپیک عمل در امامتیک بزند و درسی را که فتووال بزرگ بر زمینه اران زیر دست خود در در دره

فتووالیسم ، رئیس قبیله بزرگ بی یکی از قبایل کوچکان زیر نظر خود در جوامع قبیله‌ای میدارد ، در این روزگار تکرار گرد . " اینچنین است که بروزگار پراک چهره خود را در هم می‌کند و موضع تعیین کننده خود را ظاهن میکند و میگوید : کمونیستهای لهستان می‌خواهند و باید لازم بدانند که بخواهند به میزان سوسیالیسم " جواب را بدند : " اما بدنبال همه این تهدیدات که جوامع غرب بخصوص امپریالیسم امریکا را به ترس و هراس می‌انداز ، ناگهان روسیه شوروی چهره میانه روانه وعده‌ال منش خود را پیروزمندانه نشان میدهد ، سولف (SOUSLOV) ارتش کس در حاشیه کنگره " S.E.D . " در برلین شرقی نسبت به بوسیعیت شناختن سندیکای همبستگی رهقانان چراغ سبز نشان میدهد و بلا فاصله رئیس حزب و دولت شوروی برای انجام یک سلسه اصلاحات به " کانیا " چک سفید میدهد و مردم لهستان از اینکه بالاخره میتوانند و " تابوی " (TABOUS) اصلی جوامع کمونیستی را یعنی نقش رهبری کننده حزب کمونیستی و فدار ار ماندن نسبت به هم پیمانهای لهستان را به بازی و شوخی بگیرند خشنود میشوند .

در تمام حدت بحران ، شوروها با مآل اندیشی‌های خود بیویه از نظر نظامی سعی در خاموش ساختن مبارزات بحق مردم لهستان داشتند . اما همه تبلیغات آنان را از برداخته دل غرب در امور داخلی لهستان ، رابطه سندیکاهای مستقل با محاذل خد کمونیستی غرب ، سیاست انتقام‌جویی آنانها (REVAECHARDS) استفاده از استراتژی (OTAN) وغیره بی اثر ماند و نتوانستند نقشه‌ای را که در سایه تبلیغات در سپتمبر گذشته برای دخالت نظامی در لهستان تدارک دیده بودند علی سازند .

۳- تحریکی بی لیاقت‌ها

در حقیقت بدنبال ملاقات سوسلف (SOUSLOV) از درش و حزب کمونیست شوروی نامه معروف خود را به حزب کمونیست لهستان ارسال داشت. چند روز پس از ارسال این نامه روزنامه‌های شوروی برای اولین بار اسلام داشتند در داخل حزب کمونیست لهستان عوامل رویزنیست وجود دارد. بعد از این خبر وق بروگشت تا آن‌زمان بیر هکس و قائم سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ که در چکوسلواکی حادث شده بود، اسکو میتوانست این ارعای را بین بور که حزب در مجموع هنوز مستانفسوره باقی‌مانده و دچار بعران شده است و در آینده خواهد توانست بر اوضاع جسلط گردد و با احترافی که پیدید آمده مقابله کند. اما از زمانیکه وہبی حزب کمونیست لهستان برای انتخاب مسئولین به روش انتخابات دموکراتیک تن میدهد، رئیس کمیته مرکزی روی افکار و عقاید اعضاء حزب حساب میکند. از لحظه‌ایکه معتبرین اعتراضات خود را سازمان داده و با نیروهای باصطلاح ضد سوسیالیستی "همستگی" هماهنگ میشوند و بالاخره مادر امیکه خط‌تحول و تغییر کلی در کشور نهم احساس میکرد کویی کرم در میوه می‌افتد و هر روز آنرا از مرکز میخورد.

یعنی کرطین دیگر نمی‌تواند به کمونیست‌های لهستان برای مخالفت ورزیدن با نیروهای "ضد انقلابی" و "آنارشیست‌ها" اطمینان کند بنا بر این باید تکیه گاهی در داخل یک فرآکسیون حنیف، در داخل مجمع کاتویس (FORUM DE KATOWICE) پادشاهی کمیته مرکزی پیدا کند تا اینکه بالاخره می‌تواند "کمونیست‌های با شرف را که" استحقاق جانشین شدن " بجای کسانی را که "بی لیاقت" و "مضيق النفس" آن دهند بجهوید.

اعلامیه‌ای که سه روز قبل از آخرین کشته حزب در درش و بدنبال اقامست گروهیک در لهستان انتشار یافت قرار دار ۲۱ آوریل ۱۹۴۵ را که "عمل" بـ مسکونیروهای پیمان درش و امکان میدهد که هر کاه روابط و رستبه بین دو کشور

به مخاطره افتاد از قوای نظامی استفاده کنند را تائید میکند. بار آور می‌شوم در نتیجه یک چنین اعلامیه‌های مشترکی بود شوریها به چکوسلواکی و افغانستان حمله کردند متن اعلامیه "رشوک اساساً" به روابط و سیاست خارجی دو کشوری پرداز چنین خاتمه می‌ناید:

"محاذل امپریالیستی و توسعه طلبها می‌دارند فعالیتهای خود را بـ توجه به زیر و تبلیغات خصمانه طبیه مالک سوسیالیست شدت بخشند، لهستان یک چنین اقدامی را طرد میکند و اعلام میدارد لهستان یک حلقه مستحکم برای مالک سوسیالیست بوده، هست و خواهد بود." (۱)

اما در عین حال میتوان چنین پیش بینی کرد که برای مسکو مصروف بـ نصره نیست از روشن که در گذشته در افغانستان و چکوسلواکی استفاده کرده است در لهستان نیز بهره کرده.



"بسیاری از مردم نمی دانند هر چیزی
امکان دارد" "مایه روت"

۱- انقلاب آرام

بخش چهارم

انقلاب آرام

استانیسلاو کانیا (STANISLAW KANIA) موضع خود را در نهین کنگره (فوق العاده) حزب متحد کارگری لهستان (POUP) که از ۱۴ تا ۲۰ زوئیه ۱۹۸۱ در روپوهر پا بود چنین اعلام داشت :
نه چپ و نه راست " حق " در خلال کنگره او بعنوان سهیم اول حزب کمونیست لهستان تائید شد و اعضاء دفتر سیاسی خود را طوری انتصاب نمود که جناح خاصی نتواند در آن اعمال نفوذ کند تا بلکه بتواند با دست باز حکومت کند .
مردم لهستان از نتیجه کنگره نهم رضایت نداشتند و می پند اشتبک که اغفال شده اند و از گوش و کثار این ضرب المثل در باره کنگره به گوش میورده که " این کوهی که ناش کنگره است بخیر از یک موش کوچولو چیزی نیزاید ".
اما کنگرمانی که رسماً تحت عنوان کنگره فوق العاده اعلام شده بود از خیلی جهات یک کنگره فوق العاده بود ، زیرا برای اولین بار در تاریخ باصطلاح " دموکراتیک خلقی " بالاترین مقام حزب جلسه رسمی خود را در شرایط کامل " دموکراتیک برگزار کرد ، سخنگویان به راحتی و بدون ملاحظه کاری حرفه ای خود را زدند ، افراد متعددی برای تماشیدنی در کنگره و برای انتخاب شدن در کمیته مرکزی و حتی برای سهیم اول شدن خود را معرفی کردند و در همه موارد از روش رأی گیری مخفی استفاده شد .
این روش جدید با انتخابات غاظگیر کنند ماش به کنگره یک روحیه انبساط آور و انگیزش پرور داده بود . اعضاء کنگره باین فکر بودند :
" اگر افراد را عوض کنیم سیاست عرض خواهد شد " و بدین ترتیب با توجه به شناخت خود از افراد آزار آن رأی میدادند . نتیجه انتخابات این که از

د ویست عضو کمیته مرکزی انتخاب شده در خلال این کنگره ۱۸ عضو جدید
جایگزین اعضاء قبلی شدند که ۲۰ نفر از آنان عضو دفتر سیاسی سابق حزب
بودند.

کارگری سرکوب شد اما این تجربه پیکار دیگر نیز نکوار شد : دنیا متعلق
به کسانی است که بیدارند و مبارزه می کنند .

۲. برنامه سیاسی برای اداره جامعه

یکی از موهبت های نظامی ام دموکراتیک وجود نهاد های دموکراتیک
در جامعه میباشد که سندیکا یکی از آنها و یکی از مهمترین و اصلی ترین این
نهاد هاست . اگرچه در تعریف باید گفت در یک سیستم دموکراتیک نهاد
اصلی و غیر اصلی دموکراتیک معنی و مفهومی ندارد هر نهاد دموکراتیک در
جای خود ارج و منزلت خاص خود را دارد و بقول یکی از جامعه شناسان
امریکای لاتین "قدر و قیمت دموکراسی موقعی نمایان میشود که آنرا از دست
میدهیم " و در حقیقت اگر کوچکترین حق دموکراتیک خلق در جامعه از دست
برود می تواند بزرگترین و غیر قابل جبران ترین لطمات را از نظر دموکراسی بر
آن وارد سازد . تا جایی که در مراحل بعدی آنرا از پای درآور . آری بسا
حفظ دموکراسی و حقوق دموکراتیک است که جامعه میتواند بسوی یک نظام
سوسیالیستی راستین گام بردارد . تاریخ جوامع باصطلاح سوسیالیستی
نشان داد هیچ چیز نمی تواند جای دموکراسی را در جوامع بشری بگیرد به
همین دلیل مردم لهستان با جانشانی بالاخره سندیکاهای آزار و مستقل
خود را بوجود آوردند و امروز از آن بعنوان یک وسیله برای تحقق حدالت
اجتماعی و سوسیالیسم استفاده می کنند . سندیکاهای همبستگی خلق لهستان
در روزهای قبل از اولین کنگره سوتاوسی خود یک برنامه سیاسی برای جامعه
لهستان تنظیم و ارائه نمود .

آرایش نیروهای ملی لهستان از پکسونیو های بین الطی از سوی دیگر
آنها بود که بالاخره اصلاحات سیاسی و اقتصادی ، چیزیکه مردم آرزوی
سندیکاهای همبستگی بود پذیرفته شد . حال اگر حزب متحد کارگری لهستان
(POU) برنامه های سندیکاهای مستقل را پذیرد در حقیقت باید گفت

دسته جدید تغییرات زیادی در نحوه کار حزب را دارد . نتایج این
اقدامات خود یک شکل دیگری از انقلاب است انقلاب آرام، انقلاب بدون
خونریزی و کشته راهای سنتی و غارت منازل ، بدون تهمت
و افتراق به مخالفین وبالآخره بدون زندان و شکجه و هزارها بلا و بد بختی
دیگر که در تاریخ بر سر اکثر انقلابیون راستین آهد و خود آنها اولین قربانی
آن شده اند چنانچه میگویند انقلاب قبل از هر چیز فرزند آن خود را میخورد .
امروز مردم لهستان اینطور شد زیوا مردم لهستان این درس بزرگ را که انقلابات
قابل کنترل نیستند فرا گرفته و اینکه انقلاب دستکاری میشود ، اینکه توده ناگاهه
آلی دست عوام فریمان قرار می کند ، خرمقنس ها بازیه این و آن میگردند
و مهتر اینکه رهبران انقلابات نیز قابل کنترل نیستند را بیار داشت و در
"خطاطره تاریخی " خود محافظت کرده بود که امروز آنرا بکار بسته است . و
بعای انقلاب خونین با انقلاب آرام و سنجیده خود با مذاکره و کشمکشهای
انقلابی و کوییدن پیکن احتساب بر فرق دیوانسالاران بعد از یک سال
استقامات و مبارزه به یک سلسه اصلاحات با ارزش انقلابی دست یافت بدون
اینکه کشتهای داره باشد یا از دماغ یک لهستانی خون جاری شده باشد .
از سوی دیگر حوادث اخیر لهستان با آنچه که در مجارستان ، لهستان
در سال ۱۹۵۶ ، در چکوسلواکی در سال ۱۹۶۸ روی داد قابل مقایسه
نمیست زیرا آنها هر کدام جهش هائی بودند که موفق نشدند ثبات یافته و
مقررات جدید سیاست اجتماعی در قرار سازند . حال آنکه از عصر
جنپیش سندیکاهی لهستان بیش از یک سال و نیم گذشت و این جنبش با ارائه
برنامه های سیاسی و اقتصادی و زندگی تجربه آمیز روز تر خود در میان
مردم ریشه دوایی دارد . کارگران ، روشنگران و رهقانان موهبت های آزادی و
دموکراسی را برای مدنی طولانی تر چشیده اند . ماهها کارخانه ها بوسیله
کارگران و کارکنان لهستانی اداره شد . اگرچه پیکار دیگر این جنبش عظیم

میگیرند و بیشتر از نابودی امتیازات و مشاغل خودشان نگرانند تا از منافع جمع. دستگاه دیوانسالاری همچنین با هراسلاخ و تغییر شایسته که موقعیت‌ها درآمدها و نفعهای اورا تضمیف میکرد مخالفت می‌فرماید و نظام سیاسی حاضر کفايت و نیروی کافی حتی برای مراقبت از خود را نیز از دست داده بود چه برسد به اداره جامعه و حل معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن - بدین ترتیب بود که انفجار بوقوع پیوست.

۳. خودگردانی واقعی کارگری

" دولت عدداً " در توزیع آزاد و قصو می‌فرماید تا بلکه در اثر سختی محبت مردم را از مبارزه مایوس سازد. قسمت عدده کالاهای مصرفی جبریه بندهای شده بود، صفاتی انتظار در مقابل مغازه‌های گاهی بین از ساعت از اوقات فراغت مردم را تلف می‌کرد و اغلب آنچه بعنوان کالا ارائه میشود کالای مورد نیاز مردم نبود.

بدین ترتیب روز بروز بحران اقتصادی ابعاد وسیع تری پیدا میکرد. کم کم مردم خود به چاره جوشی پرداختند. سندپاکاهای منطقه‌ای نسبت به اوضاع اقتصادی اعتراض و برای آینده جامعه ابراز نگرانی میکردند. بطور مثال " در طرح برنامه‌ای که بوسیله کمیسیونهای منطقه‌ای بین الموسماهی (M.K.Z.) تهیه شده بود یک نظام نظارت اجتماعی بر توزیع پیشنهاد شد. در این پیشنهاد تکلیف شده است در مواقعي که بحران حدت پیدا میکند باید از یک نظام اجتماعی کمک به یکدیگر تعیین نمود. " (۱) در کنگره نهم حزب کمونیست آزاد گذاردن قیمت جزئی فروشی از سوی گروهی طرح شد

۱ - به ترجمه از متن فرانسه " برنامه " نشریه جامعه همبستگی با " همبستگی "

که خواست دموکراتیک و انقلابی مردم مراحل ساخت خود را طی کرده است. یکی از برنامه‌ها، برنامه‌ای است که بوسیله یک گروه از خبرگان رهبری ملی سندپاکاهای همبستگی تحت عنوان : " جمهت‌گیرهای سندپاکا در شرائط کنونی کشور " (۱) ارائه شده است.

شیوه کنندگان این برنامه اظهار راشته‌اند که آن باید در کنگره‌های منطقه‌ای طرح و بعد از تغییرات لازم در کنگره ملی سندپاکاهای مستقل به رای گذارد شود. در این میان تعدادی از کمیسیونهای منطقه‌ای میان روزنیه اصل (M.K.Z.) تشکیل شده آن برنامه را مورد بررسی قرار داده و با صراحت اظهار راشته‌اند که اصول برنامه تنها باید به هدفهای منطقه‌ای محدود شود. طبق گفته آقای بوگدان لیس (BOGDAN LIS) معاون رهبر ملی سندپاکاهای مستقل این تفاوت ناشی از عملکرد دموکراتیک سندپاکاهای مستقل است. " هر کس باید بتواند حرفش را اظهار کند، زیرا او یک فکر دیگری را در اینجا عقاید زیادی وجود دارد و این طبیعتی است، ولتشین است که نامزدهای رهبری سندپاکا خودشان را با برنامه حداقل معرفی میکنند در کنگره ملی ما افراد زیادی را خواهیم داشت که از میان آنان کسی انتخاب خواهد شد که برای همه مورد قبول باشد. " (۲)

این برنامه با همه مشکلات مربوط به بحران لهستان برخورد میکند. در برنامه‌های ملی از " ضعف کی نهادهای دموکراتیک " گفتگو می‌نمایند. در فصل دوم : " از رژیم سیاسی کنونی تحت عنوان یک نظام بوروکراتیک پیش میشود که در آن طبقه خشک حکومتگر از اختیار طبقه حکومت شونده مطلق شد. خارج اند. اعضا، دستگاه قدرت تصمیمات‌شان را بر اساس منافع ویژه خود

- ۱ - مصاحبه بوگدان لیس در هفته نامه " لیتراتورا " (LITERATURA) ۱۹۸۱ شماره ۳ آوریل ۱۹۸۱

۲ - مصاحبه بوگدان لیس در هفته نامه " لیتراتورا " (LITERATURA) ۱۹۸۱

همکاری مشترک با آنان را طرد کرد. از زانویه ۱۹۸۱ بدنبال رهنمود "کمیسیون های منطقه‌ای بین‌الموسسهای" (M.K.Z) گذاند، سند پیکا های مستقل در انتخابات شوراهای کارکنان برای انتخاب نماینده مشترک خود شرکت کردند که بدنبال آن تعداد زیادی طرح اساسنامه به سند پیکا تقدیم شده که پیکی پیکی مورث رسیده‌گی قرار گرفته است. متعاقباً طرح تصویب شده سند پیکای همبستگی را ملاحظه خواهید نمود.

۴. طرح خودگردانی دولتی و طرح سندپیکای همه همبستگی

دولت نیز به نوبه خود طرحی تهیه کرده که تحت عنوان "سویکره‌ای بزرگ برای یک اصلاح اقتصادی" معروفیت یافت این طرح توسط یک کمیسیون مرکب از ... نفر خیره که نماینده همه بخش‌های صنعتی فعال کشور بودند آماده شد و در زانویه ۱۹۸۱ برای بحث عمومی انتشار یافت.

بر اساس این سند، برای تحقق هدفهای اصلی یک سلسله اصلاحات همراه با "آموزش روشها" و "افزاروارکی" (۱) اها میتواند اصول "خود گردانی دموکراتیک" را پوسیله کارکنان عملی سازد و یک طرح اجتماعی- اقتصادی مبتنی بر اصول سوسیالیست قادر است یکسانی شرایط زندگی برای همه مردم و توزیع منصفانه کیفیت و کیفیت کار را ضمانت نماید.

در این سند استحکام نقش اساسی سازمانهای مرکزی برنامه‌ریزی و مدیریت مشترک، گسترش خود مختاری محلی و خود مختاری در اخراج کارخانه‌ها پیش بینی شده است.

بر اساس آن هر مؤسسه به "مرکز سازماندهی اقتصادی تبدیل میگردد و باید با توجه به میزان سود دهی کار کند و فقط خود اوست که مسئولیت فعالیتهاش را بعده میگیرد، همه مؤسسانه که سود دهی مناسب ندارند بای-

که مورد اعتراض سندپیکاهای مناطق قرار گرفتی بینیم در غالب موارد، سندپیکای همبستگی خودش را بعنوان یک واحد کنترل کننده و مدافع منافع ده میلیون کارگر عضو خود معرفی میکند. در عین حال که نسبت به یک برنامه اصلاح طلبانه تفاهم نشان می‌دهد دفاع از منافع اساسی اعضاء خود را در رأس وظایف خود قرار میدهد. بعلاوه برای اصول خود مختاری موسسه‌ات استقلال مالی، انعطاف در برنامهریزی، مسوده‌هی و ... مهتر از همه در تقاضا از کارگران برای بدست آوردن شناخت درست از وضع کشور اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شود. علاوه بر همه، اینها نباید فراموش کرد که سندپیکای همبستگی همگرایی اقتصاد را به شکلی که سندپیکاهای قبلی (C.R.Z.Z) انجام میدادند، رد کرده و با تبدیل اقتصاد ملی موافقت می‌کند و راه حل نهایی را در مشارکت مردم در اداره جامعه میداند.

اما پیشنهاد کمیسیون های منطقه‌ای بین‌الموسسهای از این نظر بسیار ملائم است، آنها ایجاد "کمیته‌های راستین خود گردان را بعنوان یک "عامل ضروری اصلاح جدید" در داخل موسسه‌ات طرح میکنند.

آنان با این طرز بیان خود را باریوس برنامه‌ای که کانیا در کنگره فوق العاده (نهضین کنگره) اظهار و از آن دفاع کرد مبود منطبق می‌سازند. (در آن کنگره کانیا اظهار داشت خود گردانی سوسیالیستی در داخل موسسه‌ات باید متکی به شوراهایی که بطور دموکراتیک بوسیله کارکنان انتخاب می‌شوند باشد.) (۱) کنفرانس خود مختاری کارگری "قیلی" که در سال ۱۹۵۸ بمنظور خنثی ساختن فعالیت "شوراهای کارگری" (این شوراهای از اکتبر ۱۹۵۶ فعال بودند) بوجود آمده بود به تحریک دولت و باره در اکثر موسسه‌ات شروع به فعالیت نمودند و مادر امیکه آنها شروع بکار کردند سندپیکای همبستگی اقدام و

۱ - "لهستان معاصر" چاپ و رشوه صفحه ۲۱ و ۲۷ در جای ریگر کانیا شدیداً به برنامه‌های خود گردانی حمله میکند و سندپیکای خود گردان را متهم می‌کند که میخواهد قدرت اقتصادی را به دست بگیرند.

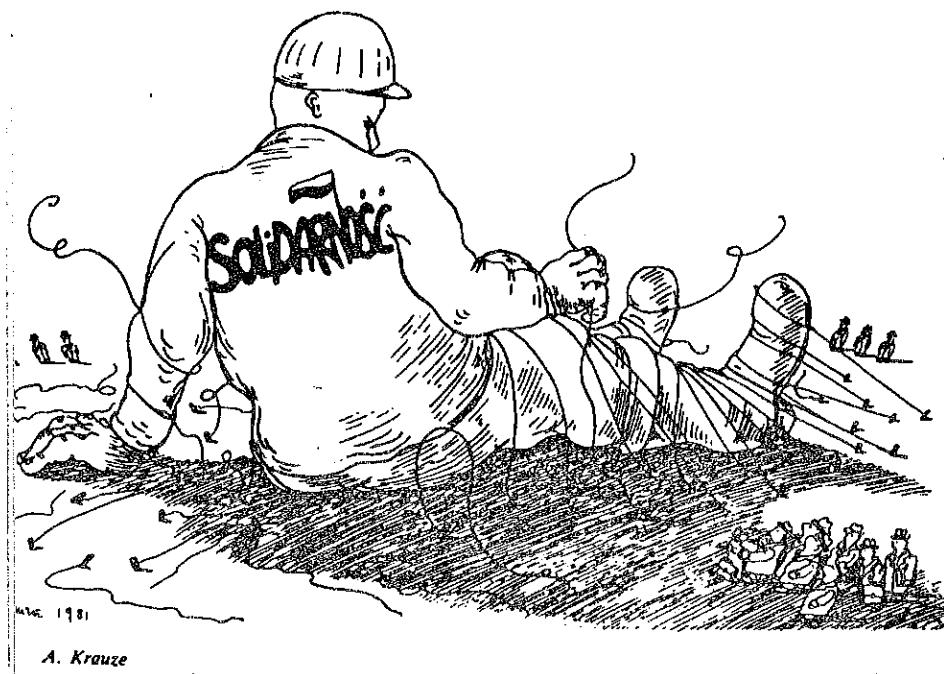
چنین پیش بینی شده است که این اصلاحات در سه مرحله طی سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ یعنی اولین مرحله در تقویت نظام "عدم تعرک قدرت‌ها" و دوین مرحله در برقراری "پک گروه قضایی مناسب" و سومین مرحله برای انتقال ساختارها "علی گردد. که البته باید قبل از آن قانونی درباره سندیکاها، خودگردانی در داخل موسسات دولتی، خودگردانی در موسسات کشاورزی و تعاونی‌ها به تصویب بررسی و پک قانون جدید کار نیز تهیه گردد (۱) در اولین تجربیات بین دولت و سندیکا همین‌گونه (که خودش هنوز موضوع واحدی ندارد) دو مورد عدم توافق بوجود می‌آید. اولی درباره انتساب مدیران کارخانه است. "در طرح دولتی اساساً مدیر وابسته به دستگاه اداری دولت بوده و شورا را مجرد مشاورت خود قرار میدارد، او میتواند تعداد زیادی از تصمیمات شورا را رد کند. (۲) اما در عاقبت کاریک پیشنهاد ملس از طرف سندیکا، انتساب مدیر را به شکل زیر مورد توجه قرار میدارد.

"کمیته‌های خود گردان یک سهم عدمنای در انتساب و عزل مدیران دارند. اما اساسنامه‌ای خود گردانی تهیه شده بوسیله... موسسه بسیار بزرگ کشور همه قدرت را به شورا میدهد:

• مدیر زیر نظر کارکنان خواهد بود نه دستگاه اداری دولت. او باید بوسیله شورای کارکنان بعد از انجام یک کنکور انتخاب شود. (۳)

- ۱- منابع : به ترجیه از تریبونا زود و در ۲۲ و ۲۳ آوریل ،
ZOLNIERZ WOLNOSCI DAILY RAPORT نشریه
چاپ و شو ۱۱ و ۱۰ دانوبه ۱۹۸۱ ص ۶-۱
- ۲- BULLTIN INFS. SOCIALES شماره ۲ سال ۱۹۸۱
صفحات ۱۳۷ و ۱۳۶ B.I.T سازمانی جهانی کار
- ۳- ماده ۸ از متن خود گردانی کارکان تنظیم شده در "نواهوتا" AGENCI-PRESOWA (NOWA-HUTA) ۱۳ می ۱۹۸۱ به نقل از
شماره ۱۶ تهیه شده بوسیله شبکه موسسات بزرگ صنعتی . این شبکه تأسیسندگان (K.Z.O) کمیسیون ۱۸ موسسه از جمله گدانسک و چیپن
هستند که کارخانه‌های فولاد سازی اوروسوس (URSUS) را بر می‌گیرند .

باید دو باره سازماندهی شوند، و یا باید تعطیل گردند .
تصمیم حداقل دستمزد و پاداش برای کارکنان از نتیجه فعالیت خود موسسات متابعت می‌کند . شورای کارگری منتخب کارگران با رای مستقیم و مخفی اجازه ابراز عقیده و پیشنهاد تکالیف و موضع کمیسیون در باره تمام مسائل مربوط به موسسه را بعهده دارد و مدیر مؤسسه باید با شورا بطور تنگاتنگ همسکاری و تبادل نظر نماید .
به کشاورزان و پیشه‌وران که بعنوان هوامل مهم اقتصاد طی از "سازند" (FORMATION) ویژه‌ای برخوردارند در رابطه با استقرار شرکت‌های تعاونی تحرك تازه‌ای دارند خواهد شد . به سندیکاها (۱) بعنوان همسکار دولت یار آوری خواهد شد تا برای حل مشکلات کارکنان از قبیل دستمزد و سیاست اجتماعی کار و بطور مستقیم و غیر مستقیم در سیاست اقتصادی بیش از پیش نقش داشته باشند .



۱- منظور سندیکاهای رسمی می‌باشد .

"لوبز" (LODZ) در تاریخ ۲۰ و ۲۱ زوئن در شهر "کوزالین" (KOZALIN) به تصویب رسید که از ارزش‌های مشابه‌ای برخوردار است . در زیر برای اینکه توانسته باشیم نظر دولت لهستان و سند پکای همبستگی را در باره خود گردانی برای خوانندگان بیشتر روشن کنیم ابتداء ترجمه متن قانونی مربوط به خود گردانی کارگران کارخانه‌های دولتی (۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱) را فصل به فصل چاپ میکنیم و سپس قطعنامه‌ای را که در گذشته ۸ سپتامبر ۱۹۸۱ به تصویب گرده سند پکای همبستگی رسید درج می‌نماییم و بدنبال آن برنامه سند پکای همبستگی را برای اداره جامعه در اختیار خوانندگان قرار می‌دهیم . شما خود با توضیحاتی که قبل از راهه شد و با در نظر گرفتن مفهوم خود گردانی میتوانید موارد اختلاف نظر بین کارگران و دیوانسالاران را مشاهده کنید .

الف- قانون خود گردانی کارگران کارخانه های دولتی (۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱)

فصل اول

ارگانهای خود گردانی

ماده ۱

- ۱ - پرسنل کارخانه های دولتی در اداره آنها ، بر بنای اصول مندرجه در این قانون ، شرکت می‌کند .
- ۲ - خود گردانی پرسنل کارخانه های دولتی می‌تواند و باید در حل و فصل مسائل اساسی کارخانه ، در اظهار نظر ، در بدست گرفتن ابتکار عمل و اعلان در خواستها و کنترل فعالیت‌های کارخانه شرکت کند .
- ۳ - خود گردانی پرسنل و ارگانهای آن ، وظائف و اختیارات مذکور درین فوق را مستقل و جدا از ارگانهای اداری دولتی ، سازمانهای اجتماعی سند پکای و سیاست انجام می‌دهند .

موضوع دیگری که اختلاف بین دولت و سند پکای همبستگی را ممکن می‌سازد قدرت‌های اقتصادی این واحد‌های خود کردن است . از سوی دولت چنین ارزیابی می‌شود که قدرت‌های اقتصادی عبارت از واحد‌های مشاورتی میباشند فقط عقیده خود را در باره مسائل جاذب موسسه و مدیریت آن اظهار می‌دارند . سند پکای همبستگی از نقطه نظر خود قدرت‌های اقتصادی را رسیله تعدیل اقتصاد " از پائین " و در جهت عروج افکار کارگران می‌بیند . که برای عطی ساختن آن دستورالعمل‌های مختلفی به بحث گذارده شده است اگرچه متن پیشنهادی سند پکاهادر سطح ملی در این زمینه ناروشن میباشد ولی برنامه ارائه شده از سوی کمیسیون های منطقه‌ای بین الموسساتی (M.K.Z) نسبت به خود مختاری موسسه و اختیارات شوراهای آن چنین میگوید : " شورا " مدیر را تحت اختیار خود میگیرد و عزل و نصب می‌کند و زنجیرهای را که از ۳۵ سال پیش تاکنون اقتصاد ما را فلجه کرده از هم می‌گسلد .

تندرو ترین طرح برنامه‌ایک تاکون ارائه شده مختص " شبکه موسسات بزرگ " است که در حقیقت یک همکاری وسیع افق بین شوراهای و بویژه تأسیس و ترکیب " دوین مجلس " را مطرح می‌سازد : در این مجلس نمایندگان انتخاب شده ارگانهای خود گردانی کارگران " و " فدراسیون مصرف کنندگان " ، " جمعیت های علمی و فنی " ، " جنبش بوم شناسی " ، " شوراهای ملی " و " سند پکاها " جمع خواهند شد .

" این پارلمان واقعی مالک اجتماعی راستین وسائل تولید در همه کشور خواهد بود " و بدین ترتیب اجتماعی کردن مدیریت که موضوع مورد علاقه همه کارگران و روشنگران است تحقق خواهد یافت . این مجلس " فعالیت‌های ارگانهای خود گردان را در سطح کامل کشور هماهنگ خواهد کرد . " اصول جهت گیری اقتصاد ملی را این مجلس تحت یک برنامه چند ساله و با در نظر گرفتن چشم اندازهای استراتژیک تعیین خواهد نمود و او بالاترین ناظر اجتماعی محسوب میگردد .

طرحهای مشابهی از سوی بسیاری از کنگره‌های کمیسیونهای منطقه‌ای بین الموسساتی بویژه از سوی کنگره کمیسیون های منطقه‌ای بین الموسساتی شهر

ماده ۲ :

۱ - ارگانهای خود کردانی پرسنل عبارتند از :

الف - مجمع عمومی کارمندان ادارات مختلف و سایر واحد های تشکیلاتی متعلق به کارخانه .

ب - شورای کارکنان کارخانه ، که در اساسنامه خود کردانی پرسنل می توان آنرا شورای کارگری نامید .

پ - شورای کارکنان اداره کارخانجاتی که از چند اداره تشکیل شده اند .

۲ - پرسنل کارخانه می تواند از طریق رفراندوم در مورد مسائل اساسی آن اظهار نظر کند .

۳ - شورای کارکنان نقش نمایندگی خود کردانی پرسنل را به عهده دارد .

ماده ۳ :

فعالیت در شورای کارکنان کارخانه و در شورای کارکنان اداره بدون محدود صورت می گیرد .

ماده ۴ :

اعضای شورای کارکنان کارخانه و شورای کارکنان اداره (۰۰۰) در قبال پرسنل مستولند .

ماده ۵ :

عضو شورای کارکنان حق استفاده از حقوق را برای مدتها که در ساعت کار صرف فعالیتها پس در شورا می کند حفظ خواهد کرد .

ماده ۶ :

۱ - کارخانه دولتی نمی تواند بدون موافقت شورای کارکنان یکی از اعضا آنرا در مدت نمایندگی در شورا یا در مدتی کمتر از یک سال بعد از

اتمام نمایندگی از کارخانه اخراج کند .

همچنین در مدت مزبور ، کارخانه نمی تواند بدون موافقت شورای کارکنان ، شرایط کار و حقوق یکی از اعضا آنرا به زیان او تغییر دهد .
۲ - اخراج از کارخانه به دلائل انصباطی از شمول بند فوق مستثنی است .

فصل دوممجمع عمومیماده ۲ :

۱ - مجمع عمومی کارکنان کارخانه های یک اداره و مجمع عمومی کارخانجات حتد اداره ای (مجمع عمومی کارکنان) ، معرف شکل مستقیم شرکت پرسنل در اداره کارخانه می باشد .

۲ - تصمیمات مجمع عمومی با حضور حداقل نصف کارکنان کارخانه معتبرند ، مگر اینکه اساسنامه پرسنل ترتیب ایجاد یکی بیش بینی کرده باشد .

۳ - تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت ساده آرا اتخاذ می شوند .

ماده ۱۰ :

مجمع عمومی کارکنان کارخانه واجد اختیارات زیر می باشد :

۱ - تصویب اساسنامه کارخانه بر مبنای طرح عرضه شده توسط مدیر آن .

۲ - تصویب تصمیمات مربوط به سهمی شدن پرسنل در منافع کارخانه .

۳ - تجزیه و تحلیل سالیانه فعالیت های شورای کارکنان و مدیر کارخانه .

۴ - تصویب برنامه های چند ساله کارخانه .

۵ - تصویب اساسنامه خود کردانی پرسنل کارخانه ، بر مبنای طرح واصله از شورای کارکنان .

فصل سومشورای کارکنان کارخانجات

ماده ۱۳ :

- ۱ - انتخاب نماینده شورا که در شورای کارخانجات مجتمع شرکت خواهد کرد.
- ۲ - انتخاب تصمیم در انتخاب و عزل مدیر کارخانه و سایر اشخاص که در پستهای مدیریت مطابق موازین قانون مربوط به کارخانجات دولتی (دومین قانون صوبه) انجام وظیفه می‌کنند در حدود صلاحیت شورای کارکنان کارخانه می‌باشد.

فصل ششم

خودگردانی پرسنل و رابطه آن با مدیر کارخانه

ماده ۳۲ :

- ۱ - مدیر کارخانه در جلسات شورای کارکنان کارخانه شرکت می‌کند. همچنین در صورت دعوت، مدیر کارخانه می‌تواند در جلسات هیئت‌رئیس شورای کارکنان شرکت نماید.
- ۲ - مدیر کارخانه مسئول اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط شورای کارکنان و مربوط به فعالیتهای کارخانه می‌باشد.

ماده ۳۸ :

مدیر کارخانه در برابر پرسنل در مورد خوب‌آرده کردن آن مسئول می‌باشد. حداقل یکبار در سال، مدیر کارخانه گزارشی در مورد فعالیت‌های کارخانه و وضعیت آن تسلیم می‌کند.

فصل هشتم

مراقبت پارلمان

- ۱ - خودگردانی پرسنل کارخانه تحت مراقبت پارلمان جمهوری مردمی لهستان انجام می‌گیرد.
- ۲ - حداقل یکبار در سال (۰۰۰)، پارلمان، تحول فعالیتهای

- ۱ - شورای کارکنان کارخانه از ۵ عضو تشکیل می‌شود. اساسنامه خودگردانی پرسنل می‌تواند تعداد دیگری را پیش بینی کند.
- ۲ - انتخاب اعضای شورای کارکنان از طرف کارکنان کارخانه با رای همکاری، مستقیم، یک رای به ازای هر نفر و به طور مخفی انجام می‌کشد.
- ۳ - مدت نمایندگی در شورای کارکنان ۲ سال می‌باشد.

ماده ۳۴ :

- ۱ - شورای کارکنان واحد صلاحیتهای زیر می‌باشد:
 - الف - تصویب و تغییر برنامه سالیانه کارخانه.
 - ب - تصویب گزارش سالیانه و ترازنامه.
 - پ - اخذ تصمیمات مربوط به سرمایه کداری.
 - ت - تصویب قراردادهای مربوط به گشاپیش کارخانجات الحاقی یا مختلط.
 - ث - تصویب گشاپیش یا پذیرش اتحادیه کارخانجات.
 - ج - اخذ تصمیمات مربوط تجمع یا جدا سازی کارخانجات.
 - ح - اخذ تصمیمات مربوط به سیاست مسکونی و اجرای برنامه های اجتماعی.
 - د - اخذ تصمیمات مربوط به تغییر زمینه فعالیت کارخانه.
 - ز - اخذ تصمیمات مربوط به طرق تقسیم درآمدهای باقیمانده کارخانه و اصول استفاده آنها.
 - ر - تصویب قراردادهای مربوط به فروش یا واگذاری اشیاء ضروری کارخانه (۰۰۰).
- ۲ - تصویب آئین نامه مربوط به کار در کارخانه، پس از طرح پیشنهادی مدیر کارخانه.
- ش - اخذ تصمیمات مربوط به برگزاری رفراندوم در کارخانه.

خود گردانی را ارزیابی و پیشنهادات آنرا تصویب می کند (۱۰) :

ب - قطعنامه، مریبوط به خود گردانی و مسروبه، کنکر، دلوبستکی

- قاعده مربوط به اداره کارخانه. نظر کنگره بر این است که اداره کارخانه باید به پرسنل آن واکد اشاره شود که بتواند تمام تصمیمات مهم را اتخاذ کند.

۲ - قاعده مربوط به چگونگی ترکیب کمیسیون آماره سازی و اجرای کنگره برای انتخاب مدیر که به معرفی کاندیداهای این پست می پردازد. نظر ما بر این است که تعیین و ترکیب این کمیسیون می باید به طور اختصاصی در زمرة حقوق مشروعه شورای کارکران باشد.

۳ - بند مربوط به تعیین کارخانجاتی که در آن ها انتساب و عزل مدیران باید توسط "مقام مراقب (Autorité de Tutelle)" انجام گیرد. نظر کنگره بر این است که این فهرست فقط باید شامل کارخانجات اسلحه سازی و کارخانجاتی که تحت کنترل وزارت خانه های اقتصاد و رادگستری - در داخل زندانها - اداره میشوند باشد.

۴ - بندی که به "مقام مراقب" اجازه می دهد که امور خاص را به کارخانه تحمیل کند. به نظر ما این کارهای خاص فقط باید در موقع سوانح طبیعی یا در موردی که رفاقت از کشور آنرا ایجاب می کند انجام گیرد و در تمام این موارد، مقام مراقب باید تمام وسائل مادی لازم را فراهم کند و متحمل تمام مخارج مربوط به این توسعه نقش کارخانه باشد.

۵ - قاعده مربوط به تعمیل شرکت کارخانه در پاک اتحادیه کارخانجاتی. به نظر کنگره این امر فقط می تواند شامل کارخانجاتی بشود که در بند ۳ فوق ذکر شده ماند.

کمیسیون ملی نتایج رفاندوم را به سمع پارلمان خواهد رسانید و بر مبنای آن طرحی در مورد اصلاح قانون مربوط به کارخانجات دولتی و قانون مربوط به خود گردانی کارخانجات دولتی عرضه خواهد کرد. به نظر کنگره، مفاد متن اجرائی قوانین فوق و قوانین ضمیمه میباشد با اشتراك سند یکا و به طور جمعی تصویب شوند.

و اکنون سند یکایی ما در مقابل قوانین مربوط به خود گردانی و کارخانجات دولتی در قطعنامه کنگره ۸ سپتامبر ۱۹۸۱ بهان شده بود و به این رلیسل پارلمان جمهوری مردمی لهستان، که در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱ به تدبیب قوانین مربوط به کارخانجات دولتی و خود گردانی کارکران کارخانجات دولتی پرداخت، قبله از آن خبردار بود.

پارلمان لهستان در رای تصویب خود، قرار مصالحه ای را که مورد قبول هیئت رئیسه کمیسیون ملی هماهنگی راجع به چگونگی انتصاب مدیر کارخانه بود رد کرد، در حالیکه این قرار مصالحه امتیاز مهی بود که سند یکا برای حل اختلاف بدون توصل به مبارزه قائل می شد. همچنین، پارلمان به نقطه نظر سند یکا در برخی مسائل مهم از جمله خود گردانی و استقلال کارخانجات اتفاقی نکرد.

علی‌غم آن، کنگره، با روح صلح و آشتی خود، قوانین فوق را به طور درست رد نمی کند، و بر مبنای قطعنامه پیشین خود، تصمیم می گیرد آن قسمت از موار قوانین مذبور را که به طور آشکار از نقطه نظرهای سند یکا دری می گزیند و خود گردانی و استقلال کارخانجات را در معرض خطر قرار می دهد و به این ترتیب اصلاحات اقتصادی را نفی می کند و آنرا به معرض رفاندوم در داخل کارخانجات بدارد.

ما امیدواریم که اصلاحاتی در نکات مذکور در زیر در این قوانین انجام

1 - Que paire Aujourd'hui mensuel, numero 17 - Pologne
Le congrès de solidarnosc P.P. 35, 36

بر مبارزه بزرای خود گردانی و برای سوسیالیستی کردن کارخانجات سند پکا همچنان به روال خواستهای کارگران عمل خواهد گرد و به کارگران اطمینان می دهد که تمام اقدامات لازم برای رفع از خود گردانی را انجام خواهد دارد.

کنگره از تمام کارگران می خواهد که بر مبنای قطعنامه های سند پکا به ایجاد ارگانهای واقعی خود گردانی کارگران بهره از برد . ۳ اکتبر ۱۹۸۱ (۱)

۷- سنتن برنامه، سندپکای همبستگی

برنامهای را که در ذیل ملاحظه خواهید نمود متن کامل برنامهای است که بعد از بخشای طولانی توسط ۱۰ نفر از نماینده‌گان اولین کنگره ملی سند پکای همبستگی در ماه اکبر ۱۹۸۰ به تصویب رسید . این برنامه یک سند فرق العاده نه تنها بر جنبش کارگری و سندپکائی ایران بلکه در جهان همایند . بايد یار آری نمود که این برنامه در درجه اول شوه وسعت تدریجی یک نظام سندپکائی در مکرانیک است .

پس نویس اولیه آن در طه مارس در مجله هفتگی "سند پکا و مباحثه" چاپ و منتشر با آن مفاطعه مختلف با توجه به محتويات این برنامه گزارش خود را تهیه و در کنگره های مختلفهای که در زوئن و زوئن ۱۹۸۱ برگزار شد به تصویب رسانیدند . در ماه سپتامبر هنگام گشایش کنگره ملی هر منطقه نظرات خود را تقدیم کنگره نمود . بدین ترتیب یک کمیسیون مرکب از ۱۰ نماینده که ۱۳ سوکمیسیون را در هر یک گرفت و هر کدام از این سوکمیسیونها به موضوع خاصی

۱- به نظر از توجیه آنفر نایاب شماره ۱۳ - نوامبر ، دسامبر ۱۹۸۱ صفحه ۲۸

می پرسد اختنند تشکیل شد .

در خلال کنگره بعدتر روز این کمیسیون روی برنامه کارگردانیکات نا روشن را روشن نمود سپس به یک متن واحد دست یافت . در آغاز دوره دوم کنگره هر کدام از نماینده‌گان نسخه‌ای از متن اصلاح شده برنامه را همراه با متن دیگری که شامل تضادهای موجود در برنامه‌های پیشنهادی مختلف بود در دست داشتند . بعد از اینکه نکات موردن اختلاف به بحث و مذاکره گذاشته شد بالاخره برنامه حاضر به تصویب کنگره رسید که همراه با گزارش - کمیسیون برنامه در بولتن و مجله سند پکا و مباحثه انتشار یافت .

آنچه که باعث تحرک جامعه ایران شد محتوی نظریات اساسی این برنامه میباشد که در مقابل ما یک نظام سیاسی خود گردان و یک چشم انداز انقلابی را مجسم می‌سازد که بعد از جنگ جهانی دوم در جهان سابقه نداشته و اهمیت عددی این نظریات درآیست که توانسته نه یک کروه کوچک سیاسی یا سیاسی - نظامی را بلکه توده ملیونی مردم ایران را به میاری سن پیکار بکشاند . (۱)

الف- سندپکایدار برابر بحران و اصلاحات اقتصادی

۱- ما خواستار مداخله در همه سطوح مدیریت و یک اصلاح دموکراتیک و خود گردانیم که قادر برآشند رنظام جدید اقتصادی و اجتماعی بین برنامه ، خود مختاری و بازار یک الحق و انتقال بوجود آورد .

۲- تزدیکی زستان یک سلسه عملیات جدی و فوری را ضرورت می‌بخشد ، سندپکا اطلاع دارد که بسیاری از افراد با حسن نیت حاضراند تا در

۱- به غیر از موارد ۳۵ و ۳۶ که تفسیر آنها ترجمه شده است از ترجمه تفسیر بقیه موارد در این مجموعه خود را دارد .

این مورد به مردم کمک نمایند .

۳ - برای رفاه از اعدام معینت کارگران یک اقدام دستجمعی علیه کاهش تولید ضروری است .

۴ - سند یکا ضرورت استقرار توازن در بازار و در چارچوب یک برنامه‌ای که حائز شرائط قانونی باشد را درجهت پیکار علیه بحران ، طبق یک اصلاحات عقلائی و تصمین تولید برای تولید کنندگان کوچک به رسیدتی شناسد .

۵ - مبارزه علیه بحران و اصلاحات اقتصادی بایستی تحت نظارت اجتماعی باشد .

۶ - سند یکای همبستگی از هر کس رفاه میکند بجزء از کسانیکه فقیرتراند .

۷ - امروز تهیه مواد غذائی مشکل عده جامعه میباشد : کارتهای مریسوط به توزیع مواد غذائی باید بطور عادلانه در اختیار همه قرار گیرد . تقسیم مواد غذائی باید تحت نظارت اجتماعی انجام کیرد .

۸ - سند یکا با نابرابریهای اجتماعی که در موسسات و خطه‌ها مغتلطف کشور به چشم میخورد مبارزه میکند .

۹ - حق کار کردن باید برای همه تصمین و سیستم دستمزد بایستی دو باره نکوین گردد .

۱۰ - امنیت و سلامت کارگران بایستی ضمانت شود .

۱۱ - حقوق کار بایستی بر اساس رفاه از منافع گروهی کارگران پایه ریسزی شود .

ب- یک، جامعه، همبسته و یک سیاست اشتراکی

۱۲ - سند یکا ، خودش همه ابتکارات موضوعه در قانون اساسی را برای برآورده ساختن نیازهای فوری بکار می کیرد .

۱۳ - سند یکا از حقوق خانواره ها برای برآورده ساختن نیازهایشان و از انکشاف شناخت اجتماعی مردم رفاه میکند .

۱۴ - سند یکاها از حقوق سالخورده‌گان ، معلولین و کسانیکه دارای بیماری های سخت هستند رفاه میکند .

۱۵ - در برابر خطری که طبیعت را تهدید میکند حفظ سلامتی مردم یک نگرانی عده برای سند یکا بشمار میرود .

۱۶ - سند یکا برای پاک نگهداشتن محیط زیست مبارزه میکند .

۱۷ - سند یکا خواهان است که حقوق اولیه مردم در داشتن مسکن امن و مرد احترام قرار گرفته شود و خواستار مساعی برای بهبود محل زندگی می باشد .

۱۸ - سند یکا بایستی بیدار و هوشیار باشد تا هر کارورز (شاغل) دارای وقت آزاد شود و بتواند از آن برای آموزش و پرورش خود استفاده نماید .

پ- جمهوری خودگردان

۱۹ - تعدد آرمانهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بایستی اساس دموکراسی را در جمهوری خودگردان لهستان بنیاد گذارد .

۲۰ - خودگردانی ضامن یک نظام جمهوری خودگردان است .

۲۱ - ساختارهای خودگردان منطقه‌ای که از نظر حقوقی و مالی مستقل است بایستی معرف واقعی نیازهای مردم منطبق باشد .

۲۲ - اندام وارهگی ها (اورگانیزم) و ساختارهای خودگردان بایستی به مقامات بالای دولتی معرفی شده باشند .

۲۳ - نظام کشوری بایستی آزادیهای اساسی شهر وندان را تصمین نموده و همه شهروندان و همه نهادهایی که با زندگی سیاسی شهر وندان ارتباط دارند بطور مساوی محترم شمرده شوند .

۴ - راد گسترشی باید مستقل باشد و دستگاه جلوگیری از اختناش باید
تحت نظارت اجتماعی قرار گیرد.

۵ - در لهستان، تحت نظام برابری (افراد) هیچکس نباید به جرم
داشتن عقیده مورد آزار و شکنجه قرار گیرد یا کسی او را وارد سازد
اقدامی علیه عقیده خود انجام دهد.

۶ - اشخاص مسئول خراجی کشور بایستی تعقیب قانونی شوند.

۷ - نسل جوان لهستان بایستی از شرائط مناسب برای اکتشاف و رشد
جسمی و روحی و اخلاقی بهره مند شود.

۸ - آموزش و پرورش و فرهنگ باید بطور یکسان در اختیار همه قرار گیرد.

۹ - سند یکا هر ابتکار مستقلی را راجع به خود گردانی در فرهنگ و آموزش
و پرورش ملی هدایت و حمایت خواهد کرد.

۱۰ - سند یکا آزادی تحقیقات علمی و خود گردانی نهادهای علمی را مسحود
حمایت قرار خواهد داد.

۱۱ - به ضرورت اینکه جامعه ما من خواهد و حق دارد با واقعیات روپرتو
شود و با آنان زندگی کند، سند یکا با همه اکاذیب در همه زمینه های
جامعه مبارزه خواهد کرد.

۱۲ - وسائل ارتباط جمعی اموال اجتماعی هستند، بنابراین باید در
خد مت و تحت نظارت جامعه باشند.

ت- سند یکای خودگردان

۱۳ - اعضا سند یکای ما حق دارند عقایدشان و خواستهایشان را به صور
همچونه اجبار و فشاری بیان نموده و برای تحقق اهداف مشترک بطور
آزاد، انه وارد عمل شوند.

۱۴ - شالوده تضمینات و اقدامات محاکم و معاشرات سند یکائی، باید بر اساس

باید.

- ۳۰

الف - وسائل اصلی برای رفاقت از مطالبات کارکنان و شهروندان م-
حمایت سند یکا عبارتند از : اصل مذکوره و اصل توافق . اه
چنانکه این روش موفق نشود ، بایستی به روشی ای انتراض آ-
توسل جست .

برای دست یافتن به مطالبات سند یکا ، رهبری باید از وسائل
و اقداماتی که به صلح اجتماعی لطمه وارد نسازد استفاده نمای-
د - در شرائطی که رهبران سند یکا ، کارفرمایان به اختلافات شده
من رستند بایستی با محاکم اداری ، اقتصادی یا دولتی صلا-
دار وارد مذکوره شوند .

۱ - کروهی که برای مذکوره انتخاب میشوند اختیار عقد قرار
دارند .

۲ - آمارگی برای مذکوره باید با مشاورت اعضائی که علاقه
را به اینکار نشان دارند اند انجام گیرد ، هدف نهای-
مذکوره ، اهداف ابتدائی آن ، تاکتیکها و همینط-
تحلیل چگونگی وارد شدن در مذکوره باید قبل از درج
مشورتی مشخص شده باشد .

۳ - سند یکا باید بر روی ضرورت مذکوره باز تکیه کند (به

هیچ موردی از دید مردم مخفی نماند) .

۴ - خبرگانی که قبل از مورد تائید گروه مذکوره قرار گرفته اند
میتوانند بنا به تقاضای گروه مذکور در مذکوره شرکت جو-
ه - در هر توافق باید اجبارا " مهلت ، روش و شرائط اجرا
مورد پذیرش دو طرف قرار گرفته نمود .

پ - هنگامیکه کوششها برای مذکوره ناکامیاب مانند رهبران سند
تمامیزی و نظاهات امداد امداد اعضا مدد و زند

با دلائل و عللی است که اعتراض را باعث شده‌اند و ارتباطی
با معلومهای حاصل از آن ندارد.

۲- هر اقدام باید دارای هدف روشن و مشخص بوده و با احتیاط
کامل سازماندهی شود. همینطور باید احتمال بروز خواستشی
را که می‌تواند از انجام این اقدام جلوگیری به عمل آورد و در نظر
گرفت.

۳- اقدامات اعتراضی توجه‌های میتوانند شک نظاهرات را شته و در آن
خواسته شود مثلاً "ذکر شروع" یا "ادامه پیدا کند" یا اینکه
توافق بعمل آمده محترم شعره شده و به آن عمل گردد.

۴- قبل از اقدام اعتراضی ابتداء باید اخطار را و قبل امهلتی
را برای اجراء مطالبات در نظر گرفت و تاریخ اقدام اعتراضی
احتمالی را باید قبل از مطالبات بسیج کند.

۵- اگر اخطار بین نتیجه ماند، اقدام اعتراضی باید بتواند بطور
قاطعه جمعیت را برای اخذ مطالبات بسیج کند. اعتراض
و تحريم نونهای از این نوع اقدامات اعتراضی می‌باشد.

۶- اعتراض قبل از هر چیزیک اقدام اعتراضی است. از آنجا که
اعتراض باعث زیان اقتصادی می‌گردد بایستی از آن بعنوان
آخرین حریه برای اعتراض استفاده کرد. در هر اعتراض باید
شیوه موقیت آن کاملاً مورد بررسی قبلي قرار گرفته شده باشد.

۷- مقامات رهبری سند یکا بایستی با مراقبت کامل پروتکل (صورت
جلسه) و نحوه جریان پافتن مذاکرات و همچنین اقدامات اعتراضی
را تهیه نمایند.

۸- رهبران، در همه سطوح سند یکا، بایستی اقدامات کوتاه
مدت و بلند مدت را برای مقابله با مخاطرات حاصل از آن مانند
وضع فوق العاده یا حمله مامورین دولتی و ... پیش بینی
گرده باشند.

ت- تصمیمات مربوط به مذاکره یا اقدامات اعتراضی، سارشها یا توافق
های نهائی بایستی بعد از تحلیل و تنقید جدی توسط اعضائی
که به این کار علاقه دارند انجاز گردد.

۱- در خلال مذاکرات یا اقدامات اعتراضی اعضاء علاقمند باید مور
مشورت کامل باشند. رهبران موظفند اعضاء سند یکا را از مواضع
انجاز شده توسط گروه مذاکره و از نتایج مرحله‌ای مذاکره
آگاه سازند.

۲- در این اطلاعات به اعضاء و اقدام به تبلیغات بایستی حتماً امر
موقعی ایکه کشته‌گشته (بعن کارفرما و سند یکا) وجود دارد انجام
گیور. این اطلاعات نه تنها باید در اختیار اعضاء سند یکا
بلکه باید در اختیار همه مردم قرار گیرد. سند یکا باید
اهدافی را که برای دست یافتن به آنان مبارزه می‌کند به مسود
تفهیم گردد و قادر باشند توجه مردم را نسبت به این اهداف
جلب کند.

۳- نظارت و انتقاد بر مقامات و محاکم سند یکا حق و وظیفه هر عضو
سند یکای همیستگی می‌باشد.

۴- فعالیتهای همه مقامات سند یکا تحت نظارت دائم است
نظرهای کمیسیون نظارت بایستی به سرعت در سند یکا انتشار و
توزيع گردد.

۵- همه اعضاء سند یکا در انتقاد از رهبران آزادند. آنها میتوانند
این کار را در یک جلسه و یا در مطبوعات انجام دهند. هر کسی
که مورد انتقاد قرار می‌گیرد حق دفاع دارد.

۶- اعضاء، اندام و ارکیبهای (ارگانیزم) و نمایندگی‌ها فعالیت
های رهبران را با استفاده از قدرت استیضاح و رای اعتماد
کنترل می‌نمایند. یا یک اندام‌هایی (ارگانیزم) وقتی یک رهبر
مورد استیضاح قرار می‌گیرد باید در مهلت مشخصی
استیضاح پاسخ دهد. اگر این پاسخ استیضاح گشته را راضی

نگوی او میتواند تقاضای ره رأی اعتماد کند، اگر تقاضای ره رأی اعتماد مورد قبول واقع شده رهبر یا اندام وارگی (ارگانیزم) باشد، استعفای خود را تقدیم کند. استعفای می تواند ره شود یا اینکه میتوان با مراجعته به پک کمیسیون وزیر راه حلی برایش پایافت.

طبق اساسنامه، نظارت بر اعمال رهبران بوسیله کمیسیون تجدید پیدا نظر (بازرسی) نیز انجام میگیرد.

ت. قرارداد اجتماعی درین

جهت پک تغییر اساسی در قوانین اقتصادی حاضر طلب میگرد. اصلاح اقتصادی باید مدیریت کارخانها را به کارکنانی که در چارچوب نظر اقتصادی شاغلند محول کرده و قوانین بازار را با برنامه ریزی اقتصادی هماهنگ کند. تعداد زیادی از توافقاتی که بوسیله دولت به احتمال رسیده علی نشد قولهای دولت به کارکران باید اجرا کرد.

ج. توافق برای جمهوری خودگردان

توافق برای جمهوری خود گردان رهبری‌ها و وسائل دموکراتیزه کردن کی عمومی مردم، مجلس (دیت)، قدرت سیاسی، مجموعه‌های بزرگ سیستم اقتصادی، رارگاهها، آموزش و پرورش ملی و ... را باید مد کرد. اجراه این توافق پک رابطه صحیح را بین شهروندان و دولت بر میکند. حرکت بسوی یک جمهوری خود گردان تنها راهی است که لهستان را از نظر داخلی قوی کرده و در مقابل سایر ملت‌ها به او اعتبار خواه بخشید.

سنديکای همبستگی قرارداد اجتماعی نوین را به عنوان یک مجموعه تجزیه ناپذیری می‌شناسد. برنامه سنديکای همبستگی قبل از هر چیز به از تنهای سندیکا در برابر کشور است ... این توافق ما را برگرد چیز عبارت از لهستان ملی، دموکراتیک و انسانی جمع میکند برگرد اصول را به افتراق نمی‌کشاند.^(۱)

۳۶ - سندیکای همبستگی طالب پک قرارداد اجتماعی نوین است.
الف - سندیکای همبستگی ضمن توافقنامه ۱۹۸۰ بهوده و خواستار اجراء آن میباشد. ما اعتقاد داریم برای نجات کشور راه پیگیری به غیر از اجرا، اصل مندرج در قانون اساسی که خواهان حاکمیت ملت است وجود ندارد.

ب - سندیکای ما زمانی برنامه خود را تسبیه نمود که کشور بوسیله پک فاجعه تهدید میشد ما پیگیر نمی توانیم خود را در شرائط بحران اقتصادی نگهداشیم باید از این وضع خارج شد.

ج. توافق ضد بحران

توافق ضد بحران، باید قادر باشد حداقل معیشت مردم را در ماههای سخت زمستان که بزودی فرا می‌رسد تأمین کند. این توافق باید برای خسروی از اوضاع بحران اقتصادی رهبران خود را می‌سین کند. توافق ضد بحران باید اولین توافقی باشد که بین قدرت مستقر و سندیکا بوجود می‌آید.

ج. توافق برای اصلاحات اقتصادی

ا. مبانی دموکراسی سندیکایی

آنچه که در این بحث درباره دموکراسی میخوانید مسائل تازه و بخوبی نمیشوند. اینها را همه میدانیم، بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم و معتقدیم که باشد به آنها عمل کنیم اما متأسفانه وقتی که پای عجل پیش می‌آید خود در مقابلش "و" می‌روم و به دلائل مختلف اجازه میدهیم این اصول مهم و با ارزش که حاصل سالها مبارزه و پایمردی زنان و مردان آزاده است زیرا که ارده شود. برای اینکه بتوانیم در پیک جامعه دموکراتیک زندگی کنیم هر کدام از اصول دموکراسی پافشاری کنیم و حتی تا پای جان برای آن بایستیم باشد روی اصول دموکراسی پافشاری کنیم و حتی تا پای جان برای آن بایستیم و قد خم نکنیم. متأسفانه که اند کسانیکه در عجل چنین باشند، اما در حرف همه دموکراتیم. بسیار بدیده میشوند افراد پیکه وقتی در داخل پیک سازمان در اکثریت قرار دارند در دموکراسی و اصول مرکزیت قدرت پافشاری می‌کنند ولی همینکه در اقلیت قرار می‌کنند نه نسبت به سازمان معتقد می‌مانند و نه به دموکراسی و زیر همه سنت سازمان و اصول دموکراسی سازمانی می‌زنند و "آنارشیست" می‌شوند. این افراد نه دموکراتند و نه آنارشیست.

بخش پنجم

دموکراسی سندیکایی

برای اینکه پیک سند پیک بتواند از عهده اولین وظیفه خود یعنی دفاع از منافع کارکنان برآید باید مستقل باشد. استقلال پیک شرط ضروری است و تجربه سند پیک‌های رسمی در شرق بورژوا در لهستان بخوبی نشان دارد "غذا خود را سر سفره اریابان" چه عاقبتی دارد. سازمان اداری دولت و حزب حاکم باید این استقلال را پذیرد. سند پیک نقش رهبری حزب در دولت را انکار نمی‌کند و اصول گروش کار نظام سیاسی و اقتصادی را مورد بحث قرار نمی‌دهد. اما میخواهد به وظایف

خود عمل کند پس نمی تواند فعالیت خود را نه تابع رهنمود های حزب سازد و نه مطابق میل سازمان اداری دولت عمل کند. چنانچه این اصل جدای مورد قبول نشود هیچ سند یکای مستقلی نخواهد توانست وظیفه اصلی خود یعنی رفای از منافع کارکنان را که سر لوجه اساسنامه سند یکاهای دموکراتیک است عملی سازد. برای اینکه سند یکا بتواند تمام فعالیت خود را به این مهم اختصاص دهد باید "غیر سیاسی" باشد. به پیروی از تسریز مشهور دولت قوی تمام امور سیاسی لهستان در پیدا قدرت حزب حاکم یعنی حزب اتحاد کارگری لهستان قرار دارد و همه" دستگاه قدرت در اختیار او میباشد. کروهی از رهبران سند یکای همبستگی اعتقاد داشتند که سند یکای همبستگی که موجود بیت این حزب را به رسمیت شناخته برای این بوجود نیامد تا مجری فعالیتهای سیاسی و یا اقتصادی باشد و نباید خود را گرفتار این مسائل نماید زیرا نیرو و وسیله این کار را ندارد.

قدرت سند یکا متکی به همبستگی همه" اعضاء آن بود و حمایت مردم را به دنبال داشت. زیرا نیازهای یکدست شده گروههای مختلف موجود در داخل سند یکا را نیازهای واقعی مردم هماهنگ کرده بود. این یک مساله فوق العاده دقیق بود که سند یکای همبستگی در احتساب آن مرتکب خطأ نشد زیرا جبران آن سخت بود و دشمنان جنبش اجتماعی لهستان از این خطا سود می جستند. سند یکای همبستگی با حوصله و تفکر دست بکار نمود و تصمیمات عجولانه نگرفت بوزیره در مرحله ای از سازماندهی که هنوز هیچ ارکان سرجای خود حکم نشده بود، کوچکترین غلطی، نیرو و استقلال سند یکا را به خطوط می انداخت و می توانست دستاوردهایی را که به سختی در خلال اقتصاد کسب شده به نابودی بکشاند و امید ساختن یک آینده بهتر را از مردم سلب کند.

اگر فعالیت سند یکا متکی بر زیر ساختهای واقعی" دموکراتیک باشد آن وقت میتواند قوی و مستقل شود. دموکراسی سند یکائی میتواند نیازهای حکومت کنند گان و حکومت شوند گان را هماهنگ ساخته و خطاهای متبوع از تصمیمات

ب- دموکراسی چیست؟

دموکراسی هیارت از حکومت بر یک جامعه نه بوسیله یک گروه و نه بوسیله یک فرد بلکه بوسیله همه" افراد آن جامعه است. این آرمان دموکراسی میانه اما تقریباً هرگز چنین چیزی بطور کامل علی نشده است. در طی تاریخ شکوهی کوئاگونی از دموکراسی ظهور پیدا کرده اند. در حال حاضر شکل متداول نر آن "دموکراسی مبنی بر انتخاب نماینده" است که قدر درست نماینده گان انتخابی جامعه قرار می کند. معمولاً میزان دموکراسی افزایی انتخابات (یعنی استقلال انتخاب گنند گان نسبت به شخص ثالث) با این انتخاب افراد با صلاحیت در انتخابات سنجیده میشود. اما بر چنین تعییو بیشتر بوسیله کسانی که بین از حد ساده نگردد انجام میگیرد البته شرط انتخاب آزاد یک ضرورت مطلق است اما مشکلات را از بین نمی تصور کیم که چنین شرطی بوسیله یک شیوه مناسب و یک اطلاع کامل بسیار آمده باشد که در نتیجه با صلاحیت ترین افراد انتخاب شوند. معمولاً آنچه همینجا خاتمه پیدا میکند و همه با احساس انجام یافتن یک اقتدار دموکراتیک به دنبال کار خود میروند و زمام امور را به درست نماینده گان میسپارند.

در حقیقت این اقدام بذات خود دموکراسی را تضمین نمی کند. در این نظامهای باصطلاح دموکراتیک بعد از انتخابات، مرحله ای شروع میشود هیچ رابطه ای با دموکراسی ندارند یعنی بعد از انتخابات، نماینده انتخاب شده خود به تنها قی حکومت را بعده می گیرند و حکومت آنها شما کوئاگونی دارد: در اغلب موارد حکومت کم و بیش یک ترکیب صوری بخود کیم و تحت اختیار یکنفر یا یک گروه در میآید. پس انتخابات دموکراتیک به تنها قی تواند تضمینی برای دموکراسی محسوب کردد. —

از منافع آنها که بنامشان حکومت میشود " و " وسائلی که بکار گرفته میشود " نقش اساسی را ایفا می کند . اغلب اوقات این حقیقت فراموش میشود ، و نمایندگان انتخابی دموکراتیک ترین شرایط نیز فکر میکنند صرف نمایندگی به آنان اجازه میدهد بر اساس تعابیر و تفاسیر خود عمل کنند نظریات شخصی خود را اعمال نمایند .

از سوی دیگر انتخاب گندگان نیز کان میکند کاند پدای منتخب آنها یکباره مانند خود آنها و بجای آنها فکر و عمل خواهد کرد .

اینجاست که میان دموکراسی صوری (اغلب زیر چنین نقاوی چهره کریم یک دیکتاتوری مبدل پنهان است) و دموکراسی واقعی اختلاف پدید میآید و یک نماینده انتخاب شده منافع انتخاب گندگان خود را فرع بر منافع ویژه خود قرار میدهد . انتخاب یک کاند پدای اعتمادی است که انتخاب گندگان باشان میدهد . با این امید که کاند پدای آنها موقع تصمیمگیری وضعیت آنها را در نظر بگیرد ، از نظر اشان اطلاع حاصل کند ، تذکرات آنها را بپرسد و احساسات و عقاید خود را در نظر بگیرد و قاطعیت داشته باشد . تنها یک چنین دموکراسی برای نتایج حکومت خود ارزش قائل بوده انتخاب گندگان را مستول و متمدد بار میآورد .

هر نماینده عقاید و برنامه خود را که ملتزم خواهد شد به آنها عمل کند اعلام و بدین ترتیب اعتماد انتخاب گندگان را بخود جلب میکند .

پ- شیوه های دموکراسی

رای رادن وسیله اساسی دموکراسی است اما بر عکس رسم متدال همینه لزومی ندارد که رای رهی انجام گیرد . تجمع گروه های مردم در محلی بمنظور انجام کاری خود یک شیوه ابد ائم رای رهی است . در گذشته دورانی وجود داشته است که اکثریت به غیر از بلند کودن دست ، کف زدن و سوت کشیدن طریق دیگری نم، توانستند نظر خود را ابراز دارند . شیوه های

راحتی هستند که بوسیله آنها میتوان نظر تعداد زیادی را در مدت بسیار کم بدست آورد . در جوامع صنعتی با استفاده از ماشینهای الکترونیک و را و تلویزیون میتوان در واقعیت بعد از بسته شدن صندوقهای انتخابات ، بر بالاترین رای را معرفی کرد .

تشکیل جلسه برای انتخاب نماینده یا مستول کم و بین جنبه یک تبع مقاید و اراده است لالها برای رای رهی پیدا میکند (مثل پارلمان موقوفیت یک جلسه با تعداد شرکت گندگان ارتباط کامل ندارد . و جلسه نظر گرفتن یک شرط تعریف میشود و آن اینکه هر شرکت گندگه بتواند در نوبت خود حرف خودش را با صدای طبیعی بزنده بطوطی که بوسیله دیگر شنیده شود . چنانچه از وسائل صوتی معمولی استفاده شود رهها نفر خوانست صدای گوینده را بشنوند . اما با وسائل مناسب تر صوتی تعب شنوندگان میتواند به صداها نفرافزايش باید . اگر شرکت گندگان در جای دارای نظریات روشنی نباشند میتوان آنها را دستکاری کرده و به هر ام واد ارشان ساخت . اما اگر شرکت گندگان از آگاهی کافی در مورد یک برمخورد ارشان شنوندگان از اینجاست که هر گروه استدلال خود را میکند و هر روى موضع خود میمانند و لفاظي ها بى اثر میمانند .

رأی در دو مرور خواست اکثریت را تعیین میکند :

— انتخابات نماینده گان

— تصمیمگیری در زمینه های دیگر

؛ — شیوه انتخاب نماینده گان کاملاً شناخته شده است زیرا همانطوری که کشیم ، دموکراسی با امکان انتخابات آزاد اند و قدرت خود را تحصیل میکند .

در همه جا باید یک شکل از انتخابات غیر طبیعی را که بوسیله آن شرکت گندگان انتخابات زیر پا گذاشته میشود یاد آوری گردد این شرکت گندگان انتخابات لیستی مشهور است . که در اصل سعی دارد انجام انتخابات را ، انتخاب گندگان ، انتخاب شوندگان یک ن-

هرگاه تعداد غایبین زیاد باشد ناشی از آن است که مشکلات در عمل انتخاب حل نشده و عمل تصمیمگیری محتاج به پک آماده ساختن و تبادل و بحث و گفتگو دارد. این حل و فصل در اکثر جوامع در سطح تصمیمگیری بوسیله احاد مردم در اختیار رهبران و یا کسانیکه جامعه آنها را بعنوان امن خود می شناسند انجام میگیرد، البته در جوامعی که مراحل ابتدائی دموکراسی طی شده باشد و در آن آزادیهای نسبی وجود داشته باشد این تبادل و گفتگو در معامل عوامی و با روشنی آزادانه انجام میشود و از وسائل ارتباط جمعی بطور " تمام و کمال " پخش میگردد تا مردم خود را توجه به استدلالهای معتقدین خود قضاوت نمایند و رای موافق یا مخالف خود را در صندوق بپردازند و بوسیله دلائل درجه دوم در فشار گدارde نشوند. این روش اصل را برآگاهی و افزایش شناخت رای دهندهان از موضوعات مورد رأی میگارد اما تحت شرایطی، دولت قادر قدرت ممکن است موضوع مورد رای را بشکلی انتخاب نماید که بعد از بحث و گفتگویکی از طرفین به این نتیجه برسد که طرز انتخاب سوال مورد رأی کمی غلط است بنابراین نباید در آن شرکت کرد. معمولاً برای بر طوف نمودن پک چنین اشکالاتی مقدراتی قبلاً به تصویب میرسد و یا از هنچار (نرم) موجود در جهان استفاده میشود. بدین ترتیب که اگر تعداد غایبین از قلآن حد تجاوز کرد (مثلاً ۱۰٪ کل آراء) رأی کمی باطل است. بنابراین پک چنین روشی اصل را بر بحث و گفتگو و تبادل نظر میگارد و در موقعي که در اثر بحث و گفتگو مسائل نا روشن و پس پرده را روشن کرد بـ راحتی میتوان به رأی کمی پرداخت.

فوانی چنین روشی عبارتند از :

الف - خیلی زود میتوان به نقطه پایان بحث رسید و به موضوع بـ ای پرداخت.

ب - بحث را که بر اثر افزایش حرارت شرکت کنندگان منحرف شده باشد میتوان قطع کرد (رأی کمی اجازه میدهد که دو باره آرامش به جلسه بازگردد و موضوع مورد اختلاف به کاری گدارde شود) .

رأی کمی بایستی آشکار یا پنهان باشد؟

انتخاب واقعی خود را داشته باشند زیرا به جای اینکه به تک تک افراد رای بد هند به تعدادی از افراد که اسمی آنها در لیستهای گوناگون قرار گرفته رای میدهند در حقیقت یک مرحله از انتخابات بوسیله تهیه کننده یا تهیه کنندگان هر لیست انجام گرفته و انتخاب کنندگان را در مقابل یک اجبار در انتخاب قرار دارد است. این در وی خود یک دستبرد به فرم و محتوی دموکراسی است زیرا تنظیم کنندگان لیستها انتخابشان را بر اساس استدلالهای منفی از پیش علاقه، منافع مشترک و درسته بندیهای هایشان نسبت به افراد از پیش علاقه، منافع مشترک و درسته بندیهای شخصی از سوی دیگر انجام میدهند. که این امر خود ناقض دموکراسی است و باید ازیز روز آن و عمل بدان شد یا " پرهیز کرد " .

۲ - شیوه تصمیمگیری ، که از ارزش خاصی برخوردار است. برای اینکار باید بشکلی از رای گیری استفاده نمود که به یک سوال ، (سوال معمول رای) به روشنی و بدون ابهام پاسخ بدهد. این نکته مهم است که سوال مورد رای با " آیا " شروع شود مثلاً آیا باید این یا آن کار را انجام دارد؟ در مقابل باید ۳ نوع جواب پیش بینی شود .

پاسخ شماره ۱ بله
پاسخ شماره ۲ نه
پاسخ شماره ۳ نی را نمی شرکت نمی کنم (غایب)

در عین حال با توجه به تعداد کسانیکه در ردیف ۳ قرار میگیرند میتوان یک ارزیابی اولیه در چند و چون دموکراسی در جامعه بعمل آورد یعنی غایبین یک افزاروارگی مهمی برای دموکراسی واقعی هستند و آنها که رای نمی رهند یا نمی خواهند رای بد هند از آن دسته از افرادی هستند (میتوانند باشند) که نتوانسته اند خود را قانع کنند و اگر این تصمیم خالی از غرض و مرض باشد و با دستکاری افراد ، احزاب و دستگاه انجام میگیرد و سیرو طبیعی خود را طی کند خود ضمانتی برای دموکراسی محسوب میگردد . زیرا رای دهنده باید بداند به چه رأی می رهند تا موقعي که به این سوال پاسخ دارده نشده و مشکل برایش حل نگریده حق دارد رأی نه هد .

هر دو نوع محسن و معاشر دارد . از رأی پنهان به دودلیل زیر استفاده میشود :

الف - برای جلوگیری از نفوذ شخص ثالث روی رأی دهنده .

ب - برای ناچار کردن رأی دهنده که تصمیم خود را بدون اینکه تحت تاثیر فرد ثالث قرار گیرد اتخاذ نماید .

رأی کمی آشکار بیشتر برای این که بدون زحمت است مرد استفاده قرار میگیرد . رأی کمی آشکار مسئولیت انتخاب گنده را برای علوم آشکار میسازد بدین ترتیب که اگر انتخاب شونده ای بدو ظائف خود علی نکند قسمی از مسئولیت بدوش انتخاب گنده او نیز می افتد و اینکار انتخاب گنده را وارد میسازد در انتخاب خود دقیق تر باشد .

در جوامع زمانی از این و گاهی از آن روش استفاده میشود و با قبول یک ریکری را کار می کارند . اما در واقع میتوان از هر دو استفاده کرد ، رأی مخفی داده شود و بعد به اطلاع عموم بررسد و احیاناً توضیح نیز داده شود . در این صورت کسی نمی تواند روی رأی ، رأی دهنده مای اثر بگذارد و یا اورا تحت تاثیر قرار دهد ، او در کار خود آزادی کامل خواهد داشت . رأی دهنده با مطلع ساختن مردم از رأی داده شده خود انتخاب گنده خود را مسئول نموده و می تواند او را مرتباً مرد سوال و بازخواست قرار دهد .

همینطور با پستی مساله اکتریت را نیز روش ساخت ، معمولاً "تصویر میشود ، مقرراتی که طبق آن "اکتریت تصمیم میگیرد " کاملاً درست است ، اکترا" فکر میکند که آن مقررات تنها راه چاره می باشد با وصف این در موقع بکار گرفتن آنها مرتب خطاهای بزرگ میشوند .

در تاریخ جوامع شواهد زیادی دیده میشود که "اکتریت قانونی" تصمیم به از بین بودن "اقلیتهایی" میگیرد که خود قسمت عمد مای از جامعه را در بر میگیرند . حال آنکه اکتریت موقعی معنا و مفهوم واقعی خود را در یک نظام مبتنی بر دموکراسی دارد که برای همه حقوق اقلیت احترام قائل شود و اورا در فعالیت دموکراتیک آزاد بگذرد .

۳- دموکراسی سندیکائی

آیا اتحاد و اتفاق یکارچهایک در سندیکای همبستگی بچشم میخورد به همین قوتوقدرت خود باقی خواهد ماند ! آیا برداشتی ای مختلف از مفاهیم و چهگونگی استفاده از نهادها که توسط روش‌نگران و "خبرگان" انجام خواهد گرفت این اتحاد را خدشه دار نخواهد کرد ! این مساله مهمی است که از هم اکون در میان جناحهای فکری مختلف موجود در سندیکا خود را نشان میدهد به همین علت مقامات دولتی منتظرند تا اولین مجمع عمومی و ملی سندیکاهای همبستگی تشکیل گردد و مخالفین دولتی از هم اکون خود را آماره ساخته‌اند تا به اختلافات دامن بزنند شاید از این راه بتوانند کار آنرا بسازند .

در داخل سندیکاهای مستقل در راه های مختلفی نسبت به خود گردانی وجود دارد اما همه آنها با آن ریکی که دولت از خود گردانی را در تفاوت میکند . به همین جهت تعدادی از مؤسسات و چند کمیسیون منطقه‌ای بین - الموسساتی (M.K.Z) در موقعی که طرح تنظیم شده از طرف دولت درباره خود گردانی در مجلس مطرح میشود نامه‌هایی به مجلس می‌نویسند و از نمایندگان میخواهند به متن تهیه شده از سوی دولت توجهی نشان ندهند .

در هر کدام از متنون پیشنهادی سندیکاهای تعریف تاریخی از دموکراسی وجود دارد . در این میان همه آنان گردش کار دموکراتیک را برای سندیکا ضروری میدانند با این وصف که تجربیات پکسال اخیر نشان داد مشکل ساختن ده میلیون زن و مرد در حرف کار سارهای است تا در عمل و این مساله در تمام جرو بحثهای داخلی سندیکاهای آزاد و مستقل مشاهده میشود .

۱- این قسمت در دروان قبل از کودتای دسامبر پاروزلیسکی در لهستان تهیه شده است .

برای دموکراسی ابتداء باید عادات مردم تغییر پیدا کند . از سالها پیش ، این کشور تجربیات دموکراسی را بفراموشی سپرده است . مدت زیادی نیست که مردم دوباره رای دادن ، انتخاب نامزد (کاندیدا) ، نظارت بر امور ، سازمان رهی جلسات ، پخش اخبار وغیره را فراگرفته اند هر روز صد ها پختنامه ، بیانیه های کوتاه ، توصیفی و تشریحی بوسیله سند یکای آزاد و مستقل توزیع میگردند . بعلاوه در برنامه سند یکاهای مستقل انتخاب رهبران در سه مرحله انجام میشود : ابتداء از نوامبر تا ژانویه هر سال کمیسیونها مؤسسات ، سپس از ماه می تا ژوئیه رهبران منطقه ای و بالآخره در آخرین مرحله رهبران ملی و هر بار تعداد نامزدها باید متعدد باشد و هر نامزد باید برنامه و فعالیتها را در خلال روزهای انتخابات عرضه نماید .

در اساسنامه های تصویب شده در ماه سپتامبر ۱۹۸۰ اصول بسیار کرفتن نظام فدرایست قبول شده است . در این از مردم سالاری متمرکز^(۱) که ساختار بندی غنودی آن همانند يك مهر طاعون بر پیشانی سند یکاهای قبلی تحت نفوذ حزب متحد کارگری لهستان نقش بسته است از اهمیت زیادی برخوردار است .

در اساسنامه سند یکاهای مستقل زیرساخت (BASE) سازمان از اختیار کامل برخوردار است باید توجه داشت که کیفیت زندگی داخلی سند یکا بهترین مثال برای معیار دموکراسی سند یکائی است . از سوی دیگر نمی توان پنهان نداشت ، پکسال مذاکره اجتماعی ، آموزش و فرآیندی انتخاب تدابیر مختلف برای پیروزی مشکلات گوناگونی را دامن زده که سه نتیجه مهم زیر را بهمراه آورده است .

۱- برای " سانترالیزم دموکراتیک " ترکیب " مردم سالاری متمرکز" را برابر نهادیم .

- ۱- حق تقدیم برای ساختارهای بین العرفهای (۱) سند یکای همبستگی بجای يك سازمان محلی یا منطقه ای بمنظور جلوگیری از افراط و تغییرهای صنعتی گرایانه برای صیانت از " وحدت " پذیرفته گردید و بر اثر آن - سند یکای همبستگی متهم به از بین بودن ارتباط موسسات بزرگ با موسسات کوچک شد و ضرورت شکل بندی رشته های مختلف صنعتی را افزایش داد . در مناطقی که يك تولید بر دیگر تولیدات تسلط دارد - مانند نساجی در لودز (LODZ) زغال سنگ در سیلسی (SILESIE) وغیره . . . خطر اینکه این رشته های صنعتی در کمیسیون های منطقه ای بین المؤسسات (M.K.Z) شرکت نکنند وجود داشت که موجب برخورد هایی میشد . از سوی دیگر علی رغم وجود نشیریات موسسه ها ، اطلاعات به سختی و بطور ناکافی پخش میشد . (۲) در فصلهای قبل درباره رانشکاههای کارکران ، " صورت بندی سند یکائی " ضرورتا " در تعدادی از رشته ها (موسسات کوچک ، آموزکاران . . .) و روابط ما بين منطقه و موسسه و يك حلقة زنجیر که اینها را به يك دیگر متصل کند صحبت کردیم . بنابراین اصل ساختارهای " بین العرفهای " میتواند مقدار زیادی از این مشکلات را خود بخود حل کند و از برخورز مشکلات مشابه جلوگیری بعمل آورد .
- ۲- کنترل رهبران - در شرائط بحران اجتماعی ، تصمیمگیری های سریع ضرورت پیدا میکند و اغلب عملاً " کشمکشهاي شدید رهبران ، سند یکا را به پا فرازتر کردن از حقوق خود مجبور میکند . بدین جهت کمیسیون طی هماهنگی بیشتر یک ارگان هماهنگ کننده است تا يك واحد رهبری مرکزی . در جریان بید گشیع - در مارس و آوریل ۱۹۸۱

-
- ۱- ترکیب " بین العرفهای INTER-PROFESSIONNELLE " برای نهادیم .
 - ۲- حدوداً یکصد و چهل نسخه سند یکائی وجود داشت .

هیات رهبری به سرکردگی "لش والزا" تضمیم فردی خودش را جایگزین تصمیم دموکراتیک حاکم در سند پکا کرد ، که بشدت مورد اعتراض قرار گرفت به این مناسبت نامه سرگشاده اعتراض آمیزی از سوی "گویارا" (GWIAZDA) به لش والزا نوشته شد (۱) اول . موذلوزکسی (K. MODZELEWSKI) از مقام خود بعنوان سخنگوی طیسی سند پکای همبستگی استعفا کرد (۲) فراوانی نوشتجات از زمان وضع مقررات جدید به شکل تغییر و تعریفک رپیده شد . با بها رادن بسر زیر ساخت سازمان (BASE) و قابلیت عزل رهبران نسبت به افزار وارگی (مکانیسم) «نظامت بر خود» (۳) توجه شده است . بر حسب متون تهیه شده در سطح ملی سند پکای همبستگی ، انتخاب کنندگان میتوانند انتخاب شده خود را عزل نمایند . (۴) و خواسته شده است که قدرت "خبرگان" در امر مشاوره و پند و اندرز تقلیل پیدا کند .

۳ - تعدد عقیده در داخل سازمان - رهبران همبستگی اغلب طبقه بندی مورد استفاده مطبوعات تحت عنوان "رادیکالها" (Tendroha) و -

۱ - در نشریه AGENCJA PRASOWA شماره ۱۲ نامه چاپ شده است .

۲ - در نشریه AGENCJA PRASOWA شماره ۱۲
۳ - با Auto - Controle برابر نهاده ایم .

۴ - با یک چنین اصل سنجیده مای است که برای دموکراسی صفات صحیح اجرایی بدست می آید و هرگاه و هر لحظه انتخاب شده مای نسبت به آنچه که باید طبق تصمیم دموکراتیک اقدام نکرد و بهره‌وریها نهایی از آن عمل کرد میتوان او را حقی عزل کرد این اصل وصول شبهه آن توده مسروط را از پکسواز چنند پارلمان تاریشم غربی و سوسیال دموکراسی و از سوی دیگر از منسالاری متمرکز یا سانترالیزم دموکراتیک که خاص جوامع با اصطلاح سوسیالیستی است رها می سازد و پندار خود را جامه عمل می پوشاند .

و "محافظه کاران" را رد اما بر ضرورت گونه گونی عقاید تکیه میکند . فرمای حادثه بید گوشج یکی از همین صاحب نظران چنین نوشت :

"دموکراسی یک وضعیت است که همیشگی نیست باید همواره دوباره بدست آید و مرتب تکمیل شود . (۱)

همینطور سند پکای همبستگی سعی دارد به بحثها و مخالفتها بطریقه در داخل سند پکای همبستگی یک حالت مسالمت آمیز و نیرو بخش بد هد که بتواند به اراده همبستگی بیشتر کمک کند و زنجیرهای انحراف را محکمتر سازد .

سند پکای همبستگی در جستجوی تعیین اصول نظام دموکراتیک مبتنی بر تعدد عقیده ها میباشد . برای اینکار دو مفهوم مورد مذکوره است ، یک عده معتقدند ، تعدد عقیده ها باید خود را در محور اصلی برنامه های مختلف ارائه نده سازمان ره دهد ، عده دیگر عقیده دارند باید خود را به گروه بندیهای منافع اجتماعی بر اساس کارخانه ها و مشاغل محدود سازد . چون این دو مفهوم در اصل با هم تضاد های عده پیدا نمی کردند کگره (M.K.Z.) کمیسیونهای منطقه ای بین المؤسسات نتوانست این دو را تواناماً مورد بررسی قرار دهد . بعد از مباحث مختلف درباره برنامه های ارائه شده بالاخره بر اساس پیشنهادات موجود ، چهار رکن برای تنظیم اساسنامه و بعنوان سوپایهای اطیبان دموکراسی مورد توافق همه قرار گرفت :

- ۱ - قبول اصل حق معزول ساختن تمام ارگانهای انتخاب شده .
- ۲ - محدود ساختن اختیارات نمایندگی ها .
- ۳ - وسعت بخشیدن به نقش کمیسیونهای نظارت .
- ۴ - قبول اصل خود مختاری کامل برای سازمانهای زیر ساخت . (۲)

۱ - بولتن M.K.Z. دوشو ۲۴ آوریل ۱۹۸۱ شماره ۲۲

۲ - مجله آلت ناتیو شماره ۹ مارس و آوریل ۱۹۸۱ صفحه ۴

بدین ترتیب ، تأمل و اتحاد عمل سندیکای جدید و مستقل لهستان بدون اینکه سیستم حکومتی را مستقیماً مورد سوال قرار دهد ، با اینکه نیروهای مردمی امکان استفاده از وسائل دموکراتیک را در اداره امور خودشان در سطح کثیر و در سطح موسسه فراهم میسازد .
ما این حق مردم لهستان را ارج می نهیم و خود را با آنان همبسته و همکار میدانیم . اما آینده نشان خواهد داد ابرقدرتهاي غدار تا چه حد اجازه خواهند داد این امید خلق تحقق یابد و آرزوی بیان شده از جانب کمیسیون بین الموسسه‌ای منطقه "لودز" (LODZ) تحت عنوان "یک سوسیالیست انسانی که برای حقوق انسانها و برابری همه احاد اجتماع احترام قائل باشد" جامعه عمل به تن کند .

۳- سازمان سندیکاهای همبستگی

اولین گروه رهبری سندیکاهای جدید در سپتامبر ۱۹۸۰ داوطلبانه از اعضا کمیته بنیانگذار کمیته اعتضاب یا بقولی کمیته آماده کننده اعتضاب که در اوت ۱۹۸۰ انتخاب شده بودند مشکل گردید و مراسم انتخابات را خلی سندیکا در نوامبر همانسال شروع شد . کمیسیونهای مؤسسات و گروه سربرستی آن در آخر زانویه ۱۹۸۱ انتخاب شدند و انتخابات کمیسیون منطقه‌ای در زوئن و اویین کنکره ملی سندیکا در ۳۱ اوت ۱۹۸۱ گشایش یافت که مسا متعاقباً "شمای" ساختار سندیکا همبستگی ملی و منطقه‌ای و مؤسسه‌ای را نشان خواهیم داد .

بطور کلی آنچه که بنام سندیکای "همبستگی" در نزد دولت لهستان به ثبت رسیده و در جهان شهرت یافته است مشکل از سه گروه میباشد که خوبست این سه گروه را که تقریباً دارای طرز تفکر منفک از یک یگر میباشد بشناسیم :

اولین و مشهور ترین در عین حال فعالترین و پرقدرت ترین گروه که عملیات روزانه سندیکای همبستگی به قوه ابتكار او انجام می گیرد گروه همبستگی

است .

دوسین گروه گروهی است که خود را از قید سندیکاهای رسمی (C.R.Z.Z) رها ساخته و تحت عنوان "سندیکای رشته های صنعت" معروفیت یافته است . وبالاخره گروه سوم "سندیکای حرفه‌ای خود مختار" که اغلب برای نامیدن خود از واژه همبستگی (متعلق به گروه اول) استعانت می‌جوید و اظهار میدارد که یک سندیکای "مستقل و خودگردان" است . لازم به یاد آوری است بحالت اینکه "سندیکای رشته های صنعت" قبل از شهترسید می‌بود (این گروهی که خود را از نفوذ سندیکای رسمی رها ساخت و به سندیکای همبستگی لهستان پیوست) از نظر قضائی میتوانست از میراثی که به او رسیده بود استفاده نموده و رحمت ثبت مجدد را بخود ندهد . اما صنعت ساختمان که او نیز متعلق به سندیکاهای رسمی بود و از آن جدا شد این از شیوه را نپذیرفت و با مراجعته به رادگاه (مرکز ثبت) تحت عنوان پیک سندیکای جدید " خودگردان و مستقل " خود را به ثبت رسانید در ضمن بعنوان سندیکای "صنعت ساختمان " باقی ماند .

بعلاوه رشته های دیگر صنعت که آنها نیز از سندیکاهای رسمی جدا شدند بدون اینکه مجدداً خود را به ثبت رسانیده باشند از عنوان سندیکاهای "مستقل و خودگردان" یا "مستقل " به تنهائی یا " خودگردان و مستقل " استفاده کردند . طبیعی است به نفع دولت بود که آنها را به رسمیت بشناسند زیرا قبل از "رسمیت داشتند" . محتوى این سندیکاهای نیزی توانست تغییر نکند چون در این صورت از عاقلهایکه به راه افتاده است عقب ماندند . لهذا بدنبال چاره دیگری بودند، چارما یکه تازه نبود و آن اینکه، مفهوم خودگردانی را طور دیگری تفسیر کنند ، همانطوریکه دولت خودگردانی را تفسیر و تعبیر کرده است و ما تعبیر دولت را از خودگردانی در این بخش آورده‌ایم طرح دولت در خودگردانی تفاوت‌های زیادی با خودگردانی سندیکاهای همبستگی دارد .

در زیر مقاله د. پوزاک دبیر سندیکای همبستگی ورشورا ملاحظه خواهید کرد .

تمام افعال و فعالیتهای سند پکائی با وسوس و وقت کامل بکار آندازد ، آنوقت است که اتحاد به ما علا " مستقل خواهد بود و نه فقط در نام . بعلاوه سند پکاهای ما مستقلند یعنی تحت نفوذ احزاب سیاسی قرار ندارند . زیرا طبق توافقنامه گذانشک اتحاد به ما غیر سیاسی میباشد . بدین معنا : مشکلات سیاسی و رهبری حکومت تحت اختیار دولت و حزب است . طبق قانون اساس نظام ما ، دولت و حزب باید کاملاً " مراقب منافع حکومت و همه کارکنان باشند . اما همانطوری که حوارث سالهای اخیر شناساندن دارد این کافی نیست . ما بایستی قطعاً " و با استقلال کامل مراقب منافع هر کارگر باشیم و با استقلال کامل مراقبت نعایم تا مشکلات بزرگ (اجتماعی یا سیاسی) مشکلات روزمره مردم را لوث نکنند . چنانکه هر آدم بالغی میداند زندگی روزمره مهترین جنبه زندگیست .

چنین روشهاي خلاف خود را اینست . در سند پکاهای ما که بندا بر توافقنامه گذانشک می خواهند بطور خود کردن اداره شوند چنانکه کوشند مای در مقابل مصالحای قرار کنند که خودش نمی تواند آنرا حل کند به سند پکالیستهای که انتخاب شده اند مراجعه میکند ، آنها هستند که بالاجماع راه حل مشکل را پیدا می کنند و طبیعتاً آنرا باطلایع ارگانهای بالاتر سند پکا میرسانند خود را با آنان هماهنگ می کنند ، آنان حتی میتوانند در صورت لزوم در تصمیمات خود تغییراتی بدهند ولی ملزم بـ اینکار نیستند .

سند پکای خود کردن با این کش خود را از یک سند پکای منعکسر متفاوت میسازد که مقامات بالاتر سند پکاهای خود کردن قادر به فسخ تصمیم کش بوسیله مقامات پائین تر و در حیطه فعالیت خود آنان اتخاذ شده نمی باشد . مقامات جند پکائی قبل از هر چیزی به تکمیل روابط بین سند پکالیستها و کارفرمایان می بروزدند . آنان مراقبتند تا بر اساس قوانین ، همه مقررات اجتماعی توسط کارفرمایان محترم شمرده شوند و خواسته ای که موضوع یک توافقنامه بود ماند با وقت و نعام و کمال و در مهلت مقرر توسط کارفرمایان به اجرا درآید . در همه مسائل رهگری که مینتوانند مربوط به کارکران باشند این مقامات سند پکائی هستند

" اخیراً " تجدید تشکیلات سند پکاهای قبلی متعلق به شورای مرکزی تحت عنوان جدید سند پکای " مستقل " جلب توجه کرد . این عمل عبارت از جدایی از " شورای مرکزی سند پکا " و تشکیل سند پکاهای آنرا مثل سند پکای معلقین ، سند پکای فائزکاران و ... این جدایه نهای که طبق رسم قدیمی جنبش سند پکائی (سند پکاهای رسمی) نتیجه تصمیمات اتخاذ شده از بالا میباشد و نه حاصل رای مجمع عمومی خود سو توافقنامه را برمی انگیزد زیرا اغلب راسته نیست آیا چنین سند پکائی واقعاً " مستقل است یعنی بر اساس توافقات گذانشک بوجود آده یا اینکه همان سند پکاهای قبلی میباشد و فقط نام خود را تغییر داده است .

ما ضروری میدانیم بطور خلاصه مفهوم خود گرد اینی واستقلال را بـ نهاد رهگر همه مردم دنیا و نه مانند در رک آنها آنها یکه خیال میکنند آن فقط عبارت از یک تغییر نام است باطلایع برسانیم . استقلال فقط و فقط زیر نسفون دیگر سازمانها نبودن است . سند پکای کارگران " مازوی " میخواهند نسبت به کارفرمایان ، حزب و دولت استقلال را اشته باشند .

فراموش نکیم که میکوشیم استقلال سند پکاهای ، زیرا ما بعنیله شهر و ندان جمهوری خلق لهستان و طبق توافقات گذانشک نقش رهبری حزب اتحاد کارگری لهستان را در حکومت امامه در سند پکاهای مستقل قبول را دریم .

مشاهده میکنیم که تمام قوانین جاری دولت مان با آنچه که ما بعنیله اساسنامه تنظیم کرد هایم مطابقت دارد . وقتی ما میکوشیم که سند پکاهای ما از حزب و دیگر سازمانها مستقلند این حرف قبل از هر حیز بدین مفهوم است که هر عرصه و سند پکا در فعالیت سند پکائی خود فقط بخاطر منافع سند پکا و نه بخاطر این یا آن سازمان اجتماعی یا سیاسی که بدان تعلق دارد کارمیکند . این امر واقعیت نخواهد داشت مگر زمانیکم هر سند پکالیستی این اصول را در

که با تفاوت همه سند یکالیستها تصمیم میگیرند.

البته اینها اصول کلی خود گردانی هستند. خود گردانی نه به مفهوم تشکیل جلسات مدام و نه به معنای افتتاحی و بی نظمی است. ما کسانی را که مورد اعتماد مان هستند انتخاب می کنیم و آنچه را که در داخل سند یکاهای مستقل و خود گردان این اعتماد را افزایش میدهد با صراحت میگوییم. ما به کسانی اعتماد خواهیم داشت که:

- منحصراً برای منافع سند یکا فعالیت نمایند.

- کاملاً و با درقت تمام مراقبت نمایند تا کارفرمایان تمام قواعد اجتماعی و مقررات مربوط به دستمزد را رعایت کند.

- اعمال کارفرمایان را آنچنان کنترل کند تا آنان نتوانند به منافع کارگران لطفه وارد آورند. این مراقبت نه فقط باید زمانیکه منافع کارگران در اثر نادرستی روابط بین کارگران و کارفرمایان یا در اثر سو^و نیت مدیریت مورد تهدید قرار میگیرد انجام پذیرد بلکه زمانیکه خسارات وارد شده به موسسه و کارگران میتواند مولود عدم صلاحیت و لیاقت در مدیریت باشد نیز باید رعایت گردد. قبل از هر چیز ما به مقامات سند یکاهای که خود انتخاب کرد هایم تا توصیمات را با حسن نیت اتخاذ نمایند. و همه مسائل مهم را با مجموعه اعضاء به شور و مشورت بگذراند اطمینان میکنیم.

مقامات غور گردان مابدنبال خواستهای توده مردم حرکت می کنند اما مقامات سند یکاهای مرکزی قبلي (منظور سند یکاهای رسمی با مشخصات سند یکاهای لبنی است) بدنبال رهنمودهایی که از بالا صادر میگردند در حرکت بوده اند. بدین ترتیب است که باید از سند یکاهایی که جزو برنام مستقل و خود گردان نیستند صرفنظر نمود زیر آنها در واقع هم وابسته وهم مرکز مسی باشند. (۱)

روش ۱۸/۹/۱۹۸۱

۱- به نقل از "آلترناتیو" شماره ۱۲ سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۱ انتشارات

انتشارات پریوا صفحه ۴۳

ماضیرو - پاریس

۴- اساسنامه و ساختار سند یکاهای همبستگی

"جان الشچویسکی" (Jan OISZEWISKI) یکی از رهبران همبستگی "در مجله هفتگی همبستگی" شماره ۱۹۸۱ درباره اساسنامه و ساختار سند یکای همبستگی چنین اظهار میدارد: (۱)

طرح اساسنامه سند یکای همبستگی زمانیکه اعتراض گذانش شروع شد بوسیله یک گروه از "کلا" راه‌کشی بر اساس استدلالها و برآهین تئوریک تهیه گردید. آن طرح تا اندازهای مبتنی بر موضوعاتی بهای خاص زمان بود که بعداً تحول یافت و تبدیل به اساسنامه سند یکاهایی گردید که بمرور بوجود آمدند. اساسنامه مذکور برای احتیاجات زمان و بجهت کمک به اعتصابیون گذانش تهیه شده بودند، به همین دلیل از نظر ساختار در دو سطح قرار داشتند.

- سازمان دهی مؤسساتی
- سازمان دهی منطقه‌ای

در آن اصل انتخابات مستقیم بدون حدود ساختن تعداد کاندیداهای پذیرفته شده بود.

تواافقنامه گذانش دو نوع ساختار را برای سند یکا در نظر گرفته بود، یکی سند یکای صنعتی و دیگری سند یکای منطقه‌ای این دو از پیکو نظرسارات و ولت و از سوی دیگر نظرات کارگران (گذانش) را در بر میگرفتند، در آن زمان نی شد فکر کرد در فاصله چند روز سند یکاهایی جدید در تمام کشور تشکیل گردند. در سپتامبر همان سال در موقع برگزاری کفرانس کمیته‌های جدید "کمیسیونهای منطقه‌ای بین المؤسساتی" گذانش "در اثر تمايل مشترک همه" هرگز کنندگان، شکل نازهای از سازمان دهی ظهور پیدا کرد.

۱- به نقل از "آلترناتیو" شماره ۱۲ سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۱ انتشارات
ماضیرو - پاریس

طبق آن باقیستی هر سازمان رو باره تشکیل میشند و یک سطح جدید تصمیم گیری با آن دو مرحله قبلی (تصمیم گیری در سطح مؤسسه و در سطح منطقه) اضافه میشند . این مرکز ، ساختارها ، عملکردها و مسائل سندیکاهای را تغییر میدارد و این تغییرات بعنوان زیر ساخت اساسنامه ابتدائی ، تقریباً "بسیله همه" کمیسیونهای منطقه ای بین المؤسسات پذیرفته شد . بدین ترتیب بود که اساسنامه ها نزوع به پیاره شدن در سازمانهای شدند که رارای شیوه های کار متفاوت بودند .

نامبره که متصدی امور اساسنامه های سندیکاهای همبستگی است در جای دریگ میگوید :

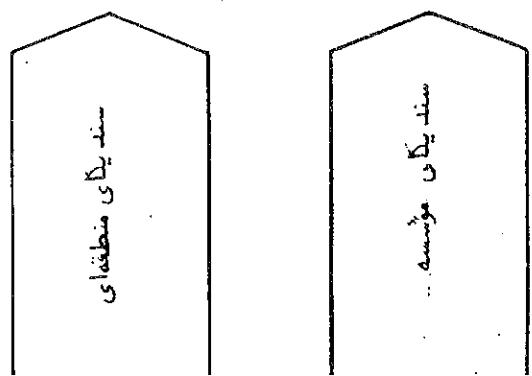
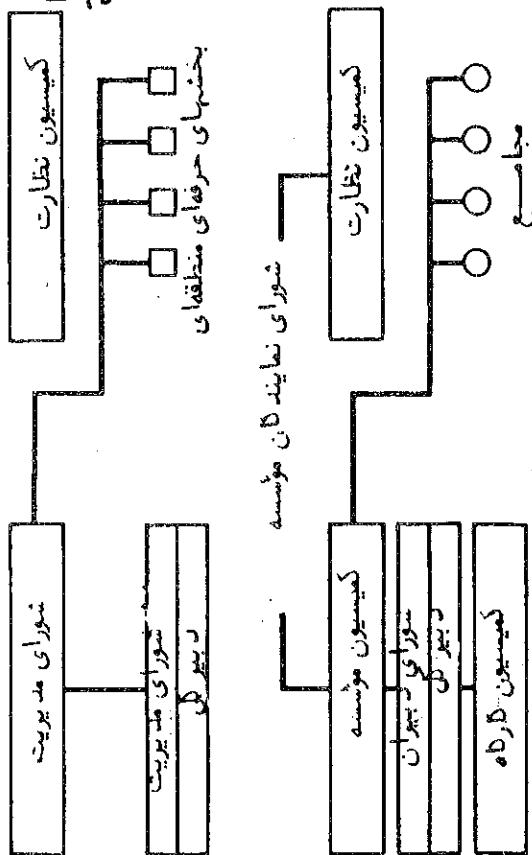
اما درباره تضیین وضعیت دموکراتیک اقدامات سندیکا چهار "سویاپ اطمینان" در نظر گرفته شده است .

- قبول اصل معزول ساختن همه افراد و ارکانها .

- محدود ساختن نایندگان (هر فرد پشت سر هم دو بار بیشتر نمی تواند به نایندگی انتخاب شود) .

- افزایش نقش کمیسیونهای نظارت .

- پذیرش خود مختاری کامل سازمانهای زیر ساخت .



کنگره سندیکا های هم بستگی

بخش ششم

بعد از اولین کنگره ملی سندیکا هم بستگی دیگر هیچ جای شکی نمی ماند که آن یک انقلاب اساسی در جامعه لهستان میباشد، که از او، ظهور پیدا کرد، سندیکا مستقل و خود گردان از بطن اختصاصات سوا، بالتیک متولد شد، قدرت، تجربه و ظرفیت سازماندهی ای یافت که تا آن سایقه نداشت. در خلال ۱۸ روز (از ۱۰ سپتامبر و از ۲۶ تا ۷ اکبر) یک برنامه و اساسنامه موکراتیک و یک رهبری ملی برای انتخاب نمود. نمایندگانش بعد از طی یک مرحله طولانی انتخابات در داخل موسسات، سپس در هر منطقه برگزیده شدند. بدین ترتیب کارکران هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه ای و هم در موسسه را واقعی خود را پیدا نمودند. هر کدام از آنها در ارتباط با تهیه بر برقراری رابطه با انتخاب کنندگان خود مسئولیتی بعده گرفتند. تا ۹۵٪ کارکنان موسسات صنعتی در این انتخابات شرکت نمودند. هر از نمایندگان در باره یک موضوع به مطالعه پرداختند. بدین ترتیب کارکر در باره بهبود و گسترش برنامه ملی سندیکاها به تعسیس پرداخت آنها در دو مرحله در ۱۲ شهر بدرو هم جمع آمدند.

اطلاعات آنها کامل بود: همه روزه روزنامه های سندیکا خلاصه اط و نتایج مربوط به روز قبل کنگره را در اختیار همه کارشنان کسوز قرار می

الف- از مرحله نهاینده ای

کنگره

و اتحاد سوری شکل میشوند برای هر ناظری به روشنی نمایان بود. غالباً ط مراسم کنگره ای را که در آن نمایندگان در سکوت کامل در اطراف کمیته مرکزی و دبیر اول جمع می آیند می شناسیم. در این نوع کنگره ها معمولاً "برقراری رابطه بین نمایندگان غیر ممکن، بین نتیجه وغیر مفید است. فقط باید به گفتار گوینده که در پشت تریبون قرار گرفته لفاظی و سخن پراکنی می کند گوش دارد و با اولین اشاره دفتر سیاسی به کفر زدن و همراه کشیدن مشغول شد.

اما در کنگره سند یکای همبستگی هرگز اینطور نبود، نمایندگان سند یکای ۲۰ گروه تقسیم شده بودند. در اختیار هر کروه یک بلندگو قرار داشتند و آنها میتوانستند هر موقع که ضرورتی ایجاد می کرد حرف بزنند (کافی بود قبلماً وقت می گرفتند)، نمایندگان می توانستند با یکدیگر مشورت نمایند، اطلاعیه بد هند، اطلاعات و تجربیات و نظرات خود را رد و بدل سازند.

علاوه بر همه اینها، قریب دوهزار نفر میهمان و ناظر گفتگوها را نظاره میکردند. در خارج از محل کنگره در خیابانهای اطراف هزاران نفر برای شهیدن پیشها از بلندگوها جمع شده بودند.

این کنگره، نمایندگی اکثریت قریب به اتفاق یک جامعه را داشت، نمایندگانی که توانسته بودند خودشان اموی خود را در صفت پذیرفته، در و افسوس نهاده راه رودند. پیگر از کنگره خبری نبود و بیشتر محل بعثت آوارگ شده بودند. هیچ پلکاری از خودشان در پاره مسائل مختلف از قبیل " مجلسی، کارگری " و " مساجد " وجود نداشتند که پایه داشتند. آنرا می پنجه برداشتند.

کار و خدمت نمایندگان نمایان میگذرد که از نمایندگان شرکتی این بیان میگردید که کمالاً " عرض شده است: تدویر از قوق، اعلان از ای اور همه " مطلع بودند. همچنان که مانعهای دو ولت هرای از میان میگردیدند که در کنگره سند یکای همچنانی نمایندگی نداشتند. و کاری از پیغمبر نبود و همچوکس نویفانه قول و قرارهای همینها را بر عکس نمایند یکا مصالح قدرت سیاسی یکی از پیش از این میگذرد که بودند. همچنان نصیحتهاشیم شرکت سیاسی را در دست خود بگیرید اما ما از آینین پس همینها را

را بر دیوارها زده بود کنگره نیز این شعار را تائید کرد و پیامی به کارگران اروپای شرقی فرستاد و گفت کارگران اروپای شرقی متحد شوید جطه به شکل زیر ختم میشد. " ما امید فراوان داریم که بزوی نمایندگان و نمایندگان ما بتوانند با هم تبادل نظر کرده و تجربیات سند یکای خرد و بدل نمایند. " البته نباید فراموش کرد که این عمل بخصوص پیام کارگران شرق یکی از اشتباهات تاکتیکی بود زیرا بعداً مقامات شوروی دول شرق گفتند که سند یکای خودگران لهستان در امور داخلی مالا دخالت و آنها را تحريك میکند.

بـ- یک برنامه دموکراتیک

سند یکای همبستگی تا روزهایی که اولین کنگره ایشان را تشکیل می نشان داد فراتر از یک سند یکای میانه در عین حال حزب سیاسی هم زیرا اعمالش نشان داد که نمی تواند پلیتیک سیاسی باشد بلکه جنبه همبستگی یک جنبش آزاد بخواهانه اجتماعی و ملی بود که بوسیله تولد کو واقعیت یافت و یک عکس العمل، از سوی کروهی از رهبران مخالف حزب نبود. بنابراین برنامه ای را که اراده میدهد باید یک برنامه فراگیر باشد قدرت این را داشته باشد که همه آحاد ملت را در برگیرد و نیازهای شده آنان طی این سی سال و اندی را برآورده سازد. برنامه مصوبه کنگره را در بخش قبل ملاحظه نمودند. اما برخی از مباحثات و گفتگوهای کنگره از نظر دموکراسی اهمیت ویژه ای دارد که ما در اینجا به پاره ای از اشاره می کیم.

در کنگره همبستگی بین روشگران و کارگران اختلاف نظر پیش آمد اما از سخنگویان در باره وفتار غیر دموکراتیک سند یکای اعتراض کردند بیویو اندره گویازدا (ANDREZ GWIAZDA) ضمن یک تجزیه و

کورووسکی (STEFAN KUROWSKI) متخصص امور سندیکائی بـ مورد حمایت حضار واقع شد . او یک برنامه بدیل را برای خروج از بـ پیشنهاد کرد . برنامه اصلاحی او یک برنامه کلی بود که برآسas : کاهـ زیار سرمایه‌گذاری ، تغییر جهت در شالوده اقتصادی موجود ، انکـ پـیش خصوصی و گسترش بازار آزاد استوار شد بـود . تحت چنین شرـ با احتساب سیاست جدید کشاورزی دولت ، قول بهبودی سریع اوضاع اـ را مـیدـهد . اور برنامه خود روی خود گردانی با تأکید بر استقلال مـالـ تجاري پـافشاری کـرـده برای افزاروارگـی هـای اقتصادی امتیاز خاص قائل مـیـ اـین برنامه مـترـقـی بـوسـیـله نـمـایـنـدـه شهرـ " رـادـوـم " کـه برنـامـه اقـتصـادـی وـاجـتـهـ دـ فـرـاسـیـون بـراـی یـكـ لـهـسـتـانـ مـسـتـقـلـ (۱) رـاـ تـقـدـیـمـ کـنـگـرـهـ مـیـ کـنـدـ مـورـدـ وـحـمـایـتـ قـرارـ مـیـ کـیـدـ . اـینـ نـمـایـنـدـهـ حـذـفـ اـمـتـیـازـ اـنـحـصارـیـ دـولـتـ دـرـ بـ تـجـارـتـ خـارـجـیـ رـاـ نـیـزـ بـهـ اـینـ بـرـنـامـهـ اـضـافـهـ مـیـکـنـدـ .

ایـنـ طـرـزـ تـفـکـرـ قـوـیـاـ بـوسـیـلهـ گـروـهـ طـرفـدارـ اـقـتصـادـ کـهـ توـسـطـ نـمـایـنـدـهـ بـیـانـ کـرـیدـهـ بـوـرـدـ شـدـ اـینـ نـمـایـنـدـهـ اـظـهـارـاتـ قـبـلـیـ رـاـ فـرـیـبـنـدـ خـوانـدـ وـکـ بـایـدـ اـزـ وـاقـعـیـتـ حـرـکـتـ کـرـدـ وـمـوـدـمـ رـاـ بـهـ اـمـیدـ مـعـجـزـهـ رـهـاـ نـکـرـدـ وـکـ بـخـواـهـیـمـ پـیـشـنـهـادـاتـ اـسـتـفـانـ کـوـرـوـسـکـیـ وـ "ـ فـرـاسـیـونـ بـراـیـ لـهـسـتـانـ مـسـتـقـلـ دـنـبـالـ کـیـمـ هـمـهـ مـعـطـلـ وـهـمـهـ اـمـوـرـ دـرـ تـعـطـیـلـ خـواـهـنـدـ مـانـدـ . حالـ آـنـکـهـ زـمانـیـ اـسـتـ کـهـ بـایـدـ هـمـهـ کـشـوـرـ بـهـ حـرـکـتـ دـرـ آـیـدـ . اـولـینـ گـامـ بـسـوـیـ یـكـ چـ

برـنـامـهـهـائـیـ سـطـحـ قـیـمـتـهـ رـاـ ۲۰ .۰ % اـفـزـاـشـ خـواـهـدـ دـارـ . حـرـفـهـایـ بـرـسـیـلـهـ نـعـدـ اـدـ زـیـارـیـ اـزـ خـبـرـکـانـ اـمـورـسـنـدـ یـکـائـیـ مـورـدـ تـائـیدـ قـرـارـ گـرفـتـ گـوـیـنـ ۱ - KPN گـوـدـانـنـدـهـ اـینـ کـنـدـ رـاسـیـونـ شـخـصـ بـودـ بنـامـ موـرـوـلـسـکـیـ کـ آـنـدـ ۱۹۸۱ـ آـنـدـ ۱۹۸۱ـ بـاـتـفـاقـ دـوـتـنـ اـزـ رـفـقاـیـشـ دـسـتـگـیرـ شـدـندـ /ـ دـارـکـاهـ آـنـهاـ کـ رـوزـ ۲۷ـ آـورـیـلـ بـودـ بـهـ تعـوـیـقـ اـفـتـارـ وـچـنـدـ رـوزـ بـعـدـ آـزارـ شـدـندـ . ولـیـ اـزـکـوـدـتـایـ دـسـامـیـرـ ۱۹۸۱ـ اـکـثـرـ اـعـضـاءـ فـعـالـ اـینـ سـازـمانـ بـهـ جـسـهـایـ طـواـحـ مـحـکـومـ گـرـیدـندـ . اـینـ سـازـمانـ دـارـایـ انـکـارـنـاسـیـوـنـالـیـسـتـیـ مـتـرـقـیـ اـسـ

"ـ خـبـرـکـانـ "ـ دـفاعـ نـمـودـ وـ گـفتـ مـاـنـعـ تـوـانـیـمـ آـنـهاـ رـاـ مـتـهمـ کـیـمـ کـهـ سـنـدـیـکـاـیـ رـاـ دـاشـتـ کـارـیـ مـیـ کـنـدـ . مـاـ بـایـدـ بـهـ نـقـطـهـ نـظرـهـایـ آـنـهاـ کـوشـ کـیـمـ وـ باـ تـوـجهـ بـهـ اـخـتـلـافـ نـظرـهـاـ اـنتـخـابـ خـودـ رـاـ اـنـجـامـ رـهـیـمـ . (۱)

یـکـ دـیـگـرـ اـزـ نـمـایـنـدـکـانـ کـهـ نـمـایـنـدـهـ وـرـشـوـبـودـ اـظـهـارـ دـاشـتـ "ـ مـاـ دـرـ حـالـ حـاضـرـ گـرفـتـارـ بـحـرـانـیـ هـسـتـیـمـ کـهـ هـمـهـ رـاـ فـلـجـ کـرـدـ هـمـهـ مـیـخـواـهـنـدـ اـوضـاعـ تـغـیـیرـ کـنـدـ . اـماـ هـیـچـکـسـ نـعـیـ رـانـدـ چـگـونـهـ بـهـ کـارـگـرـکـانـ کـمـ کـنـدـ ؟ـ چـگـونـهـ یـكـ مـحـیـطـ اـمـنـ بـرـایـ کـارـکـرـدنـ فـراـهمـ گـرـدـ ؟ـ چـگـونـهـ زـنـدـکـیـ مـاـ بـهـترـ شـوـدـ ؟ـ اـینـهاـ مشـکـلـاتـ اـسـاسـیـ مـاـ هـسـتـنـدـ . مشـکـلـاتـ کـهـ هـرـ گـوـشـنـدـهـ رـاـ بـخـودـ مـشـغـولـ سـاخـتـهـانـدـ وـقـسـیـ نـعـیـ تـوـانـیـمـ رـاهـ حلـ اـینـ مـسـائلـ رـاـ پـیدـاـ کـیـمـ گـنـاهـ رـاـ بـکـرـدنـ رـوـشـنـفـکـرـکـانـ مـیـانـدـ اـزـیـمـ وـازـ آـنـهاـ پـیـراـهـنـ عـشـانـ دـرـستـ مـیـکـنـیـمـ . (۲)

درـمـوـقـعـ اـنـتـخـابـاتـ بـرـایـ مـقـامـ دـبـیـرـ کـلـ سـهـ رـقـیـبـ وـجـودـ دـاشـتـ کـهـ هـرـ کـمـ اـمـ دـرـ اـنـتـخـابـاتـ خـودـ رـاـ نـسـبـتـ بـهـ اـعـمـالـ دـبـیـرـ کـلـ قـبـلـیـ بـهـ رـاـحـتـیـ بـیـانـ نـمـودـنـدـ وـهـرـ کـمـ اـمـ بـهـ شـیـوهـ خـاصـ خـودـ اـینـ مـفـهـومـ رـاـ تـکـارـ کـرـدـنـ "ـ هـرـ گـوـشـنـدـهـ سـنـدـیـکـائـیـ دـرـ هـرـ سـطـحـیـ مـیـ خـواـهـدـ بـاـشـدـ بـخـصـوصـ اـکـرـدـ رـسـطـحـ بـالـیـ سـازـمانـ قـسـارـ کـبـیرـ بـایـدـ رـوـابـطـ خـودـشـ رـاـ بـاـ کـارـگـرـکـانـ حـفـظـ کـنـدـ . یـکـ اـزـ آـنـهاـ بـنـامـ "ـ مـارـیـانـ جـوـرـسـیـکـ "ـ بـهـ دـرـسـتـ اـشـارـهـ مـیـکـنـدـ "ـ مـنـ طـرفـ دـارـ دـبـیـرـ کـاتـورـ نـیـسـتـ اـمـ طـرفـ دـارـ اـنـضـاطـ آـکـاهـانـهـ کـوـشـنـدـکـانـ هـسـتـ . "ـ (۳)

سـنـدـیـکـائـیـ هـمـبـستـگـیـ کـهـ قـبـلـاـ اـزـ اـرـاـئـهـ بـرـنـامـهـ اـقـتصـادـیـ خـودـ دـارـیـ مـیـکـرـدـ کـمـ کـمـ بـرـایـ بـهـبـودـ وـضـعـ اـقـتصـادـیـ پـیـشـنـهـادـاتـ رـوـشـنـیـ رـاـ اـرـاـئـهـ دـارـ .

درـ کـنـگـرـهـ دـوـ طـرـزـ فـکـرـ یـاـ دـوـ بـرـنـامـهـ اـقـتصـادـیـ بـرـایـ بـهـبـودـ اـوضـاعـ اـرـاـئـهـ شـدـ کـهـ هـرـ دـوـ دـرـ مـقـابلـ یـكـ دـیـگـرـ قـوـارـ دـاشـتـنـدـ . اـولـیـ بـرـنـامـهـ پـروفـسـورـ اـسـتـفـانـ

۱ - کـنـگـرـهـ سـنـدـیـکـائـیـ هـمـبـستـگـیـ - زـانـ اـیـتوـهـ مجلـهـ آـلـتـرـ نـاتـیـوـ شـمارـهـ ۱۳ ،

صفـحـهـ ۳۴

۲ - هـمـانـ مـاـخـدـ

۳ - هـمـانـ بـلـغـ

این سخنان خود روشی را به شرح زیر ارائه دارد.

باید به سوالهای زیر باسنگت: چه کسی باید بحران را جبران کند؟
کسانیکه در رفاهیت زندگی میکنند؟ او روش‌های انتقالی برای نظارت بر قیمتها
و توزیع را بمنظور برقراری یک اقتصاد عادی پیشنهاد می‌کند و بعد از آن
انکشاف خود گردانی را در مدد اکره با دولت که بتواند موجب یک اصلاح کلی
شود ارائه دارد، اضافه میکند: این ها علی نخواهند شد مگر با توجه به اصول
مهنی از قبلی، خود گردانی، برنامه ریزی، رعایت قوانین بازار، قبول
رجحان برای "مالکیت اجتماعی" هر وسائل تولید و ... (۱)

بعد از گفتگوهای زیاد بالاخره برنامه دوم رای اکثریت را بدست آورد.
به قول آلن تورن ملت لهستان بعد از اوت ۱۹۸۰ در کنار حزب دولتی،
بدون او و بی آنکه علیه او باشد زندگی کرد، در این مدت حزب کمونیست
لهستان در شرایط بسیار بدی قرار داشت، روز بروز ضعیف تر میشد، قدرت
تصمیمگیری خود را از دست میداد، یکپارچگی داخلی اش از همین میرفت و
سند یکای همبستگی توانسته بود با استفاده از طرفه اران خود در داخل حزب
ثبات سیاسی او را که مولود وجود یک جویی احساس و بسته بود به بازی
بگیرد. روش انتخابات دموکراتیک ساختار افقی حزب را در امر تصمیمگیری
از هم پاشید. اما هنوز حزب به اتحاد جماهیر شوروی و فارار بود و اتحاد
جماهیر شوروی آقای مطلق حزب.

اگر سند یکای همبستگی میتوانست بعد از سازمان دهی کامل خود بنا به
تمایل گروه تندر و نظام خود گردانی را در داخل کارخانه ها اعلام نماید
حزب دولتی علا " فقط تبدیل به دولت میشود" دولتی که قادر نبود نه زندگی
روزانه و نه اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه را تحت اختیار و نظارت خود
دانسته باشد.

یا اگر گروه دوم یعنی گروه محافظه کار داخل سند یکای موفق میشد آن
گروه محافظه کار داخل حزب وارد یک توافق بشود در این صورت حزب پا
ملی پیدا میکرد و ساختار کمونیستی شرق اش را از دست میداد و تبدیل
به "اروکونیست" میشد.

سومین فرض این بود که فرد ای کنگره برنامه اقتصادی بتواند خود
کرده و در حزب گروه جوان معتقد به اصلاحات عمل روی کار بپاید و سعی
با استفاده از روش‌های موجود در مجارستان یک سلسه آزادیهای وسیع
برای مؤسسات برقرار سازد و با اینکار سند یکای همبستگی را علا در ب
بست قرار دارد و آنرا تبدیل به یک سند یکای کاملاً محدود کند.

و بالاخره چهارمین فرضیهای را که آلن تورن ارائه میدهد (۱) این
یک ضد حمله حزب بر برنامه‌های کاملاً سیاسی و اجتماعی یعنی مبارزه
یک نظارت دولتی و اطلاعاتی و همینطور اتخاذ یک شیوه تهییج آمیز علیه
سند یکای همبستگی با استفاده از عدم رضایت یک بخشی از جامعه.

بدهکاری دولت لهستان به باانکهای کشورهای امپریالیستی عدم
کشور "برادر بزرگ" از نظر اقتصادی و پاکشاری او در قدر قدرتی هـ
کمونیست اوضاع اقتصادی جامعه را روز بروز به وحامت کشانید طوری که
مسائل اقتصادی همه چیز را تحت الشعام قرار دارد. با طرح برنامه دـ
کرد این برنامه‌های اصلاحات اقتصادی جامعه بمرور ابتکار را در مـ
مؤسسات خود گردان قرار می‌دارد. حزب از طریق دموکراسی و با توجـ
اصول رعایت شده در گنگه نهم خودنمی توانست برنامه‌ای را که از سـ
سند یکاهای همبستگی ارائه شده در کند و اصولاً اختلافات حاکم در رـ
حزب چنین اجازه‌ای را نمی‌دارد. از سوی دیگر تضاد فاحش بین سـ

سند پکاهای همبستگی و طبیعت حزب کمونیست لهستان در امر بدست گرفتن سند پکاهای را نمی پنده بودت به همین دلیل چاره ای برای حزب و همکاری و توافق با اتحاد جماهیر شوروی باقی نمی ماند غیر از مبارزت به شدت عامل و تسلی بـ قوای نظامی که باید درینجا زود با استفاده از یک موقعیت یا تحت یک بهانه به مرحله عمل درمی آمد تا امتیازاتی را که در این مدت از دست داده بـ سود پس میگرفته بعد اگر شرائط ایجاب میگرد سند پکای همبستگی را ناچار بـ صالحه و سازش کند.

پ - ترکیب کنگره همبستگی

لش والزا با ۵۵٪ آراء در دوره اول انتخابات بعنوان دبیر سند پکاهای خود گردان انتخاب شد در زیر ترکیب کنگره همبستگی را ملاحظه میکنید :

۱ - از نظر اشار اجتماعی :

- ۱۴٪ از نمایندگان کنگره کارگر بودند
- ۲۸٪ از روشنگران
- ۴۶٪ از کشاورزان
- ۵۵٪ پیشه ور کارگر - کشاورز

۲ - از نظر جنس :

- ۷۲٪ تعداد زنان

۳ - از نظر سن :

- ۵۰٪ اگریت نمایندگان (۵۰٪) کمتر از ۲۵ سال داشتند.
- ۳۰٪ بین ۳۶ تا ۴۵ سال داشتند.

۴ - از نظر رشته صنعتی :

- درین پرسنوجو که از ۲۰۱ نماینده بعمل آمد .
- ۴۳٪ در مؤسسات صنعتی تولیدی کار می کردند
- ۲۳٪ در موسسات بهداشتی کار می کردند
- ۶۷٪ در موسسات تعلیم و تربیتی کار می کردند
- ۲۰٪ در صنعت ساخت تمان کار می کردند
- ۴۰٪ بـ در موسسات حفظ و نقل کار می کردند

۵ - از نظر تعداد کارگران :

- درین پرسنوجوی دیگر که از ۸۹۶ نماینده بعمل آمد .
- ۳۱٪ از آنها در موسسات کمتر از ۵۰ مزد بگیر
- ۳۸٪ از آنها در موسسات ۳۰۰ - ۵۰۰ مزد بگیر
- ۳۱٪ در موسسات بزرگ که بالای ۳۰۰ نفر مزد بگیر داشتند کار میکردند
- که از داخل آن ۷٪ در موسساتی که بیش از ۱۰۰ مزد بگیر را داشتند
- کار میکردند .

۶ - از نظر عضویت در سازمانهای سیاسی :

- از ۲۰۱ نماینده که در پرسنوجو اول مورد سوال قرار گرفتند
- ۴۹٪ عضو حزب کمونیست لهستان بودند
- ۱۷٪ عضو حزب دموکرات
- ۶٪ عضو حزب دهقانان
- ۹٪ عضو سازمان جوانان حزب کمونیست
- ۱۷٪ کسانی بودند که قبل از عضو حزب کمونیست بودند که در لحظه تاریخی مختلف از آن حزب جدا شده اند (بقیه سوال را پاس نگرفتند) . (۱)

۲- کودتای نفلاتی

دو فیلم با ارزش درباره وضع اجتماعی لهستان که مربوط به اعتصابات سال اخیر لهستان بوده بنامهای "مرد مردمین" و "مرد آهنین" که رومی؛ جایزه کان ۱۹۸۱ شد، رئیس کانون نویسنده‌گان لهستان، و عده زیا نویسنده‌گان و شعراء، تقریباً همه اعضا موثر سند یکای همبستگی، در بی نشریه سولیدارنشیپ، دو شن از اعضا، کمیته مرکزی حزب کمونیست لهستان متأمیل به سند یکای همبستگی بودند و بالاخره لش والزا رهبر سند یکاه همبستگی دستگیر شدند.

طا در زیر خلاصه اخبار روزهای کودتا را برای اطلاع و یادآوری خوان درج می‌کیم:

بنا به اظهار رادیو لهستان در "سی لزی" در اثر درگیری بین کار معدنچی و نظامیان ۷ کارگر کشته شد. (۱۷ دسامبر ۱۹۸۱) در اثر دیگری که روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر در "گدانسک" بین مردم و قوای نزد بوجود آمد ۱۶۴ نفر از مردم عادی زخمی شدند. در "کاتویچه" مرک سقاوتهای کارگری در اثر درگیری بین کارگران و قوای نظامی تعداد زی رزخمی و چند نفر کشته بجا ماند.

در "سی لزی" که به قلب صنعتی لهستان مشهور می‌شد، سند یکای از اعتبار فوق العاده‌ای برخورد اراد است کارگران یکی از معادن را منفجر و اعلام داشتند؛ اگر پلیس دخالت کند معدن دیگری را نیز منفجر خواهند نمود. (آوازنس ناس) در درگیری که در این شهر روی داد ۲۱ کشته بماند. "آوازنس ناس" این تعداد را بین نظامیان و کارگران یکصد نفر می‌کند و اظهار میدارد ۱۳ هزار کارگر معدنچی در "اوناکاتویچه" ره ماند ماند و روز بعد این تعداد را به هزار نفر می‌خواند.

سه کارگاه بزرگ "گدانسک" بنا به رستور دولت نظامی تعطیل اوردند. اما "کارگاه کشتی سازی لنین" در "گدانسک" در رست کارگر اعتصابی است. (آوازنس ناس).

تانکها در همه خیابانها موضع گیری کردند. بنا به اظهار چند-

اگرچه در این سده اخیر بخصوص پس از انعقاد توافقنامه بالتسا مبارزات و جنگشای مردمی در برلین (۱۹۴۸)، یوگسلاوی (۱۹۴۸)، کره (۱۹۵۰)، بوداپست (۱۹۵۶)، براک (۱۹۶۸)، ویندام (۱۹۷۱)، السالوار در (۱۹۷۹)، شیلی (۱۹۷۳)، آرانتین (۱۹۷۱) و (۱۹۷۶) افغانستان (۱۹۷۹) بوسیله ابرقدرتها در هم گوینده شد اما کودتای نظامی عمال شوروی علیه سند یکالیستهای آزاد و مستقل و سوسیالیستی های انقلابی لهستان اهمیت ویژه‌ای دارد.

زیرا لهستان در واقع اولین و تنها کشوری‌لوك شرق بود که در آن بیک جنگش کارگری سازمان یافته و مشکل جدا از سیستم دولتی که در تمام بخششای مختلف صنعتی و کشاورزی و اداری جامعه ریشه دوانیده بود وجود داشت.

دیگری لهستان همچون پیشنهاد شیلی که نظام دموکراسی - مردمی آنده را با همکاری و بدستور امپریالیسم امریکا ساقط کرد کشتارها و سرکوب‌های خود را تحت عنوان نجات کشور از دست "افراطیون" و "آنارشیستها" توجیه می‌کند. همیشه در جنگ بین امپریالیسم غرب و بورکراسی دولتی شرق یک نتیجه عده‌های ظهور پیدا کرده، آن تحت فشار قرار دادن بیشتر مردم تحت ستم است به تائید و شهادت تاریخ، همواره شرق و غرب بر سر مالک تحت استعمار و استثمار خود سازش کردند. چنانکه تروم و استالیین بر سر مصاله لهستان به بهانه درگیری جنگ دیگری باهم ساختند.

بنا به گزارشای رسمی بدنبال کودتای نظامی در لهستان بین از هزار نفر از کارگران عضو و از رهبران سند یکای همبستگی، روش‌نگران، همه اعضا فعال "کمیته اجتماعی رفاقت از خود" (KOR) که کرد آنده واقعی اعتصابات ماه اوت ۱۹۸۰ هستند دستگیر شدند، تعدادی از اعضا، آکار می

نظامی روس و دو نظامی لهستانی وجود دارد و نظامیان همه جارا به اشغال در آورده‌اند. بر اساس گزارش سازمان حمایت سرخ مواد غذائی و مواد سوختی بسیار کم یاب شده است. اگر اوضاع با همین آهنجک ادامه پیدا کند احتمال اپیدمی زیاد است.

همه این حوارات درست در زمانی انجام شد که آقای برزنف هفتاد و پنجمین سال تولد خود را در مسکو جشن می‌گرفت. او اگر به مناسبت این جشن نی توانست شیرینی جشن تولد خود را برای کارگران لهستان ارسال دارد و یا حداقل با نان خالی شکم کرسته کودکان، پیرمردان و پیرزنان سوسیالیست لهستان را سیر نگهدازد و یا با ارسال دارو و مواد سوختی فرزندان بی گناه و بی رفاقت آنها را از زنج بیماری و سرمای سخت زستان نجات دهد، اما توانست تانکهای پیمان ورشورا به خیابان‌های لهستان گسلی دارد و سرمهای راغرا در بدنهای کارگران و مددچیان اعتراضی گرداند، شجین، سی لیزی، گدنیا، ورسو، کاتویچه و ... جای دهد. و اینکار واقعاً "نها میخواهد"!

الف - چرا و چگونه زمینه کردتاری ایشان شد؟

۱- نکاهی کوتاه کارنامه سندیکای همبستک

سندیکای همبستکی در حد بسیار کوتاهی توانست ۵٪ از طبقه کارگر صنعتی لهستان و زارعین کوچک، روشنگران، پیشه وران، رانش آموزان را بگرد خود جمع کند، بکونهایکه هر کدام از این قشرهای اجتماعی اخیر مستقلان سازمان حرفه‌ای خود را در رابطه با جنبش نوین کارگری لهستان پیجور آورند و در اساسنامه خود مواردی وا برای دفاع از حقوق کارگران از قبیل بهتر شدن شرایط کار، مسکن، بهداشت، برقراری یک نظام مکراتیک در محیط کارو ... گنجانیدند و در برآورده ساختن آنها بفعالیت

سندیکای همبستکی توانسته بود باتأکید بر روی خود گرانی و تنش شهرهای خود گران در کارخانه‌ها و محله‌ها خود را برای روپاروتوی بحران اقتصادی در سطح شهر و استان و کشور که جامعه را فلچ کر آماده سازد.

سندیکای همبستکی توانسته بود آزادی بیان را با وجود مقاومت در ماههای قبل از کودتای نظامی به دیوانسالاران تحصیل کند. علی‌غم کوشش دولت برای مختلف نمودن وضع توزیع مواد غذائی همبستکی موفق شد مبوب یک نظام نسبتاً عادلانه در توزیع مواد غذائی مرحله عمل درآورد.

بدین ترتیب، در برای چشم انداز مردم جهان لهستانی‌ها با سند همبستکی خود توانسته بودند بطور نسبی به یک انقلاب به مفهوم واق یابند.

مهم است که طرفداران حقوق دموکراتیک مردم و کسانیکه برای جلا از استثمار زعمتکشان مبارزه می‌کنند و مخالف رژیم‌های دیکاتوری و مرکز هستند، بدانند کودتای نظامی در لهستان چگونه انعام شد و برای یک نظام میلتاریستی چه روندی در سطح رهبری حزب کمونیست لهستان از یک سو و در داخل سندیکای همبستکی از دگر سو طی شد. اولین کوشش ما اینست با یک بازگشت سریع به نقاط عطف جنب

همبستکی این موضوع را در سطح جامعه لهستان در حد ممکن روشن همان‌طوریکه در مقدمه این بحث گفته شد نباید از نظر در داشت قدر بزرگ بر سر منافع خود و علیه مردم لهستان یکباره بیگر باهم سازش کرد با استناد به شواهد در قسمت (ب) به این موضوع نیز خواهیم پرداخت دیوانسالاران و نومان کلاتورهای لهستان از همان ابتداء با جنب شرقی کارگران مخالف بودند ولی چون کارگران از راه قانونی و مسالمت آوارد شده و بهانه‌ای برای سرکوب بدست مقامات دولتی نداد مبودند آن‌ها می‌توانستند صاحباً به شدت عطا سندیکاً ... ۱- گفت: ...

شروع شد و هنگامیکه مقامات دولتی همبستگی همه شهر و روستاها را علیه سند یکای همبستگی را مورد حرج و ضرب قرار داده بودند مشاهده نمودند و وقتی بدنبال آن اعتراض بدون سابقهای که به همین مناسبت بر پا شد یک خطر جدی را در مقابل خود ملاحظه کردند دریافتند که در آینده نه چندان دور، یا باید در مقابل این قدر تولد مای عقب نشینی نمایند و یا اینکه با آن یک برخورد قاطع کنند. و انگلی از نظر اقتصادی نیز سند یکای همبستگی تنها نیروی قابل و با کفايت جامعه بود که میتوانست در برآوردن نارضایتی های متراکم شده در جامعه توفيق یابد.

در همین ایام فراکسیون نظامی حزب و دولت به فعالیت افتاد. وزیرالیاف و وزیر امور اقتصادی معاون نخستوزیر بدولت معرفی و در فروردین ۱۹۸۱ به پست نخست وزیری برگزیده گردید. بلافضله آنکارا موضع ارتجاعی خود را در روزنامه نیروهای نظامی بنام "سریاز آزادی" انتشار داد. در مقاله‌ای که در ساندی تمایز ۲۰ دسامبر ۱۹۸۱ نوشته شد از قول سرویسهای خبری بریتانیا اظهار گردید که در آوریل همان سال ارتض لہستان از نظر ساختار اصلی، خود را برای دست زدن به یک سلسله اقدامات در جهت برقراری اختناق در جامعه آماره ساخته بود. در این رابطه تکیسین های شوروی و آلمان شرقی فعال بودند.

همزمان با این اقدامات بین کانیا و یارویل اسکی برای بدست گرفتن قدرت در داخل حزب کوئیست که چند پارچه شده و قدرتش تقلیل یافته بود رقابت بالا می‌گیرد. نهمن کنگره فوق العاده که در اواسط زویه تحت پوشش یک دموکراسی نیم بند برگزار می‌گردد، اگرچه میتواند در سطح رهبری حزب تغییراتی بوجود آورد، اما با پذیرش برنامه گروه کوئیستهای ارتد وکس برخی از استوارهای که انسک را مورد سوال قرار داده بخوب نظر نداشتند گروه نظامی حزب را تحکیم می‌نماید.

در پنجمین که بدنبال یک پر تشکیل میگردید قدرت کانیا تائید شده و کمیته مرکزی حزب کوئیست لہستان تصمیماتی را که علیه سند یکای همبستگی اخذ میگردند تائید می‌کند. از اوت ۱۹۸۱ رسماً علیه سند یکای همبستگی

عملات شروع می‌شود. نادگستری کوشندگان سند یکای را مورد اتهام و بازخواست قرار می‌رهد، (در اکتبر ۱۹۸۱ بیش از ۲۰۰ نفر می‌شود بازخواست قرار می‌گیرند) مسئولین اقتصادی برای توزیع مواد غذایی بیش از اندازه قصور بخرج می‌هند، هیچ اصلاحی در اوضاع اقتصادی بعمل نمی‌آید، پذیرش سند یکای را برابر وسائل ارتباط جمعی متوقف می‌شود، علی رغم چندین تقاضای مجلس (دیپ) قانون تصویب شده به خواست کارگران در باره خود گردانی پاسخ را میدارد. بدین ترتیب به قیمت همین برخوردهای متعدد اما کوچک کم کم فراکسیون نظامی قدرت را بدست می‌گیرد. در نیمه اکتبر یارویل اسکی بجای کانیا بعنوان یک دیکتاتور مطلق العنان زمام امور حزب و دولت را توانماً قبصه می‌کند یعنی هم دبیر اول حزب کوئیست لہستان و هم رئیس دولت و هم وزیر دفاع ملی می‌شود. از این هنگام است که زنگ خطر بصدای در می‌آید و شواهد بیش از هر موقع دیگر نشان میدارد که باید حساب سند یکای همبستگی را رسید و اوضاع را پکترقه کرد.

۲- آهستگی‌های جنبش خودکرانی

در داخل جامعه، گسترش بحران اقتصادی سند یکا را ودار به مخصوص تر نمودن هدفهایش می‌کند تا جاییکه او مجبور می‌شود از قبول هرگونه مسئولیتی در امور تجاری تا قبل از بهار آینده (۱۹۸۲) اظهار ممانعت کرده بیش از پیش بر روی اصلاحات اقتصادی که در دو مرحله آنرا معرفی می‌کند؛ یکی اصلاحات در ساختارهای مدیریت و دیگر تغییرات عمده در سازمان اقتصادی باشگاری نماید. در نتیجه به ابتکار شبکه‌های موسسات بزرگ برای توفیق بر بحران موجود در جامعه طرح خود گردانی راستی‌ن ارائه می‌شود. در داخل موسسات نارضایتی بالا گرفته علیه گرسنگ راه‌پیمائی‌ها به راه می‌افتد و برخوردهای موضعی در داخل کارخانه‌ها و مؤسسات و کارگاه‌ها چند برابر می‌شود. همینطور مساله بیدگوش و آماره

ساختن کنگره ملی یک جنبش دموکراتیک را در داخل سندیکا باعث میشود (اوائل تابستان ۱۹۸۱) برای هر ساله جزئی مقرراتی تعیین و مسورد بورسی قرار می‌گیرد. کنگره‌های منطقه‌ای در زوئن و زوئیه و ککره ملی دو سپتامبر و اکتبر برای کارگران لهستان نمایندگانی را انتخاب میکنند که ناکون سابقه نداشته، عاملی که باعث افزایش همگرائی و شناخت قدرت واقعی سندیکا شود را اثر اشتباها و غلطتها را حزب و دولت سندیکای همبستگی یک اختیار و قدرت تعیین کنده بهزیر ساخت جامعه لهستان دارد.

جنبش سندیکائی بیش از پیش مساله قدرت مرکزی اطرح میکند. زان کوروں در مقاله‌ای که در ماه اوت در نشریه "کارگر" می‌نویسد اظهار میدارد: "یک ناشکیایی سخت احساس میشود که روز بروز دامنه‌اش گسترش پیدا میکند، احسان میشود قدرت حاکم تحمل آنچه را که بوقوع بیوسته دیگر ندارد. این امر برای عده‌ای علامت آنست که زمان سرنکون ساختن قدرت فرا رسیده است" و زان لی تینسکی در ماه سپتامبر در همان نشریه می‌نویسد: "همه مردم به سادگی میدانند که نا آنرا نیاند ازیم قدرت حاکم خودش تغییر پیدا خواهد کرد." ز. پوزاک رئیس سندیکای ورشو در ماه اوت چنین میکوید: "موقع برگزاری یک میتینگ در اووسوس هنگامیکه اظهار داشتم همه این اقدامات خودگران ما را بسوی درست گرفتن قدرت خواهد برد مردم آنرا فهمیدند و تصدیق کردند (امروز اکوارد عمل نشیم) نیروی جنبش ما کاهش خواهد یافت (۰۰۰) اعضاء سندیکا تاکتیک‌های رهبری را درک نمی‌کنند (۰۰۰) در این لحظه مردم منتظر یک برنامه دقیق اند." اما می‌بینیم که رهبری سندیکای همبستگی تنها راه چاره را در خودگرانی و در بدست آوردن قدرت اقتصادی و خروج از بحران می‌بیند و آنگاه که با استفاده از روش‌های مشخص میتوانست برای تقسیم قدرت سیاسی با دولت وارد مذاکره شود و پیکارهای خود را از دست میدهد.

آرام و دموکراتیک و درنتیجه با توصل به یک جنبش اجتماعی خودگران را تغییر دارد. زیرا آنها قدرت نمی‌خواستند بلکه بدنبال افزایش شناور شد فکری و قوه تشخیص جامعه بودند. اما، آیا استالینیسم و قدرت پوانسالاران نظامی نیز این مهم را درک می‌کرد؟ و آیا مردم اینها را خواستند؟

بن‌گمان جنبش خودگرانی لهستان از خود شکست خورد و نه از پارو رهبران جنبش از افکار و خواستهای مردم عقب تر بودند، به همین علت، موارد مردم مایوس و خسته شدند.

ده روز قبل از کودتا در بیلانی که بوسیله زان مرک در شهره سولید انشیج انتشار یافت میخوانیم: فقط ۱۵ - ۲۰ درصد موسسات امنیت خودگرانی شده‌اند. نمایندگان منطقه‌ای اظهار داشتند: در لرستان یکی از مناطق بسیار پیشرفته است از ۱۵۰۰ مؤسسه فقط ۱۰۰ موسسه را رای کمیته‌های خودگران هستند. در اسلویست فقط "کمیته‌های بنیان گذار" آن هم به انتظار قانون خودگرانی دولت باقی مانده‌اند. مازووی "وجک" میدوید: "نا زمانیکه داشتیم اساسنامه جنبش سندیکا را تهیه میکردیم همه بر تحرک بودند، سپس موقعی که باید عملی میشد هم یک کسی بی حال شدند (۰۰۰) باید از روش‌های کامل" شخص استفاده کرد. این تنها راهی است که میتواند به خودگرانی تحرک بخشد. گذاندک بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ شورای خودگران و "کمیته بنیان گذار" وجود دارد. در بید گوش "تردید وضع تحرک در خودگرانی را" میان کارگران مشاهده کردیم به این صورت بود که ما اطمینان خود را برآور دنبال کومن جنبش از دست داده بودیم. (۱)

در حقیقت در ماههای بعد از اکبر بیرون وسعت جنبش خودگران لهستان به کادر رهبری سندیکای همبستگی خلاصه شد و نتوانست تاکتیک‌های خود را برای درست گرفتن قدرت به هواداران، اعضاء خود، ه...

کند . بطوریکه یک آمارگیری در اواسط نوامبر نشان میدهد ۲۱ درصد از مردم ورشو با پیشنهاد حذف حق اعتراض موافق بودند . (۱)

یاروزلیسکی از سکوت اکثریت استفاده کرد و با سرعتی که معمولاً در گزارش نظامیان و افراد نامعتقد به دموکراسی وجود دارد همچون گروگ در زنده‌ای به گله گوسفندان زد .

گزارش‌های رسمی شوروی حاکم است که زنگال یاروزلیسکی نقشه عملیاتی خود را در سه مرحله به اطلاع پیمان ورشورسانیده بود . اول در مسکو در حضور وزیران دفاع پیمان ورشو . دوم در بوداپست با حضور وزیران امنیت خارجی و در مرحله سوم در پراخ با حضور مدیران دفاتر خبرگزاری . و بدین ترتیب از نظر نظامی ، دیپلماتیک و ایدئولوژیک اختیارکامل در اجرا نقشه خود اخذ نموده بود . مارشال کولیکوف بمنظور نظارت بر اجرا نقشه نظامی و دادن دستورات لازم برای دشگر روسیه شوروی که در خاک لهستان حاضر بودند در تمام مدت اجرا کوتاه نداشتند و بسر میبرد . (۲)

ب - بک دیکاربله، دیکر

ابرقدرتها در طول تاریخ همیشه مردم لهستان و حقوق آنان را مسورد معاطه قرار داده‌اند خواه در سال ۱۸۶۳ و خواه پیش از آن یا قبل از ۱۹۱۸ که لهستان بین سه کشور پروس ، روس و اتریش تقسیم شده بود . پیروز در توافق بالتا و امروز بگونه‌ای دیکر .

برای شکافتن موضوع کمی به عقب باز می‌گردیم و دست به یک تحلیل تاریخی می‌زنیم . بعد از کنفرانس بالتا به دنبال کشمکش‌های سیاسی بین

۱ - اظهارآقای درون در کمیسیون ملی سند یکا ۳ و نوامبر ۱۹۸۱ به نظر از نشریه همبستگی شماره ۳۲ به تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۱

۲ - لووند ۱۸ دسامبر ۱۹۸۱

شرق و غرب چرچیل که مراقب منافع خود در لهستان بود در نامه‌ایکه برای روزولت ارسال می‌ارزیمین می‌نویسد :

"ما به این نتیجه رسیده‌ایم آنچه که در بالاتا مورد توافق قرار گرفت یک ضایعه‌حتی و یک شکست عظیم بود ، لهستان موزهایش را ازدست داد و حال باید آزادیش را نیز ازدست بدهد ."

بدنهال این پیام روزولت تلفنی با استالین گفتگو می‌کند (اول آوریل ۱۹۴۵ و میگوید :

"هر راه حلی که منجر به تغییر هیات نظام کمونی ورضو شود از نظر ما غیر قابل قبول است و مردم امریکا را مجموع می‌سازد و توافق نامه بالاتا را یک شکست فرض نمایند ."

با این روز بعد روزولت می‌سیور و هاری ترمن از مولوتوف "MOLTOV" که برای تشییع جنازه روزولت آمده بود پیام استالین را به شک زیرین ریافت می‌کند : "عدم اجرا" تعهدات بالاتا در باره لهستان به روابط ما با امریکا ضریب سختی خواهد زد و ... ؟

امیرالیس امریکا که میخواست قوای نظامی خود را در رفاح از متفقین وارد عمل سازد از این قطب استالین رضایت حاصل نکرده هاری هاپکینز (Harry Hopkins) را به مسکو فرستاده بعد از اینکه وثوق حاصل می‌شود می‌شودی نسبت به توافق نامه بالاتا شاهد می‌ماند ، بدب این خود را بر سر مردم ژاپن می‌اند ازد و فاجعه همیوشیما را به بار می‌آورد .

در آنروزها شورویها در رابطه با مداخله در امور داخلی لهستان میگویند :

"فکر لهستان را در سر نداریم ، رهبران لهستان ، حتی رهبران کمونیست آن ، چنین چیزی را نی خواهند ، آنها حق دارند زیرا ریم شوروی قابل صادر کوئن نیست . لهستان برای اینکه دوست شوروی باقی بماند باید تحت یک نظام پارلمانی همانند چکسلواکی و بلغاری و هلند اداره شود ."

بدنبال یک چنین قول و قرارهای است که "میکول آژچیک" (Mikol Ajezyk) رئیس دولت لهستان در تبعید (لندن) بعنوان معاون رئیس جمهور و وزیر کشاورزی وارد ورشو میگردد . در جلسه رهبران دول در پتسدام در ماه زوئیه همان سال (۱۹۴۵) غربی ها مرزهای خود را با لهستان به "اور" (ODER) و "نایس" (NEISSE) میرسانند و شورویها یکباره یکباره در این کفرانس قول انتخابات آزاد لهستان را به غربیها میدهند . چرچیل که امیدوار بود در اثر یک انتخابات آزاد روزیم پارلمان تاریخیم در لهستان بر سر کار باید از "بی روت" (BIERUT) که به استالین لهستان مشهور است قول میگیرد که لهستان براساس اصول دموکراسی غربی بنا شود .

اما می بینیم تاریخ عکس همه اینها را نشان میدهد و شانزده ماه بعد رهبران کمونیست لهستان تنها رهبران کشور را تشکیل میدهند و "میکول آژچیک" (Mikol Ajezyk) به تبعید فرستاده میشود . امریکا ، انگلیس و بطور کلی غرب با همه سروصدائی که راه میانه از نهاد منافع خود را در این می بینند کار بکشد تا به روابطش با اتحاد جماهیر شوروی لطمه وارد نشود و هر جا که عرصه تنگ میشود هر دو ابرقدرت جنگ جهانی سوم را طرح می کند .

علیوغم همه شرایط نامساعد اجتماعی در این چند سال اخیر قیامهای متعدد توسط کارگران ، روشنفکران و انشجویان لهستانی علیه کارفرمایان د ولتی بوقوع پیوست که همه آنها بوسیله دولتهاشان سرکوب شد . بدنبال "نابستان لهستان" مردم تا اواسط اکبر ۱۹۸۱ بطور همه جانبه سند یکای همبستگی را تایید میگردند . بنا به آماریکه بوسیله یکی از موسسات آماری - فرانسه بعمل آمد میور ، قبل از کودتا نقش و قدرت حزب سخت کاهش پیدا کرده بود ، تا جائیکه اکفرار بود انتخابات آزاد در این کشور انجام گیور حزب فقط قادر بود ۳٪ از کل آراء را بدست آورد و بدین سند یکای همبستگی وقتی میخواست دولت را تهدید کند گفت : "و گرنه انتخابات آزاد " ؟ اگر "سرمای زمستان" که مردم را دچار یاس و تردید کرده بود طی میثمد

"بهار و تابستان" لشیونی انتظار مبارزان لهستان را میکشید ، قدر قدر تسان شوروی این امر را میدانستند ، پس باید موقع وارد عمل میشدند به همین علت برزنت در موقع برگزاری بیست و ششمین کنگره به روشنی وبا صراحت کامل گفت :

"ما اجازه نخواهیم داد لهستان سوسیالیست صد هم ببیند و یک کشور برادر را در بد بختی رها نخواهیم کرد ."

پ-ویراث واشنگتن

در ابتدای بحران لهستان یک سو تظاهر برواباط بین شرق و غرب حکم رکم بود .

مسکو چنین نشان میدارد که مد اخله قوای نظامی لهستان علیه سند یکای خود گردان به سادگی برگزار خواهد شد و عکس العمل شدیدی از سوی دول غرب بوجود نخواهد آمد . واشنگتن و اکثریت دولتهای پیمان اتلانتیک اتفاقاً داشتند که همه چیز خوب و به سرعت طی خواهد شد و بازگشت لهستان به موقع اول به نفع همه است .

اما ، امروز روشن شد که برای اکثریت دولتهای غرب و معاقل بانکی متعدد در برابر شرق اعلام کرد تای پاروزلسکی توان با یک نگرانی تسکین آمیز بود . زیرا در هفته اول کودتای نظامی در مطبوعات انگلیسی زبان و آلمانی زبان از قبیل : تایمز لندن ، کارلین ، فایناشیال تایمز ، وی زیت ، ور اشپیگل وغیره مقالاتی با تعابیر و تفاسیری از قبیل : "پاروزلسکی صارق است" "سولید اریته خیلی زیادی رفته بود" ، "کودتای نظامی لهستان خبر خوش هفته" ، "والزا یک بلندگوی مردمی بود که فقط از کفار خودش فرمان می برد" "دخلت نظامی انکار ناید پیر شده بود" ، "بعد از شانزده ماه لهستان برای اولین بار دارای یک دولت شد" وغیره .

همه اطلاع پیدا کردیم که اولین حرکت وزیر پاروزلسکی بعد از بدست

گفتن قدرت ارسال یک تلگرام به مسئول اصلی کسرسیوم طلکارهای غربی در فرانکفورت برای اطمینان دادن به بازیرا اخت بذهنی های لهستان بود . باز اطلاع داریم که مدته قبل از واقعه کوتای نظامی یک چهارم از بانکداران بزرگ غربی به ورثه برگشته و با لحنی ملایم با مقامات دولتی لهستان وارد گفتگو شده و گفته : باستی قبل از پایان سال میسیحی در برنامه اقتصادی لهستان نحوه پرداخت بهره هلهای که قادر به پرداخت آن نشده اید ملحوظ شود در غیر اینصورت کشور لهستان بعنوان یک کشور ورشکسته اعلام خواهد شد .

غیری هاتصور میکردند یاروزلسکی بعد از موفقیت خیلی زود مذکوره بیسن دولت نظامی قوی و سندیکای همبستگی تضعیف شده را شروع خواهد کرد ، این راه حل از خطر مداخله نظامی اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری می آورد . همان طریکه نشریه " اوتان (U.N.O.T.A.) " که در آلمان غربی منتشر میشود نوشته بود " از جهتی این موضوع خیلی خوب تدارک دیده شده بود زیرا در ترکیه یک رژیم وزراهای کوتاگر بر سر قدرت است ". و انگهی در محافل سیاسی جهان روی کار آمدن دوباره سلطنت یا یک رژیم دست راستی تمرکز بتواند منافع امریکا را پیش از این در ایران تضمین کند زمزمه میشود .

در این میان ، اخبار تسلیم ناپلیونی کارکران در معادن سی لیزری و از کارخانه های کشتی سازی بالتبیک و مقاومت پوشون آنها ، این چشم اندیاز را تبیه کرد . فرانسه و انگلستان علی رغم سفارشات وزارت خارجه امریکا که از آنها تقاضای آرامش کرده بود بطور غیر قابل متنظره ای نسبت به کوتای اعتراض کردند . امریکا در شرایطی قرار گرفت که اجبارا " باید در باره لهستان موضع میگرفت لذا الکساندر هیگ یاکشنبه (۲۰ دسامبر ۱۹۸۱) اظهار داشت

" این واقعه اسفبار قابل پیش گیری نبود و اوضاع میتوانست بهبود پیدا کند ولی باید احتزارهای جدی تری به مستور اراده میشد " و نسبت به افزایش حملات وحشیانه " اعتراض نمود و پراز کاخ سفید همراه با فشارهای اقتصادی برای لهستان بود که در نکار آن بطور رسمی مسکورا مورد سوال

برخی از روابط بازرگانی و تکنولوژیکی را با روسیه بهم زد . قبله " الدیگ " گفته بود اقدامات شدید از قبیل قطع روابط بازرگانی و تکنولوژیکی جماهیر شوروی باید بعنوان یک وسیله فشار نگهداری نمود و در موقع مستقیم نظامی روسیه شوروی بکار گرفته شود . بدون شک بر اساس تصمیم اخیر امریکا نمی توان آنچه را که از ایام بین ابرقدرتها بر سر جنبشها ملی و مردمی معمول است نادانی اثناشت و باید منتظر مراحل بعدی بود و دید دست بازیگر سیاست جهان چه ورقی را بازی خواهد کرد . کمالینکه مبارزین لهستان به این تصمیمات دل خوش ندارند .

۳- چپ، روشنگر و سازمانهای سیاسی ایران

جنبش کارگری لهستان از یک پیشنهاد تاریخی بر جستهای برخوردار و گاهی این جنبش کشور لهستان را از مخاطرات کوناگون نجات داده و امپریالیسم و کولنیالیسم را وادار ساخته تا بهتسخیر و تقسیم آش بپرسد از برای مدنی او را از نقشه جغرافیائی جهان محسوساند . جنبش کارگری لهستان یک جنبش ملی میباشد که در طول تاریخ ه فرهنگ ملی و سیاسی و اجتماعی و ویژگی های مردمی جامعه لهستان حفاظت کرده است .

این جنبش در طول تاریخ بوسیله دیکاتورها که خود را زیر پوشش مختلف ایده تکنولوژیکی پنهان ساخته اند سرکوب شده است . هنگامی را نویse ۱۸۶۳ قیام بزرگ مردم لهستان بوسیله کولنیالیسم سرکوب شد این مردم اعتراض شدید مردم جهان قرار گرفت در آن زمان نیروهای چپ از مبارزات مردم لهستان حمایت کردند . در همان سال انگلیس در سخن

"لهستان در وضعیتی قرار دارد که کاملاً انقلابی است و برای لهستان راه دیگری جزء این وجود ندارد که یا انقلابی باشد و یا ازبین برود. گسترش موج انقلابی یک از علل اصلی سرکوب کردن لهستان بود کشوری که بخاطر انقلابی بودن تکه تکه شده و از لیست خلقتها حذف شده است نمی تواند علاج خود را جزء انقلاب در چیزی دیگر جستجو کند... همچنان کس نمی تواند خلقی را به اسارت در آورد و از مجازات معاف بماند... وی می افزاید، در رابطه با روسیه می بینیم که: در سال ۱۸۷۱ اولین جنبش مهم در میان دانشجویان بوجود آمد که بعراقب طغیان‌ناکر بود، موجب برپا شدن قیام ۱۸۷۳ لهستان شد زیرا بابت آن شده است که این قیام کار آنها بود. جنبش دانشجویان و شور عمیق خلق‌بزودی محسوس و جای خود را به شوونیسم روسی که بر لهستان مستولی شد داد که بعثابه حفظ سلطه روسیه بر لهستان بود. در همین جلسه مارکس بدنبال سخنان انگلیس چنین گفت: عالم علاقمندی خاص حزب کارگر نسبت به سرنوشت لهستان چیست؟

طبعاً "ابتدا" علاقمندی نسبت به خلق تحت ستم است که بوسیله مبارزه قهرمانانه مدام خود علیه ستمکران حقوق تاریخی خویش را در رابطه با استقلال ملی و خود مختاری نشان میدهد... تا زمانیکه یک خلق قادر به زیست، بوسیله یک اشغالگر خارجی زنجیر شده باشد، "الزاماً" از تمام نیروی خود، تمام تلاش‌های خود و تمام انرژی خود، علیه دشمن خارجی استفاده خواهد کرد و بنابراین تا آنوقت زندگی داخلی آن فلنج بوده و قادر بر آن نخواهد بود که برای رهائی اجتماعی اقدام نماید... لهستان خون خود را در چنگ استقلال امریکا نثار کرد ولزیوهای آن زیر پرچم اولین جمهوری فرانسه چنگیدند، با انقلاب ۱۸۴۰ خود مانع تجاوز به فرانسه گردید که در آن زمان بوسیله تقسیم گندگان لهستان مقصود شده بود، در ۱۸۴۶ برای اولین بار، پرچم انقلاب اجتماعی در "گراکو" باهتزاز درآمد. در ۱۸۴۸ فعالانه در مبارزات انقلابی مجارستان،

سریازان را در خدمت کمون پاریس قرار داد. (۱) ما این نقل قولها را از سخنرانی مارکس و انگلیس آورده‌یم تا اگر از کسانیکه خود را چپ و مارکسیست میدانند مواضع این دو عالم علی اجتماع را در باره مبارزات مردم لهستان بخاطر آورند و امروز در مبارزات زحمتکشان لهستان مثل کبک سرشان را زیر برف فرو نکنند و نیز نگها و راههای کمونیستهای راست نشوند، با آنچه که روسیه شو این سه رده اخیر تحت عنوان بلوک کونیسم بر سر زحمتکشان شرق است، باتکیه بر خط مبارزات ایده تولوزیکی انقلابیون راستین جهان؛ اگر امروز مارکس یا انگلیس زنده بودند، تجاوزات سوری و پیکاتورها آن چون پاروزلیکی و مارشال کولیکوف فرمانده کل قوای پیمان و رضو محکوم میکردند و همانطور که مارکس در سال ۱۹۱۳ حزب کارگر اروپ طرفدار مبارزات قهرمانان لهستان را نست امروز نیز همه چیزهای و مبارزین متفرق و دموکرات و آزاد بخواه جهان را به طرفداری از جن اجتماعی لهستان دعوت مینمود و در مقابل این سوسیالیسم واقعی فرود می‌آورد.

ما در زیر موضع حزب توده سرکرده کمونیستهای راست را نست ای این دو باره لهستان نقل می کنیم بدون شک موضع چریکهای اکبریت که جوانان حزب توده و فرزندان آیت‌الله کیانوری میباشند غیر از این نم باشد.

۴- موضع ارتقای حزب توده و کمونیستهای دست این آفای کیانوری است که در مورد لهستان تحلیل میدهد.

س - وضع کوئی لهستان را چگونه تحلیل می کید؟

ج - همانطور که خبرهای رسیده نشان می دهد ، نیروهای اصیل انقلابی سرانجام مجبور شدند به اقدامات قاطع درست بزنند و پایگاههای ضد انقلاب را که طی یک سال اخیر هر روز با گستاخی بهشتی به تشنجه و بحران دامن می زدند ، خلع سلاح کردند و درهم بگویند . رهبری حزب متحد کارگری لهستان طی یک دوران طولانی تمام تلاش خود را به کاربرد تا با توضیح علل واقعی دشواریهایی که در زمینه اقتداری پدید آمده بود ، با ارشاد نیروهایی که علل واقعی این دشواریها را درک نمی کردند و با حد اعلای شکیابی و بردباری و نشان دادن مهارت و نرمی در مقابل این نیروها ، شرایط لازم را برای همکاری عمومی ملی به منظور برآند اختن زمینه این بحران و چیزه شدن برآن ، فراهم کند .

وی بعد از اینکه کارگران مبارز و زحمتکشان انقلابی لهستان را گروههای ضد سوسیالیستی و آلت دست امپریالیسم معرفی و سرکوب آنها را تائید میکند اضافه می نماید :

" این نکته را باید بار آور شویم که توده های زحمتکش هم گاه می توانند برای زمانی کوتاه رچار گمراهی شوند . تاریخ جهان نه یک بار و دو بار ، بلکه ده ها بار تحقیق چنین امکانی را نشان داده است . این گمراهی حتی در یک جامعه سوسیالیستی هم ، به علل و عوامل معین عینی و ذهنی که مادر گفتارهای پیشین آنها را تحلیل کرد مایم ، مکنت بیش بباید . اما این گمراهی در توده های زحمتکش دیر پا نیست و گذرا است . حزب پیش آهنگ طبقه کارگر با استفاده از نیرو و خرد جمیع طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش حتی می تواند بر دشواریها چیزه شود و به گمراهی ها پایان دهد . در لهستان هم ما الان با آغاز چیزه شدن بر بحران و پایان دادن به آن رویرو هستیم . حزب و دیگر نیروهای سالم کشور که اکثریت مردم لهستان را تشکیل می دهد ، با اقدامات قاطع انقلابی خود ، " حتی " خواهند توانست این غده سلطانی را که بین از اندازه نمود کرده بود ، رفع کنند و جامعه لهستان را در راهی که از سی و پنج سال پیش ، پس از پیروزی

تاریخی بر اهله زنان فاشیست در پیش گرفته است ، به سوی تحکیم و گسترش دست آوردهای سوسیالیسم و تامین نیکختی همکانی رهمنمود شوند . متأمیابی رهبری لهستان سوسیالیستی و زحمتکشان آگاه و پاک امن آن را در انجام این رسالت بزرگ انقلابی ، صمیمانه آزومندیم " (۱)

بلی آقای کیا شوری نماینده واقعی کوئینیستهای دست راست ایران جنبش انقلابی کارگران لهستان را غدیر سلطان می خواند توده های زحمتکش لهستانی را که آگاهانه علیه دیگرانشوری و اختلاف طبقاتی و آزاری کشی ، تجاوز به حقوق اجتماعی و سوسیالیستی به پا خواسته اند گمراه می خوانند و در عرض حزب تحت فرمان کوئینیست لهستان را که مستقیماً از بربزنسف و مسکوک دستور دریافت میکند و علیه خلق خود وارد عمل نمیشود نیروی سالم می خواند و از کوئتای نظامی به عنوان اقدام قاطع نام میرد و خاطره پیشنهاده را در ازهان زنده میکند .

مارکس و انگلیس و دیگر روشنگرگران در آن زمان نقش خود را بعنوان روشنگرگران مترقب و چیز به خوبی انجام داره اند زیرا در یک تحلیل اجتماعی و سیاسی به این نتیجه می رسیم که روشنگرگران چیز اند . بنابراین چیز باید بوسیله روشنگرگران حمایت شود سازمانهای سیاسی ای که مورد حمایت روشنگرگران یک جامعه قرار میگیرند و روشنگرگرانی که به این سازمانهای خدمات میدهند باید قادر باشند عقاوید چیز خود را برای آن سازمانهای تشريع کرده و آنها را به یک موضوعگیری سیاسی مترقب رهمنمود سازند . مساله لهستان در جهان مورد حمایت چیزهای واقعی قرار گرفته اگر برای بروخی از سازمانهای سیاسی ایران که خود را چیز معرفی میکنند ، درک این موضوع مشکل باشد این وظیفه روشنگرگران چیز است که آنرا تفهم کنند . هر اندازه این تفاهم در چیز و تفهمی در سازمانهای سیاسی رشد بیدا کند

۱ - به نظر از پرسن و پاسخ ۲ آذر ۱۳۶۰ نوال الدین کیانی وی صفحات ۳۱ و ۳۰

به همان انداده فرهنگ سیاسی و ملی جامعه و اعتقادش به دموکراسی یعنی قبول و تحمل اصل تعدد افکار انتشار پیدا می کند . زیرا چپ بودن و اعتقاد داشتن به دموکراسی با هم نسبت مستقیم دارند .

امروز در امریکای مرکزی ، امپریالیسم امریکا ، در اروپای شرقی و افغانستان بشویسم و بروکاری دولتی در افریقا سیاه ، اروپای استعمار گر حقوق انسانها و حقوق زحمتکشان را مورد تجاوز و تهاجم قرار می دهد نمی توان خود را چپ خواند در مقابل این تجاوزات وحشیانه سکوت کرد .

لفاظی های "ستفـرانان"

"وستان لهستانی ما - آزاد بخواهان لهستان - اخیراً" با اس آزاد بیهائی که در طی مبارزات پیغمبریشان در پیکال اخیر بدست آتو موفق به انتشار "راهنمای عمومی برای سخنرانی" در نشریه پرتی "زچیه ورشاوی" (روزنامه لهشو) شده اند ، که ما ترجمه فارسی آن به اقتباس از روزنامه "لیبراسیون" می آوریم . دانشجویانی که ط جدول زیل هستند ، به خوبی توانند از عبارات محتوی و مس سخنرانی های رسمی مقامات دولتی وحزبی کشورشان را در قالب طن ریخته و این "راهنمای نطق و خطابه" را جهت استفاده کارهای دستگاههای حکومتی ارائه دهند .

طرز استفاده از جدول به شرح زیر است :

از عبارت اول ستون اول شروع کنید و سپس آنرا با هر کدام از عبارات دوم ، سوم و چهارم ترکیب کنید - دوباره از ستون اول حرکت کنید از عبارات ستون دوم را انتخاب کرده ، به دنبال آن عبارتی از ستون به دلخواه بیاورید و جمله را با عبارت دیگری از ستون چهارم تکمیل آین ترتیب ، ... مر. ۱ ترکیب گوناگون ، در اختیار شما است و شما یک سخنرانی "انقلابی" چهل ساعته ، کاملاً مجهز می کند !

باشد تا کسانیکه در اقصاء نقاط جهان ، و از جمله در ایران ما انحصار درآوردن دستگاههای ارتباط جمعی و با توصل به تورم که قصد فربیت تودهها را دارند ، بدانند که مردم جز به استهزا به نلاطف بخواهان آنها نمی گردند . (۱)

" متابع "

- 1- Syndicalisme & libertés en Union soviétique P.C.M petite collection maspero Paris 1979
- 2- Pierre Rosanvallon
l'âge de l'autogestion , Edition du Seuil Paris 1976
- 3- CLEFS pour l'autogestion
Alain Guillerm et Yvon Bourdet
Edition Seghers Paris 1977
- 4- Solidarnosc, un an de lutte sociales en Pologne, Jean -marie Charpentier - Henri Israel.
CFDT information Paris 1981
- 5- Albert Meister
Où va l'autogestion Yougoslave?
Edition anthropos Paris 1970
- 6- Jean Yves Potel
Le monde diplomatique octobre 1981
- 7- Ignacio Ramonet
La montée d'un conte - pouvoir dans la pologne en Crise
Le monde diplomatique octobre 1981
- 8- Le Matin de Paris 21 décembre 1981

۱	۲	۳	۴
شرایط مالی و اداری موجود	ما را وارد این کند به تجزیه و تحلیل	تحقیق و ظایف منعکس در برنامه حزبی	رفتاری عزیز
جهتگیری های اساس نویسه در سالهای آینده	نقش حساسی دارد در شکل کیسری	پیچیدگی و نحوه آموزش کارها	از سوی دیگر
شرکت عمومی در طلب می کند در راه پیشبرد سیستم اجتماعی	ردقت و قاطعیت را افزایش روز افرون کیفیت و کنترل فعالیت ها		همچنین
مشی احضا تشکیلات در فعال وظایف خطیرشان	ما را یاری می دهد در آماده کردن و تبلیغ	زیر بنای فعلی سازمان	لیکن نباید فراموش کیم که
بیشنهادات تازهای کثیر است پر رشکل بخشیدن	تصمیم گندۀ شرکت کروه که اراده نموده است	نمونه جدید فعالیت تشکیلات	بدین ترتیب
وظایف سنتیکن را بر عهده جهت پیشرفت و تعلیم را در رابطه با	هدفهای آموزشی در	زندگی روزانه به مامایموزر که رشد مستمر ایجاد کوناکون غمگین	
سیستم آموزشی کارها مطابق نیازهای جمهور	شرایط مساعدی را فراهم می کند برای	تصمیم رانی فعالیت روشنگری و تبلیغاتی ما	نیازی به استدلال عمیق درباره اهمیت و مفهوم این مسائل نیست زیرا
شرایط مناسب فعالیتهای اجتماعی	مانع بزرگ است در راه تشخیص	تعکیم و توسعه زیر بناما ،	تجربه های غنی و گوناگون ،
پیشرفت های پوشم کثیری که شاهد آن بودیم	کوششی است برای بررسی	تبادل نظر با عده کثیری از فعالین حزبی	صالح تشکیلات و به ویژه
	ضجر می شود به مورد سوال	آثار ملکر همه جانبیه در	اصل عالی ایده های ایات همچنین

- 22 - André fFontaine
J'y suis , J'y reste , le monde 23
décembre 1981
- 23 - L' Alternative N°13
- 24 - Auto-gestion et socialisme N° 5
Pologne la brèche ?
Printemps 1981 , Privat , Paris
- 25 - L' ETE Polognais
CFDT - Union Régionale Parisienne;
décembre 1980 Paris
- 26 - Michel Tatu
La diplomatie de l'indignation
Le Monde 14,15 mars 1982

Géopolitique , le monde diplomatique
Aout 1981

- 10- Ignaco Ramonet
Pologne un an après , le monde
diplomatique novembre 1981

- 11 - Ignaco Ramonet
Pologne la longue marche vers
la normalisation , le monde
diplomatique janvier 1982

- 12 - Problèmes politiques et sociaux
Interrogations Polognaises ,
numéro 714 le 19 juin 1981

- 13 - Alain Touraine
La libération sociale de la Pologne
le matin de Paris 13 juillet 1981

١٤ - گارل مارکر و فریدریش اندرس - براء ایستان - علم و حامه
سخاوه و حاب امریکا

- 15 - L'Alternative N° 1
- 16 - " " N° 7
- 17 - " " N° 8
- 18 - " " N° 9
- 19 - " " N° 10- 11
- 20 - " " N° 12

- 21 - Que faire aujourd'hui?
Le sens des débats de solidarité N° 17

Elitisme
Anarchisme
Inter - Syndicale
Inter - Professionnelle

برگزیده گرایی
بین - ولتی
بین السندیکاتی
بین الحرفا

" ب "

Thése Nationale
Phénomène
Réactionnaire
Utopisme
Dynamique
Dynamisme

پیشنهاد ملی
پدیده، نمود
پس کرا
پندار گرایی
پوچا
پوچانی

" ت "

Totalitaire
Totalité
Totalitariste
Totalitarisme
Généalogie
Transformation
Gristalisation
Radicalisme
Dogmatisme
Evolutionnaire
Evolutionniste

نام روا، یکه ناز
تامیت، جامعیت
نام کرا، نام روا
نام گرایی، نام روانی
تبارشناسی
تبدل، دگرگونی
تبلو

تجدد رخواهی
تعجر، جزمیت
تطوری، تحولی
تطور کرا، تحول کرا

" واره نام _____ "

" الف "

Réforme (s)
Réfores Révolutionnaire
Emotion
Moral
Déformation
Planification Souple
Idéalisme
Mécanisme
Radical (e)

اصلاحات
اصلاحات انقلابی
احساس، هیجان
اخلاقی
اعوجاج
انعطاف در برنامه ریزی
انگلار گرایی
افزاروارگی
اساسی - رشنده ای

" چ "

Idée
Idéal
Idéalisme
Idéaliste

آرمان، انگاره
آرمانی
آرمان گرایی، اصلالت تصریف
آرمان کرا

" ب "

Crise Totale
Alternative
Elite

بحران کی، بحران نام
بدیل
برگزیده

Evolutionnisme

Pluralisme

Obscurantisme

Coopérative

Tabou

تطورگرایی، تحولگرایی

تعدد، تنکر

تبیهه اند پیش

تعاونی

تابو (محرم)

خود

خودکمال یابی

خودناظاری

Raison

Self- développement

Auto - contrôl

دریافت، فرایافت

دیوانسالاری

Conception

Bureaucratie

" ر "

" ز "

ذهن

ذهنی، درونی

Subjet

Subjectif

" ر "

راستین

روش شناسی

روشنفکر

Authentique

Méthodologie

Intellectuel

" ز "

زیده

زیارت طلبی

زیر ساخت

Elite

Maximalisme

Base

Mouvement Ecologiste

Dogmatisme

Collectivism

Substance

Imperialiste

International

جنپیش بوم شناسی

جزمیت

جمع گرائی

جوهر، کوهر

جهانگشا

جهانی

Vital- e - aux

Théologie

POUP

حیاتی

حکومت دینی

حزب متحده کارگری لہستان (حزب کمونیست لہستان)

" ح "

" ح "

" خ "

Autogestion

Self-gouvernement

Autonomie

Autonomie des entreprises

خودگردانی

خود مختاری، خودگردانی

خود مختاری

خود مختاری موسسات

" س "

Orientation	سیاست کمی
Revaechards	سیاست انتقامگویی (آلتانها)
Rentabilité	سوداگری
Capitalisme	سرماهه داری
Formation	سازندگی
Structuration	ساختاریتی
Structure	ساختار
Tradition	ست
O.I.T.	سازمان جهانی کار
Hirarchie	سلسله مراتب
Hirarchique	سلسله مراتب، سازنده و ساختاری
Structure hirarchique	ساختار سلسله مراتب
Syndicat	سندیکا
Syndical	سندیکائی
Syndicaliste	سندیکاگر
Syndicalisme	سندیکاگری

" ش "

Infrastructure	شالوده
Méthode	شیوه
Enthusiasme	شوق، اشتیاق
Exaltation	شمو و احتدای روحی، اجوش و خروش

" ص "

Notion	صورت معقول
Formation syndicale	صورتیستندی سندیکائی
	" ط "
Caste	طبقه
	" ع "
Organe	عضو، اندام
Objective	عینی
Déterminisation	علیت
	" غ "
Apolitique	غير سیاسی
	" ف "
Catastrophe	فاجعه
Culture	فرهنگ
Sectarisme	فرقه گرایی
Sectariste	فرقه گرا
Activisme	فعل گرایی
Activiste	فعل گرا
Active	فعال

فدراسیون برای یک لهستان مستقل (ویژه لهستان)

فرایافت، دریافت

K.P.N

Conception

"ق"

قدرت تولید

"ك"

کمک دولت به خانواره های

بی بضاعت

کمیسیون منطقه ای بین الموسساتی

Allocations

Familliales

M.K.Z.

کمیته اجتماعی رفاقت از خود، کمیته رفاقت از خود اجتماعی

K.O.R.

کفدراسیون فرانسوی کارگران دموکرات

C.F.D.T.

"گ"

گایش، تعامل

Tendance

"م"

ماده گرا

ماده گرایی

متعصب

مرکز گرا

مرکز گرایی

صلحت گرا، طرفدار اصل التعلق

صلحت گرایی

مطلق، محض

Matérialiste

Matérialisme

Fanatique

Centraliste

Centralisme

Pragmatiste

Pragmatisme

Absolu

Froum

مجتمع، مجموعه

Froum de Katowice

جمع کاتویچ

Proprietaire collectif

مالک اشتراکی

Centralisme démocratique

مردم سالاری مرکز

participation

مشارکت

Autoritair

مطلق العنوان، قدر قدرت

Symbole

ظاهر، نماد

Conception

مفکره، فرایافت

Nation

لطف

Polémique

مناظره

Monolithe

منجم

Autroité de Tutelle

مقام مراقب

"ن"

Utopia

ناکجا آباد

Controle ouvrier

نظرات کارگری

Auto - controle

نظرات برخود، خود نظارت

Speculation

نگرش

Symboliste

نماد گرا

Symbolisme

نمادگرایی

Relativiste

نسیون گرا

Relativisme

نسیون گرایی

"و"

Réactionnaire

واپس گرا، رجعی

K.P.N

Conception

"ق"

Productivité

"ك"

قدرت تولید

"ك"

کمک دولت به خانواره های

بی بضاعت

کمیسیون منطقه ای بین الموسساتی

Allocations

Familliales

M.K.Z.

کمیته اجتماعی رفاقت از خود، کمیته رفاقت از خود اجتماعی

K.O.R.

کفدراسیون فرانسوی کارگران دموکرات

C.F.D.T.

"گ"

گایش، تعامل

Tendance

"م"

ماده گرا

ماده گرایی

متعصب

مرکز گرا

مرکز گرایی

صلحت گرا، طرفدار اصل التعلق

صلحت گرایی

مطلق، محض

"و"

"م"

Absolu

Réaliste
Réalité
Prophétique
Prophétisme

واقع کرا
واقعیت
وخشونانه
وخشونگرانی

Cogestion
Norme
Normativisme

همکارانی
منبار
منبارگرانی

Totalitair

پکه ناز ، نام روا